اسوۀ رسول صلی اللہ علیہ وسلم

و

کاریکاتورها

خطبات

حضرت میرزا مسرور احمد

امام جماعت احمدیه جهانی

خلیفة المسیح الخامس ایده الله تعالیٰ بنصره العزیز

اسوۂ رسول ﷺ

و کاریکاتورها

The Blessed Model of the Holy Prophet Muhammad and the Caricatures.

Translated from Urdu into Persian by:
Syed Ashiq Hussain

First printed in UK in 2008

Published by:
Islam International Publications Ltd
'Islamabad'
Sheephatch Lane
Tilford, Surrey GU10 2AQ, UK.

Printed in UK at:

ISBN: 1 85372 970 1

پیشگفتار

نبرد حق و باطل و نوروظلمت همان از بِدایت در جریان است۔ اما طبق سنت خداوند متعال پیروزی همواره حق و نور را دست میدهد۔ بعضیها را عادت بوده است که برای شهرت جوئی که در واقع فرآورده تکبر است به رسولان خداهم چشم میشده اند اماعاقبت ناامید و زیانکار شدند۔دربارۂ اسلام و در شأن فخرکائنات سّیدنا حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ افرادی به نوع نوع روش گستاخانۂ پیش گرفتند و طبق سنت الله کام دلشان همواره ناکامی بود۔ اخیراً هم بعضیهابه بهانه آزادی بیان وآزادی مطبوعات براسلام وآنحضرت ﷺ کین برده وباحتمال اغلب بجهت گسترش تنفربرعلیه عالم اسلام کاری کاتورهای بیهوده درکتبی متفرق و روزنامه ها نشرکرده اند۔ درنتیجه در نهاد های اسلامی مختلف وکشورهای اسلامی واکنش شدیدی ابرازکرده شد وبه نشانۂ اظهارخشم آتش زدگیها وخرابکاریهاصورت گرفت۔

جماعت احمدیه را اهداف حیاتی اینست که بفضل وکرم خدایتعالی تعلیمات راستین برعرصه گیتی ترویج کرده شود۔نظربه این واکنش جماعت احمدیه هنگام اینگونه رویدادها بجای آتش زدن و خرابکاری به ایرادهای ایرادگیرندگان پاسخی رضایت بخش داده و بدینوسیله کوشش به رساندن

پیغام حقیقی و راستین اسلام به دنیا انجام داده شود۔ چنانکه این رویدادها تازۂ را امام جماعت احمدیه حضرت میرزا مسرور احمد خلیفة المسیح الخامس ایده الله تعالی ضمن آن خطبات جمعه خود که ۱۰فوریه، ۱۷فوریه ، ۲٤فوریه،۳مارس و ۱۰مارس را در مسجد بیت الفتوح لندن ، ایراد فرمودند، موضوع مبحثی سیرحاصل قرار داده فرمودند که واکنش یکی مومن واقعی روبروبا این شرایط چگونۂی باید باشد وبا چگونه روش باید برخورد نمود۔

بایستی احباب نه تنها خود این فرموده های را مورد مطالعه قرار دهند بلکه به آشنایان خود هم برای مطالعه پیشنهاد نمایند تا آنها نیز به تعلیم قشنگ اسلام آگاه شوند۔ برای این مقصود این سخنان فرموده آمده بصورت ترجمۂ زبان های متفرق چاپ کرده خواهد شد۔

ترجمه بفارسی زبان سید عاشق حسین انجام داد که قابل تقدیر است۔

خاکسار

منیرالدین شمس

ادیسنال وکیل التصنیف

۲۲ماه مه۲۰۰۸

فهرست مطالب

خطبۂ جمعہ ۔ ۱۷ فوریه ۲۰۰٦ ۲۷

خطبۂ جمعه ۲۴فوریه۲۰۰۶ ۵۳

خطبه جمعه

فرموده ۱۰فوریه۲۰۰٦۔ مسجد بیت الفتوح۔ لندن۔ بریتانیا

☼اسوۀمهرومحبت ورحمت آنحضرتﷺبهمه دنیا باید گفت۔ پهلو های سیره آنحضرتﷺدرهرسرزمینی متمایزنموده وکردار خود را باید تنظیم کرد۔

☼چاپ کاری کاتورهای نهایت شنیع و توهین آمیز و تهییج کننده احساسات مسلمانان و ذکر از واکنش جماعت احمدیه در چهار چوب تعلیمات اسلام وتأثیر مثبت آن۔

☼ازاینگونه حرکات، بغض وتعصب اینها را نسبت به اسلام اظهار میشود دل چرکینی این ناپاك دلا ن و دوری از خدا دیده میشود۔

☼سوزاندن پرچمها،اعتصاب،تخریبکاری یا آشوبگری طریقی صواب برای پروتست نیست۔

☼ماروشهای خود را فراخور ارزشها و تعلیمات اسلامی باید قالب کنیم۔ واکنش ماهمواره بطوری باید باشد که اسوۀ آنحضرت ﷺ بویژه روشن گردد۔

☼تشویق به احمدیان برای برگزیدن شغل روزنامه نگاری۔

أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَہٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہٗ وَ رَسُوْلُهٗ۔ أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ۔

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ۔الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۔مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ۔ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۔ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ۔ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِالْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَاالضَّالِّيْنَ ۔

وَمَا اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ۔ (سورة الانبياء۔ آیت۱۰۸)

اِنَّ اللّٰهَ وَ مَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ۔ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا ۔اِنَّ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهٗ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِيْنًا ۔ (سورة الاحزاب۔ آیات۵۷-۵۸)

واکنش عالم اسلام درمقابل چاپ کاریکاتورهای شنیع در دانمارك وکشورهای اروپایی۔

امروزها چاپ کاریکاتورهای نهایت شنیع وموجب تهیج احساسات مسلمانان در روزنامه های دانمارکی وبرخی ازکشورهای اروپائی به هتك آنحضرت ﷺ موج اندوه وخشم در سراسر عالم اسلام بردویده و از هر مسلمان ابراز واکنش میشود۔ باری طبعاً واکنش باید ابراز میشد و پیدا

است احمدی نیز که در عشق و محبت آنحضرتﷺ فزونتر از دیگران است چه بواسطۀ حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰة والسلام فهم و ادراك او بمقام خاتم الانبیاء محمد مصطفیﷺ درمقایسه به دیگران بسیار بالا است،بعضیهانامه های نوشته وباابرازاندوه وخشم خوداظهارنظرمیکنند که باریختن طرح برنامه ای ادامه داربه دنیاباید گفت که آن پیغمبر معظم را چه شأن والایست۔البته دراینمورد جماعتها هرجائیکه کارگر اند کار انجام میدهند۔ اما بطوریکه ما میدانیم واکنش ما با اعتصابات و آتش زدن انجام نمیگیرد و نه این اعتصابات، تخریبکاری و سوزاندن پرچمها معالجه این عارضه است۔

دراین عصر هم مذهبیون دیگر ادیان و هم جهان غرب بر اسلام و بنیانگذار اسلام هجوم آورده اند۔درحال حاضرغرب را بادین هیچ علاقۀ نیست ۔ اکثریت آنها در لهو و لعب دنیا فرورفته اند۔ درآن آنقدر گیر افتاده اندکه دینشان اعم از اسلام است یا مسیحیت یا دیگرگزینه خود که به آن متمسك اند،آنهارا هرگز پروای نیست۔آنها ازآن بکلی بیعلاقه شده اند۔درمیان اکثریت تقدس دین مفقود است۔بلکه اخیراً خبری شاید از فرانسه حاکی ازین بودکه ما حقداریم اگر بخواهیم نعوذبالله کاریکاتور خدا نیزمیسازیم۔ پس حالشان اینگونه شده است۔اکنون دقت شود دست به کار قبیحی که این مبتکران کاریکاتورها زده وبا افکاری که اینهابرخوردارندو واکنشی که درجهان اسلامی ابراز شد در اینمورد بسیار نویسندگان از

میانشان نوشته اندکه این واکنش معارضه فرهنگ اسلامی و سیکولردمو
کراسی جوامع غربی است۔ حالانکه این حرکت هیچ بستگی باجنبه معاشرتی
ندارد ۔اکنون به طوریکه گفتم اکثریت آنها حواس باخته و بنام آزادی
بیحیایهاانجام داده میشود۔حیاتقریباًتعطیل کرده است۔

نظرات داددوستان

البته دراینمورد نیز برخی از نویسندگان اشراف یا داد دوست از میان
خودآنهااین نظریه راتغلُط قرارداده اندکه این واکنش رانام معارضۀ اسلام
وسیکولر دموکراسی غرب داده شود۔گفتی یکی مقاله نگارخود ازانگلستان
رابرت فسک(Robert Fisk) داددوستی را بحد متکافی بکارگرفته نوشته
است،یکی شهروند دانمارك نوشته بودکه این معارضۀ فرهنگ اسلامی و
سیکولر دموکراسی غربی است۔دراینمورد ایشان نوشت که این سراپا
تغلط است۔این هرگز معارضۀ دو فرهنگ یا سیکولرازم با یکدیگر نیست۔
ایشان مینویسد، این مسئله آزادی بیان هم نیست۔مسئله فقط اینست
که بعقیده مسلمانان خداتعلیمات خود یکراست بر پیغمبر نازل کرد۔
ایشان بر زمین سخنگوی خدااست۔درحالیکه اینها(مسیحیان)میدانند
(اینك توجه شودکه نویسنده مسیحي است)که انبیاء و اولیاء، تعلیمات
ایشان بعلت عدم توافق با تصور جدید حقوق وآزادیهای بشردرتیرگی مِه
غلیظ گم گشته است۔مسلمانان دین را جزءلاینفك حیات خود می
شناسندواین افکارشان با وجودتغییرات واسفارقرنها برقراراست۔ بعکس

ماعملاً دین راازحیات جداساخته ایم۔برای اینست که ماا کنون صحبت از مسیحیت به مقابله اسلام به میان نمیآریم بلکه صحبت از فرهنگ غرب به مقابله اسلام میکنیم و بر این بنا اینهم میخواهیم چون ما میتوانیم پیغمبران خود یا تعلیمات ایشان را به باد سخریه بگیریم آخر ادیان دیگری را چرانه؟

بازمیافزاید،آیااین روش اینقدربیساختهٔ است؟میگوید، درخاطرم است ده و دوازده سال پیش فلمی بنام Last Temptation of Christپخش شده بود درچه بعلت نشاندادن حضرت مسیح رابازنی درحالت اعتراض آمیز سروصدا بلند شده بود و در پاریس یکی از فرط جوشش سینما را به آتش کشید۔فردی جوانساله فرانسوی بقتل نیز رسیده بود۔اینهمه راچه معنی است؟ ازسوی یك بعضیها از خود ما نیز توهین به احساسات مذهبی را تحمل نمیکنیم اما بعکس اینهم انتظارداریم که مسلمانان براشاعت کاری کاتورهای ساخته از روی ذوق پستی به احترام آزادی بیان صبرو تحمل رابکار گیرند۔ مگر این روش صواب است؟وقتی رهبران غربی میگویندکه ما نمیتوانیم آزادی مطبوعات را قدقن کنیم خنده ام میگیرد۔ ایشان می افزاید،اگر درکاریکاتورهای موردمنازعه درجای پیغمبراسلام کلاه بانقشهٔ بم برسرربّی (Rabbi)یهودی نمایش داده میشد شوروMشغله براه میافتاد که ازین بوی اینتی سیمیتیزم(Anti Semitism)یعنی بوی مخالفت با یهودیان به مشام میرسد و به یهودیان دل آزاری مذهبی کرده میشود۔ اگر

چنانچه مسئله فقط احترام آزادی بیان است دیگر چرا در فرانسه، آلمان یا اتریش اظهار این امر که درحین جنگ جهانی دوم نسل کشی یهودیان واقع نشده بود رسمًا جرم است؟اگر اشاعت این کاریکاتورها باعث دلداری آن مسلمانان میشدکه طرفداران اصلاحات دینی و میانه روی و دوست دار پهناوری مبحث های روشن فکری هستند آنگاه برای عدهٔ ی بسیارکم مورد خرده گیری قرار میگرفت۔ امابواسطه این کاریکاتورها به دادن چه پیغامی کوشش شده است مگر اینکه اسلام دینی متشدِد است؟ این کاریکاتورها بجز گستراندن غلیان به چهار سوی جهان چه کاری مثبت انجام داد؟

(روزنامه جنگ لندن۔ ۷فوریه ۲۰۰۶۔ صفحه۱۔ ۳)

البته روشِی چند از مسلمانان نیز سهیم است که به انجام این حرکت فرصت مهیا کرد۔اما درمیان اینها اشراف نیزهستند که به بیان حقایق وارد هستند۔

واکنش اشتباهی از برخی از رهبران مسلمانان اغیار را فرصت به رسوا کردن اسلام بدست میآید۔

من گزارشهای ازسایرکشورهاپیرامون میزان واکنش که در آنجاها صورت گرفت ودرمورد اظهارنظر هم ازمسلمانان و هم ازسوی مقامات دول آن کشورهای اروپایی و نمایندگان روزنامه هاخواسته ام۔شمار کثیری از افراد درمیان اقدام روزنامه ها را مردود شمرده اند۔اما درهر

صورت بطوریکه گفتم گاه بگاه اینگونه پرت وپلاگفته میشوداز آنچه دل چرکینی این چرکین اذهان و دوری از خدا دیده میشود۔ در باره اسلام جنبه بغض و عناد هویدا میگردد۔امااینجامن خواهم گفت که بدبختانه ناشی از واکنشی ناصواب از طرف برخی از رهبران مسلمانان بدست افرادی امثال اینها فرصتی به رسوا کردن اسلام فراهم میآورد۔همین عوامل اندکه بر پایه آنها این گروه انتفاع سیاسی نیز میجویند۔بعلاوه در طی معمول زندگی نیزآنهائیکه خود را مسلمان میخوانند روشی را دنبال میکنندکه دول این کشورهابستوه میآیند۔ مثلاً کار نکردن، بیشتر اوقات خانه نشین از امکانات دولتی استمداد کردن یا انجام دادن کارهای غیر مجاز یا کارشکنی کردن بعنوان عدم پرداخت مالیات وخلاف کاریهای دیگر۔پس اینگونه فرصت مسلمانان خودفراهم میآرندواین ملل هوشمند ازین عوامل بهره برداری میکنند۔

گاهی هم از اینها ظلم میشود و هم بعلت واکنش اشتباهی مسلمانان خود را مظلوم اعلام کرده و مسلمانان را ستمکار میگردانند۔یحتمل که تعداد زیادی از مسلمانان این کردار زد و خورد را دوست نداشته باشند اما مقامات رهبری یا عدۂ چند ازآشوبگران رسواگررسوایی میآورند۔

اکنون مثلاً گزارشی است ازدانمارك که بعدهاچه شد۔عکس العمل شهروندان دانمارك اینست که پس ازمعذرت جویی مدیریت روزنامه مسلمانان این معذرت را پذیرا شوندو این منازعه را با مسالمت آمیزی

پایان دهند تا تعلیمات اصلی اسلام بدیشان برسد و از آشوب حفظ شوند۔ بعلاوه برنامه های تلویژنی پخش شده و حاکی از اینست که خوردسالان آنجا با رویت واکنش برعلیه دانمارکیها که پرچم ملی آنها سوزانده و سفارتخانه هایشان به آتش کشانده میشود بسیار بیمناك و سهمناك شده اند۔ آنها احساس میکنندگویی خطرجنگ است وآنها به مرگ تهدید کرده میشوند۔ اکنون هم عامه مردم و هم سیاستمداران رسیدگی کرده اینکار را مردود شمرده و عکس العملی نیز ابراز شده است که در ازاء این دل آزاری مسلمانان مسجد بزرگی بناکرده بدستشان بسپاریم که هزینه آنهم شرکت های کشوری پرداخت کنند و این پیشنهاد را شهردار کل کوپن هیگن نیز موردستایش قرارداده است۔ بعلاوه اکثریت مسلمانان نیز بطوریکه گفتم میگویندکه معذرت باید پذیرفته شود۔ ولی یکی رهبرشان که نمایندگی بیست وهفت حزب را بعهده دارد طی بیانیه ها میگوید هرچند مدیریت روزنامه معذرت تسلیم نموده است بازهم روبروی ما آمده عذر خواهی کند و بعدها ما کشورهای اسلامی رفته و گوئیم که اکنون جنب وجوش را خاتمه دهند۔ مساعی اینهابعکس برداری اسلام بطرزشگفت آوروبجای مسالمت آمیزی تمایلشان به آشوبگری است۔ جماعت احمدیه را با این آشوبگریها هیچ ربطی نیست ولی به مراکزمانیزتلفونهامیآیندواز برخی مخالفان نامه های تهدیدآمیز دریافت

میشودکه مااینطور وآنطور خواهیم کرد۔ پس خدایتعالی مساجد جماعت راهرجا باشند از شرّشان حفظ نماید۔

البته درقبال واکنشی نادرست عکس العمل متقابل نیز بمثل خواهد بود۔ بطوریکه گفتم چون آنها بر روش خود عذر خواهی کرده اند سپس گاهیکه واکنش مسلمانان روبرو میآید آنها باوجود ستمکار بودن، چه بحرحال ظلم کردند، قدم اشتباهی برداشتند، مظلوم درمیآیند۔اکنون نگاه کنید آنها در دانمارك عذرخواهی کردند و رهبران مسلمانان موانع ایجاد میکنند۔ پس مسلمانان نیز اندك بعقل خود رجوع کرده و طریق اظهار واکنش را باید عوض کنند۔

احمدی وطریق واکنش

بطوریکه گفتم شاید بلکه حتماً ازین حرکت بیش از همه قلوب ما جریح دار اند۔ اماطریق واکنش ما جداگانۂ است۔ دراینجا ناگفته نماند یحتمل که اینهامانا به همیشه گاه بگاه اینگونه پرت وپلا درآتیه نیز گویند۔ یکی ازیکی کاری کنندازآنچه مسلمانان را دلآزاری تازه شود۔ ممکن است پشت پرده این مقصود پنهان باشد که رسمًا ورود مسلمانان بویژه آسیا تبار از شبه قاره هندوپاك ممنوع اعلام کنند۔ یکی قطع نظر از اینکه شرایط اعلام میکنند یا خیر ما کردار خود را باید در چهار چوب اقدار تعلیم اسلام تنظیم کنیم۔

آنطورکه گفته بودم جریان دسایس برعلیه اسلام و آنحضرتﷺ از بدایت ادامه دارد۔ اماچون از جانب خدایتعالیٰ حفظ و حراست با وعده قرار است بنابراین همیشه حفظ و حراست از اوکرده میآید۔ همه تلاش های خصیم هدر میرود۔

دفاع اسلام و آنحضرتﷺ در مقابل دسایس برای مسیح موعود قرار بود۔

درعصرحاضر او حضرت مسیح موعود علیه السلام را برای این مقاصد مبعوث فرموده و حملاتی که بر ذات آنحضرت ﷺ آورده شد و آنگونه که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام و پس از ایشانؑ خلفای ایشانؑ برتعلیمات ایشانؑ عمل کنان جماعت را رهبری کردند و واکنش را اظهارکردند وسپس حاصل آن مبادرات را یك و دومثل پیش میآرم تابرآنهاکه براحمدیان تهمت میبندندکه اعراض ازاعتصابات وبا عدم بودی خود درمیان آنها به اثبات میرسانیم که مارا درمورد هرزه لا یي به آنحضرتﷺ هیچ رنجی نیست،کارنامه های جماعت هویدا گردد۔

واکنش ماهمواره بدینسانست و باید باشد ازآنچه اسوۀ آنحضرت ﷺ آشکارا روبروآید۔تعلیمات اسلام روشن گردد۔مادر مقابل حملاتی ناپاك برذات گرامی آنحضرتﷺ بجای زدن دست به تخریبکاریها در محضر خدایتعالی فروتن و از او طلب استعانت میکنیم۔اکنون من دومثل

غیرتمندی عاشق صادق آنحضرت ﷺ حضرت مسیح موعود علیه سلام را به نشانه عشق رسولؐ مطرح مینمایم:

نخستین مثل درمورد عبدالله آتهم است که مسیحي بود۔ او در کتاب خود به نشانۀ نهایت کثافت ذهنی خود درباره آنحضرت ﷺ کلمه دجّال، نعوذبالله، به کار برد۔ در این عصر یکی مُباحِثِه با حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بر موضوع اسلام و مسیحیت نیز درجریان بود ۔ حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند که پس من پانزده روز در مبحث مشغول ماندم۔ جریان مباحثه ادامه داشت و در خفا برای سرزنش آتهم دعا میکردم۔یعنی کلماتی که او گفته بود برای عقوبت آن۔ حضرت مسیح موعودؑ میفرمایند، چون مبحث پایان یافت من بدوگفتم، یکی مبحث که تمام شد اما یکی مقابله بنحوی برجا است که از جانب خدای است وآن اینست که شما درکتاب خود ۰ درونۀ بائبل نبی ما ﷺ را نام دجّال داده ای و من آنحضرت ﷺ را راستگوی وراستکردار میشناسم و دین اسلام را از جانب خدا باور میکنم۔ پس این آن مقابله است که قضاوتش موکول بر فیصله آسمانی است وآن فیصله آسمانی بدین صورت قرار است که یکی از ما دو که در گفتار خود دروغگو است و رسول را بناحق کاذِب و دجّال میگوید و دشمن حقّ است او ظرف پانزده ماه از امروز در حیات آنکه بر حق است در هاویه خواهد افتاد بشرطیکه بحق رجوع نکند۔یعنی راست کردار و راستگو پیغمبر را از گفتن دجّال باز

نیایستد و بیباکی و بدزبانی را ترک نگوید۔ این بر این دلیل گفته شد که در دنیاتنها انکار از یکی دین مستوجب مجازات قرار نمیگیرد بلکه بیباکی و شوخی و بدزبانی باعث مجازات میشود۔ حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند،چون من این کلمات گفتم رنگش ریخت، چهره اش زردگون شد و دستانش بلرزه آمد۔آنگاه بیدرنگ او زبانش درآورد وهردو دست برگوشها نهاد و دستانش را مع سرش جنباندن گرفت بگونه ای که مجرمی مُخوف خود را با انکار خیره سرانه از جرم، توبه و انکساری نشان میدهد وبتکرار میگفت که توبه توبه؛ من این گستاخی و بی احترامی نکردم و هم بعدها نیز برخلاف اسلام حرفی نزد۔

پس این بود نمونۀ واکنش از شیر خدا بنشانه غیرتمندی برای آن حضرتﷺ۔ایشان به مرتکب های اینگونه حرکات هشدار میدادند۔

باز یکی بود لیکهرام که به آنحضرتﷺ فحش میداد۔ حضرت مسیح موعود علیه السلام کوشش کردند تا او را ازین ذهن دریدگی باز دارند۔اما او دست بردارنشد۔عاقبت ایشانؑ دعاکردند۔پس خدایتعالی ازمرگ درد ناکی او خبرداد۔

حضرت مسیح موعودعلیه السلام دراینمورد میفرمایند که خدای تعالی نسبت به یکی دشمن خدا و رسول که به آنحضرت ﷺ فحش میدهد وکلماتی ناپاك بر زبان میآرد که نامش لیکهرام است، به من وعده داد و دعای من را اجابت نمود وچون من بر او بددعا کردم مرا مژده ای داد که

اوظرف شش سال هلاك خواهدشد۔این نشانه است برای ایشان که جوینده دین حق هستند۔ سپس همینطوربوقوع پیوست و اوبسیار مرگ دردناکی مرد۔

اسوۂ آنحضورﷺ به دنیا ارائه دهید

همین اسلوب است که حضرت مسیح موعود علیه السلام به ما آموختندکه به مرتکب شدگان اینگونه حرکات تفهیم کنید،محاسن آن حضرت ﷺ مطرح کنید، دنیا را به آن جنبه های قشنگ و روشن آگاه کنید که از نگاه دنیا مکتوم است و دعا کنید از خدایتعالی که یا اوآنها را از این حرکات بازدارد یا خود آنها را بگیرد۔ طریق گرفت و گیر خدایتعالی به میل خود اوست۔ اونیکتر میداند که یکی را چطور مؤاخذه کند۔

بازدرعصرخلافت ثانیه کتابی نهایت بیهوده بنام"رنگیلارسول'' (رسولی عیش دوست) نوشته شد۔بعلاوه مجله ای''ورتمان''موضوعی بیهوده نشرکرد که درمیان مسلمانان هند جنب وجوش افتاد۔ هرسو مسلمانان راهیجان فراگرفته وبسیارواکنش شدیدی بود۔

آنگاه حضرت مصلح موعود رضی الله عنه خلیفة المسیح الثانی مُخاطب به مسلمانان فرمودند:''ای برادران!من با دل دردمند بشما باز میگویم، نیست بهادرآنکه جنگاوراست۔اوبزدل است که او از نفس خود مرعوب شد (اکنون این بمصداق حدیث است که فروبرندۂخشم دلاور واقعی است۔ فرمودند که)بهادریکی است که مصمم عزیمت کرده و تا

دمیکه آنرا به انجام نرساند ازآن عقب نشینی نمیکند۔ ایشانؓ فرمودکه به اعتلای اسلام سه نکات را عهد کنید۔ اوّل اینکه شما خشیت خدا را بکار گرفته و به دین با نگاه بی اعتنا نخواهید دید۔ نخست کردار خود را تنظیم کنید۔ دوّم اینکه به تبلیغات اسلام دلبستگی کامل خواهید داشت ۔هرکس به تعلیمات اسلام داناگردد،مکارم و محاسن حیاتِ آنحضرتﷺ معلوم افتدواسوۂ روشن گردد۔ سوّم اینکه به نجات مسلمانان ازبندگی فرهنگی و اقتصادی تلاش کامل خواهید کرد۔''

(انوارالعلوم ۔جلدنهم۔صفحه ۵۵۵-۵۵۶)

اکنون اینکار برای هرمسلمان اعم از رهبران یاعامه مردم بفرض است ۔ حال ببینید که باوجودآزادی، حالات کشورهای مسلمان که به استقلال ادعاءمیکنند، علیرغم ادعای استقلال دستخوش بندگی فرهنگی و اقتصادی اند۔مرهون منت این کشورهای غربی اند۔ مشغول به تقلید آنهایند۔ خود دست به کار نمیزنیم و بیشتر برآنهااتکاء میکنیم و برای اینست که اینها گاه و بیگاه احساسات مسلمانان را به بازی میگیرند ۔ بعلاوه ایشان رضی الله عنه به آغاز جلسات سیرۂ نبیﷺ نیز مبادرت نمودند۔پس راه صواب برای طرح اعتراضات اینست ونه زد وخورد و آشوبگری۔سخنانی که ایشانؓ درطی خطاب به سایر مسلمانان گفتند خطاب بیش ازهمه احمدییان را شامل است۔

برخی از روایات ناصواب جوامع این کشورها از راه نامحسوس در بعض خانواده های ما سرایت میکند۔ من به احمدییان میگویم که شما

نیز مورد خطاب بودید۔چیزھا ارزندۂ ی از جوامع و فرھنگ ایشان توان برگزید اما آن امورکه ناصواب ااست ما باید ازآنھاخودداری کنیم۔ پس واکنش ما بھمین ترتیب بایدادامه یابدکه بجای تخریبکاری توجه خود را به رسیدگی نفس خود جلب کنیم ۔ما باید امعان نظرکنیم کردار ما چگونۂ است ۔ خدا ترسی در ماچقدر است۔علاقۂ ما بعبادات او به چه میزان است۔تمایل ما به بجاآوری احکام دین به چه حدی است ۔میلان ما به ابلاغ پیغام خدایتعالی به چه اندازه ایست۔

باز بنگرید در عصر خلافت چهارم رشدی کتابی توھین آمیز نوشته بود۔آنگاه حضرت خلیفة المسیح الرابع رحمه الله تعالی هم خطبات ایراد کرده و هم به تدوین کتابی مبادرت نمودند۔ پس بطوریکه گفتم اینگونه حرکات انجام داده میشود۔اوایل سال گذشته نیز مقالۂ بر حیات آن حضرتﷺنوشته شد۔ آنگاه نیز من توجه جماعت و شعبات بدین امر جلب نموده بودم که مقاله های نویسند و نامه های بفرستند و روابط خود را پهنادارکنند۔مناقب و محاسن حیات آنحضرتﷺ را بیان کنند۔ پس این اهداف به آشکارسازی محاسن و مناقب مربوط بحیات آن حضرتﷺبا تخریبکاری بدست نمیآید۔برای اینکار احمدییان از هر طبقه درهریك کشورسایر مسلمانان دانا وهوشمند را همدست نمایند که اگر شمانیزبدینترتیب واکنشی پرامن نشاندهید،روابط خودراگسترش

دهید و بنویسید آنگاه برجمله طبقات جامعه کشوری اتمام حجت انجام گیرد و هرکه باز دست به این حرکت زند معامله اش با خدا است ۔

خدایتعالی آنحضرتﷺ رابعنوان رحمت للعالمین فرستاد، چنانکه خود میفرماید، **وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ**(سوره الانبیاء۔ آیت۱۰۸)۔ که ما تو را نفرستادیم مگربعنوان رحمت برای همۀ جهانها۔یکی بزرگتر از ایشانؐ، بسیار رحمت گستر، هم نه درپیش بعرصۀ ظهور رسیده و هم نه در آینده خواهد رسید۔البته اسوۀ ایشانؐ همیشه برقرار است و به تقلید آن هرمسلمان باید بکوشد و این اقدام نیز فزونتر از همه تکلیف احمدی است۔اینهم تکلیف ما است۔ هرآینه ایشان ﷺ رحمت للعالمین بودند و اینهاایشانؐ را بگونه ای صورت کرده ارائه میکنند که تصوری بیمناك ایجاد میگردد۔پس ما باید دنیا را به اسوۀ محبت،رأفت و رحمت آنحضرت ﷺآشناکنیم و بدیهی است که به انجام اینکار بایستی مسلمانان در روش خود تغییری پدید کنند۔تروریزم اصلاً خارج از موضوع است۔کوشش آنحضرتﷺ همواره دوری از جنگ بوده تا آنهنگام که جنگ به مدینه آمده برایشان تحمیل کرده شد۔ دیگر درهر حال جنگ دفاعی باذن خدای تعالی ناگزیربود۔ اماآنگاه هم فرمان بود که:**وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوْا۔ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ**(سورة البقرة۔ آیت۱۹۱) که ای مسلمانان! بجنگید در راه خداباآنهاکه میجنگندباشماو تجاوز نکنید۔یقیناً خدا تجاوزگران را دوست ندارد۔دیگر آنحضرتﷺ بیش از

همه عمل کننده بر شریعت نازل شده بر خود بودند۔اظهار اینگونه افکار نازیبادرباره ایشانؐ نهایت ظلم است۔بهر حال بطوریکه میگویند آنها عذر خواهی کرده اند وگزارش از مُبلّغ ما نیز حاکی از اینست که یکی از آنها اظهارعذرخواهی کرده بود۔

اقدامات فوری جماعت احمدیه در مقابل چاپ کاریکاتورها۔

سایرمسلمانان جوشش خودرامتمرکز به اعتصابات،خرابکاریها کرده اند۔چه طرزآنهابه اظهارواکنش همین است که اعتصابات وخرابکاریها انجام داده شود۔بعکس واکنش جماعت احمدیه بطرزیکه باید اظهار میشد بلا فاصله پس ازاین واقعه ابراز شد۔ واکنش احمدی اینطور بود که بیدرنگ به آن روزنامه ها تماس پیدا کرده شد۔ دیگر این قضیه امروزی نیست که دست به اعتصابات درماه فوریه ۲۰۰٦ زده میشود۔ این جریان که مربوط به سال گذشته است۔این قضیه در سپتامبر پیش آمد۔ پس آنگاه بطوریکه من گفتم قضیه مربوط بماه سپتامبر است یا گفتی شروع اکتبر، اقدامیکه ماکرده بودیم، مُبلّغ مابیدرنگ مقاله مفصّلی تهیه کرده وبه روزنامهٔ ی که درآن کاری کاتورهاچاپ شده بود، فرستاد ودرمورد چاپ کاریکاتورها اعتراض ثبت کرد۔ درباره تعلیمات حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام گفته شد واینکه طریق پروتست ما بدینگونه است۔ ما دست به تظاهرات نمیزنیم۔اما جهاد قلم است که ما درمقابل شما

انجام خواهیم داد و اینکه برچاپ این عکس ابراز تاسف میکنیم ۔بدو گفته شد که آزادی مطبوعات بجا است اما بدین مطلب نیست که به دیگران دلآزاری کرده شود۔ البته این تماس واکنش مثبتی بدنبال آورد۔مقاله ای که فرستادیم روزنامه آن نیزشایع کرد۔شهروندان دانمارك واکنش بسیار نیکوی نشان دادند۔ چه با تلفونها و نامه های به مرکز تبلیغ ما از مفاد مقاله ما بسیار تقدیر کردند۔پیغامات فرستادند۔ضمناً دعوت نامۀ از رئیس اتحادیه روزنامه نگاران دریافت شد۔آنجا رفتیم و توضیح لازم با آنها به میان گذاشتیم که درست است آئین شما آزادی مطبوعات را مجاز میگرداند، اما مطلب این نیست که رهبران دینی و چهره های مورد تکریم را بنگاه تحقیرآمیز نگریسته و ایشان را مورد هتاکی قرار دهید۔ دیگر مسیحیان و مسلمانان که دراین جامعه باهم معاشرت میکنند مراقبت از احساسات ایشان ضروری است ۔ زیرا امن بدون آن نتوان برقرارشد۔

سپس برایشان خاطرنشان کردیم که تعلیمات آنحضرتﷺ چقدر زیبا و اسوۀ ایشان چطورجالب است وچقدرایشان صاحب اخلاق اعلا و چقدر بشردوست بودند،چقدرهمدردخلایق ومظهر شفقت و مواسات بودند۔ وقاع چند با ایشان در میان نهادیم که حالا بگویید آنکه هادی این تعلیمات وصاحب این بلندی کرداراست درمورداواینگونه عکس کشیدن کاری صواب است؟پس درپایان گفتگوی مبلّغ مارا بسیارپسندیده وتقدیر کردند۔یکی کاریکاتورسازبرملا اظهارداشت اگرچنانچه جلسۀ بدین صفت

جلوتر تشکیل داده میشد ما کاریکاتورها هرگز نمی ساختیم۔ حال آنها حالی شده اند که تعلیم اسلام چیست و همگان اظهار توافق کردند که انعقاد این گونه جلسات باید ادامه یابد ۔

سپس مطلب مطبوعاتی از رئیس اتحادیه نیز صدور یافت۔ متن آن درحضورهمه برخوانده شدو مصاحبه تلویزنی نیز انجام گرفت که خوشتر بود۔ سپس جلسهٔ باوزیرهم برگزارشد ۔بهرحال جماعت کوشش خود را انجام میدهد۔ همینطور اقدامات درکشورها دیگری نیز بعمل آمد۔البته درآن خاك که ریشهٔ اصلی این حرکت بود جماعت نقش خود را باندازه کافی ایفا کرده است۔ انگیزهٔ ی عامل چاپ این کاریکاتورها این بود که یکی نویسنده دانمارکی کتابی نوشت که ترجمه عنوانش"آنحضرتﷺ و قرآن" است۔این در بازار معرفی شده است۔ نویسنده این کتاب از دیگران به تهیه و فرستادن عکسهای چند از آنحضرتﷺ خواسته بود که بعضیها ساختند۔ آن عکسهای بود که اختراع کننده اسم خود را ننوشت مبادا مسلمانان واکنشی ابراز کنند۔بهرحال انگیزه اصلی ناآرامیها این کتاب است و چاپ کاریکاتورها در روزنامه ها نیز دامن زد۔پس دراینمورد نیز پیوسته باید کوشید وهرکجا در دنیا گفتگوهای اعتراض آمیز ازپی خواندن این مواد ، شکوفه کندآنهارابمیان آورده باید پاسخ داد۔ اما در دانمارك این تصورنیزپدیدشده و میگویند که از سوی بعضی از مسلمانان با نشان دادن کاری کاتورهای که ما چاپ نکرده بودیم در عالم اسلام به تهیج

احساسات مسلمانان کوشش کرده میشود۔معلوم نیست این درست است یا نادرست امایقیناًدر اثر توجه آنی ما درکی در آنها پدید آمده است ۔ اقدام متقابل بلافاصله شروع شده بود۔ اینها امروز متوجه میشوند با این که این قضیه سه ماهه قبلی است ۔

پس بطوریکه گفتم در هر کشور جنبه های سیرة آنحضرتﷺ را آشکارا نشاندادن ضرورت دارد۔ بویژه تصوری به اسلام که آن جنون جنگی دارد، دورکردن این ابهام با ادلهٔ روشن تکلیف ما است ۔ در پیش هم گفته بودم در روزنامه ها نیز بکثرت بنویسید ۔روزنامه نگاران را کتب مبنی بر سیرت نیز میتوان فرستاد۔

احمدییان جوانسال باید شغل روزنامه نگاری برگزینند

ضمناًآینده را پیشنهاد اینهم است که جماعت دراینمورد طرح ریزی کندتاحداکثرجوانسالان علاقه مندبه گزیدن شغل روزنامه نگاری صرف کوشش کنندتامابار وزنامه هاوبامردم آن مناطق،میانهٔ نافذداشته باشیم۔ زیرااینگونه حرکات گاه سربرمیزند۔اگرمیانه ما با رسانه های گروهی خوب و پهن باشد، میتوان از این چیزها جلوگیری نمود، میتوان اینگونه پرت و پلا را مسدود کرد۔ اگرچنانچه بازهم کسی لجاجت کند پس آنگونه افراد در زمرهٔ ی درمیآیند که خدایتعالی برآنها هم دراین سرلعنت افکنده و هم در آنسر۔ بطوریکه میفرماید: **اِنَّ الَّذِیۡنَ یُؤۡذُوۡنَ اللّٰہَ وَ رَسُوۡلَہٗ لَعَنَہُمُ اللّٰہُ فِی الدُّنۡیَا وَ الۡاٰخِرَۃِ وَ اَعَدَّ لَہُمۡ عَذَابًا مُّہِیۡنًا** (سورة الاحزاب۔ آیت۵۸) یعنی

آنمردم که میآزارند خدا و رسولش را، خدا برآنها هم دراین دنیالعنت افکنده وهم درآخرت وآنهاراعذاب خواری بخش تهیه کرده است۔این فرمان محذوف نیست۔پیغمبرماﷺ پیغمبری زنده است۔تعلیم ایشانؐ بخشندۂ حیات ابدی است۔شریعت ایشانؐ عقده گشایی مسایل همۀ ازمنه است۔پیروی کردن از ایشان موجب قربت الهی است۔پس آن فرمان تواند به کیفراین ستم، این ایذا که بمومنان ایشانؐ رسانده میشود، بنحوی امروزها نیز راست آمد۔ ذات خداحیّ است و مینگردکه اینهادست به چگونه حرکاتی میزنند۔

پس دنیا راآگاه کردن تکلیف مااست۔برمااست که دنیاراآگاه سازیم که ایذا و رنجۂ که شما میرسانید خدایتعالی امروز نیز قادر بمجازات آنست۔ پس دست از دل آزاری خدا و رسول بردارید۔اما برای اینکاراز جائیکه گفتن تعلیم اسلام و اسوۂ آنحضرتﷺبجهان الزام آور است بموازات این تنظیم کردارخود ما نیز ضروریست۔چه کردارخود ما است که باآن مهربرلب جهان توان نهاد واینست که باآن به بسته داشتن دهن دنیا نقش حیاتی توان ایفاکرد۔ بطوریکه من بعطف گزارش گفتم بریکی عالم مسلمان اتهام منافقت بسته میشود۔میگویند،حرفش دو تااست۔یک کلمه باما حرف دارد وآنجا رفته کلمه باآنها با حرف دیگری دارد، تهییج مینماید۔شایدمن آن گزارش برنخواندم۔پس ماباید ظاهروباطن وگفتارو کرداررا یکروکرده نمونه های کردارخود نشاندهیم۔

سوزاندن پرچمها یا از تخریبکاری عزت و احترام آنحضرتﷺ نتوان برقرار شد۔

من به مسلمان خوانده ها نیز میگویم قطع نظر از اینکه احمدی اند یا نه، شیعه اند یا سُنی یا متمسك به فِرق دیگری مسلمانان، آنگاه که برذات گرامی آنحضرتﷺ حمله آورده شود بجای ابراز جوشش موقتی مثل آتش زدن به پرچمها، تخریبکاری، حمله بر سفارتخانه ها، کردار خود را راست کنند تا اغیار را فرصت انگشت برداشتن به نشانهٔ انتقاد فراهم نیآید۔آیا اینها گمانکنندکه نعوذبالله عزت ورتبه آنحضرتﷺ راقدر بهمین میزان است که انتقام آن باسوزاندن پرچمها و کشیدن یکی سفارتخانه به آتش، گرفته شد و بس؟نخیر۔ بلکه مامؤمن به آن پیغمبر ایم که او به فرونشاندن آتش آمده بود۔بعنوان رسولی مهر و وُداد آمده بود۔شهریارامن بود۔ پس بجای اقدامی سخت به اهل دنیا تفهیم کرده به حُسن و سجایای تعلیمات ایشانؐ وردهید۔

خدایتعالی مسلمانان را عقل و فهم دهد۔ اینها بخردیابند یا خیر اما من به احمدیها میگویم که هرکس از میان شمااعم از خوردسال است یا بزرگ سال یاجوانسال و مرد است یا زن به نشانهٔ واکنش بر چاپ این کاریکاتور های بیهوده خویشتن را به زمرهٔ دست زنندگان آن آتش درآرید که هیچگاه خموش شدنی نیست۔مثل آتشی سوزنده پرچم های املاك ملل دیگر نباشد که ظرف ثانیه یاساعت چند فرونشیند۔ فعلاً مردم در اثر

اشتداد احساسات برپا خاسته (پاکستان را تصوری ویژه بود) وآتش میزنند گویی معرکه بزرگی درپیش دارند۔ این آتش ظرف پنج دقیقه خموش شود۔ آتش ما بگونه ای باید باشد که مدام روشن است۔ آن آتش روشن با عشق و محبت آنحضرت ﷺ است۔آن آتش به فراگرفتنِ هرپهلوی اسوه ایشانؐ و نشان دادن به اهل دنیا است۔آنکه چنانچه یکبار در سینه شما مشتعل شد پیوسته روشن خواهند ماند۔ این آتش بگونه ای بایدباشدکه بصورت ادعیه نمود داشته و زبانه هایش هرآن بلندی فلك را لمس کنند۔

رنج خود را در ادعیه قالب کرده و به فرستادن درود فروان برآنحضرت ﷺ عادت کنید

پس این آتش است که آنرا برای هراحمدی دردل خود روشن داشتن و رنج خود را در ادعیه قالب کردن ضروریست۔ اما برای اینکار نیز تنها مرجع وجود حضرت محمد مصطفی ﷺ قراردارد۔باید به استجابت ادعیه خود، جلب شفقت خدایتعالی وخودداری از لغویات دنیا، صیانت خود از اینگونه فتن انگیزیها،روشن داشتن آتش محبت آنحضرت ﷺ را در قلوب خود،برای زیب دنیا وآخرت، درود برآنحضرت ﷺ بفراوانی فرستاد۔ در این عصر پُر فتن هریك احمدی به آغشتن خود در محبت آنحضرت ﷺ، استوار داشتن نسلهای خود را براسلام احمدیت سخت مقید به این حکم خدایتعالی باشد: **اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِکَتَهٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ ۔ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ**

اٰمَنُوۡا صَلُّوۡا عَلَیۡہِ وَ سَلِّمُوۡا تَسۡلِیۡمًا (سورة الاحزاب۔ آیت۵۷) ۔ یقیناً خدا و فرشتگان او بر پیغمبر رحمت میفرستند۔ای کسانیکه ایمان آورده اید! شما نیزبراو درود بفرستید۔

اشارات و مراجعات در این باب زیاد است۔یکبار آنحضرتﷺ فرمودند مجرد درود خدا و فرشتگان برمن بس است۔حکمی که به شما است بجهت حفظ خود شما است-

(تفسیر درّمنثور مراجعبه ترغیب اصفهانی۔ مسند دیلمی راجعبه درود شریف۔ صفحه ۱۵۸ ۔مرتب کرده مولانا محمد اسماعیل حلالپوری۔ چاپ جدید۔)

پس ما برای استجابت ادعیه خود به درود نیاز داریم ۔ البته ازین آیت وبخش اول حدیث دراینمورد تضمین است که گروه مردم ازین قبیل کوشش خود را به کاهش و ریشنخندی به رتبه منیع آنحضرتﷺ هر چند میل دارندصرفکنند درمقابل آن دعای سلامتی که الله و فرشتگان او برایشانؐ میفرستند مخالفان هرگز قادر بر رسیدن به آرزوی خود نشوند۔ در نتیجه حملات بر ذات بابرکات آنحضرتﷺ هیچ چیزی بدستشان نتوان رسید۔ اسلام را ترقیات مقدرشده واستیلاء برجهان حتمی الوقوع است۔اعتلای لوای آنحضرت ﷺ مسلّم است۔

دیگربطوریکه گفته بودم خدایتعالی تحقق اینکاررا دراین عصربواسطهٔ عاشق صادق ایشانؐ حضرت مسیح موعود علیه الصلوةُ والسلام مقدر نموده است۔

بعطف نقل قول بلکه یک مقتبس است از حضرت مولانا عبدالکریم سیالکوتی رضی اللہ عنہ کہ:

"یکبار خودم از حضرت امام علیه الصلوة و السلام شنیدم که ایشانؑ میفرمودند،خداونداین مراتب را بمن بواسطه درود شریف و کثرت آن عطا فرموده است و فرمودند، من میبینم که فیوض خدایتعالی بشکل نوری شگفت بسوی آنحضرتﷺ میرود وآنجارسیده درسینه آنحضرت ﷺ فرومیرود و ازآنجا بیرون آمده منشعب به مجراهای بیشمار میشود و بقدر حصه متناسب به هریک حقدار میرسد۔ براستی هیچگونه فیض بدون وساطت آنحضرتﷺ به دیگران نتوان رسید ۔در ادامه افزودند، درود شریف چیست؟ تکان دادن است عرش رسول اللہ ﷺرا که ازآن مجراهای نورمنشعب میشود۔یکی که دوستدارد فیض و فضل خدایتعالی را بدست آورد براو لازم است که درود شریف را بفراوانی ورد کند تا در آن فیض جنبش پدید آید۔''

(خبرنامه الحکم ۔جلد ۷ ۔شماره ۸ ۔صفحه ۷ ۔منتشره ۲۸ فوریه ۱۹۰۳)

خداکندمابرای صیانت از فتن روزگار، برگزیدن محبت آنحضرتﷺ درقلوب خود، تعمیم تعلیماتی که ایشانؑ آورد باوردِ درود برایشانؑ، بسوی خدا فروتن،ازاو طلب استعانت کرده، پیوسته وارثان فیض و فضل او قرار گیریم۔ خداوند ما را یاری کند۔

خطبه جمعه

فرموده ۱۷فوریه۲۰۰۶ ـ مسجد بیت الفتوح ـ لندن ـ بریتانیا

☼☼به حرکاتی توهین آمیز به آنحضرتﷺاصرار ورزیدن و آنها را علی التوالی و با لجاجت انجام دادن باعث غضب خدایتعالی میشود۔

☼☼این زلزال،طوفانهاوآفات که بردنیاواردمیشونداینهافقط مخصوص آسیانیستند۔ مسیح خدا هم به اروپا هشدار داده و هم به امریکه نیز هشدارداده است ـ پس ازخدابترسید وبه غیرت خدای جارنزنید۔

☼☼آن خدای که در حق محبوبان خود غیرت دارد، قادر است تا با تجلیات قهری خود ظهورکند۔

☼☼کشورهای اسلامی و مسلمان خوانده ها نیز روش خود را راست کنند۔ مرتبه آنحضرت ﷺ وحسن ایشانؐ به جهانیان نشان دهند۔

☼☼امروز خدایتعالی برای تعیین سمت صواب برای مسلمانان بلکه برای همهٔ دنیاعاشق صادقِ پیغمبر محبوب خودآنحضرتﷺ فرستاده است ـ اورا بشناسید وازاو فرمان برید۔

☼☼استوارترگردیدن شأن و شوکت اسلام وبازشناسی تقدس آنحضرت ﷺ بدست وبواسطه جماعت مسیح ومهدی قراردارد ـ انشاءالله۔

☼☼احمدییان درحلقه خودآشکارا به پیروکاران هریك دین تفهیم نمایند که آن چهرهٔ که بمصداق هریك کیش قراربودبیآید، اوظهورکرده است ـ

أَشْهَدُأَنْ لَّا إِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَہٗ لَا شَرِیْكَ لَہٗ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہٗ وَ رَسُوْلُہٗ۔ أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ۔

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ۔ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ۔ مٰلِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ۔ اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ۔ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ۔ صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ۔

من میخواستم پیرامون همان موضوع خطبه جمعه گذشته و دو خطبه پیش از آن سخنی چندبگویم۔ اما حرکت ناشیرین و بیهوده ای که مجدداً شماری از روزنامه های اروپائی انجام داده اند و بدنبال آن موج اندوه و خشم در عالم اسلام برخاست و واکنشی که درآنمورد نشانداده شدلازم دانستم سخنی چند در اینمورد بگویم تا احمدییان نیز بدانند که روش ما محاذی اینگونه اوضاع چگونهٔ بایدباشد۔درضمن اینکه بفضل خدا همه میدانند بازهم تذکر ضروریست و دیگر اهل دنیا نیز بدانند که واکنش صحیح یکی مسلمان مواجه با اینگونه اوضاع چگونه صورت میگیرد۔

بازی کردن با احساسات دیگران نه دموکراسی است و نه آزادی وجدان هم۔

در اینجا ما به اهل دنیا می فهمانیم که اظهار هیچ گونه افکار ناشیرینی

راجعبه چهره های مقدس هیچیك دین هرگز درزمرۂ هیچ نوع آزادی به شمار نمیرود۔شما که بعنوان قهرمان دموکراسی و آزادی وجدان با احساسات دیگران بازی میکنید، این نه دموکراسی است و هم نه آزادی وجدان۔ هرچیز را حد و حصری است و برخی قواعد و ضوابط اخلاق۔ بطوریکه هریك شغل را ضوابط اخلاق قرار دارد، شغل روزنامه نگاری نیز موازین آداب دارد وبهمین ترتیب هرچه طرز دولتمداری حاکم باشد برای آن نیز آئین و مقررات سرکار است۔قطعاً آزادی بیان را مفهوم این نیست که با احساسات دیگری بازی کرده شود۔ بِدوآزار رسانده شود۔ اگرآزادی این است که جهان غرب برآن غرور دارد پس این آزادی بسوی ارتقاء برنده نیست ۔ بلکه این آزادی است که بسوی تنزل میبرد۔

حرکاتی توهین آمیز نسبت به آنحضرت ﷺ باعث برانگیختن غضب الهی است۔

غربیهابسرعت زیادی دین را رهاکرده درهریك عرصه عمل مکارم اخلاق رابنام آزادی پایمال میکنند۔معلومشان نیست چطورآنها هلاکت خود را دعوت میکنند۔ اخیراً وزیری در ایتالیا چرند تازه ای را دامن زده است که این کاریکاتورهای بیهوده و کثیف را روی پیراهن چاپ کرده به تن کردن گرفته و به دیگران نیز تشویق نمود تا از او بستانند۔ بنقل گزارش اینهادرآنجافروخته میشود و میگویند که داروی مسلمانان همین است۔ پس طایفۂ این امثال باید بفهمند ما اینکه نمیدانیم مسلمانان را این دارو

است یا خیر اما با اقدام اینگونه حرکات حتماً باعث برانگیختگی غضب الهی قرارمیگیرند۔آنچه بنادانی انجام شدآنچه شد،اما اینکاررابامداومت ولجاجت ادامه دادن و باز برآن اصرار نمودن که ما هرچه انجام میدهیم درست است این اقدام حتماً خشم خدای تعالی را بر میانگیزد۔

واکنش احمدی محاذی این اوضاع

البته بطوریکه گفتم ازجائیکه واکنش سایر مسلمانان مربوط است آنها خود بدانند۔اما عکس العمل یک احمدی مسلمان اینطور باید باشد که به آنها وَر دهید،ازعقوبت الهی بترسانید۔بطوریکه در پیش نیز گفتم زیب عکس آنحضرتﷺبردنیانشاندهیدودرمحضرخدای خود که قادر و مقتدراست فروتن ازاواستمداد نمایید۔اگراین گروه مردم به سوی عذاب پیشروی میکنند پس خدای که برای ذات خود و محبوبان خود غیرت دارد،هم قادربرظهورباتجلیات قهری خوداست۔او که مالک همهٔ قدرت هایست، او که پی بند قانونی مُصَوَّب انسان نیست، برهرچیز قادر مطلق است، چون آسیاب او گرد میگردد آنگاه فکرانسان را بر احاطه آن یارایی نیست،سپس احدی نمیتواند ازآن بگریزد۔

پس احمدییان با دیدن روش عدهٔ از مردم یا کشورهای اروپائی در بارگاه خداوندفروتنی فزونتربجاآرند۔ مسیح خدا هم به اروپا هشدارداده است و هم به امریکه هشدار داده است۔این زلزال، طوفانهاوآفات که بر دنیا وارد میآید اینها تنها مخصوص آسیا نیست۔ امریکه که یک علامت

آنرا رویت کرده است۔ پس ای اروپا!تو هم در امان نیستی۔ پس کمی خوف خدا اختیار کنید و به غیرت خدا جار نزنید۔ اما همزمان من اینهم میگویم که کشورهای مسلمان یا مسلمان خوانده ها نیز روشهای خود را درست کنند۔چنین روشهاوعکس العمل خودرا ابرازکنندکه رتبه منیع آنحضرت ﷺ و حسن و جمال ایشانؑ را بر دنیا آشکار سازد۔ پس این یکی واکنش صواب وسزاواریکی مؤمن است۔

بازشناسی شأن و شوکت اسلام و تقدس آنحضرت ﷺ به واسطۂ جماعت مسیح و مهدی قرار دارد۔

اینک بعض حرکات امروزها به مصداق کدام اسوۂ اسلامی است که شهروندان خاك خود قربانیان مرگ داده و املاك خود به آتش کشیده شود۔اسلام ازدست دادن عدل وانصاف را به دشمنی اغیارنیزرخصت نمیدهد۔ بلکه بکار بستن خِرد را فرمان میکند تا چه برسد به آنچه که اخیرًا در پاکستان رخداد یا در کشور های اسلامی دیگر درجریان است۔ البته حرکاتی انجامداده درکشورهای اسلامی اعم از ضرربه سفارتخانه ها یا کاروبار بیگانگان یا کشتن شهروندان خود نیست مگر اقدامی به رسوایی اسلام ۔پس مسلمانان عامه بجای تقلید از علماء و رهبرانی غلطکار، بجای هدر دادن دنیا وآخرت در پیروی آنها،عقل را بکار بندند۔ امروز خدایتعالی به پدید کردن سمتی صواب برای مسلمان بلکه سرتاسر جهان، عاشق صادق آنحضرتﷺ را فرستاده است۔ او را بشناسید۔ او را پیروی

کنید و به اعتلای پرچم آنحضرتﷺ بر عرصۂ عالم به جماعت مسیح و مهدی بگروید۔ هیچ راهی دیگر، هیچ رهبر دیگری قادر بر استوار کردن ما بر سنت آنحضرتﷺ نیست۔ بازشناسی شأن وشوکت اسلام و تقدس آنحضرتﷺ بواسطۂ جماعت مسیح ومهدی قراردارد۔ انشاءالله۔

نزول مسیح را مطلب حقیقی ۔ برخی از کارهای مسیح و مهدی وبعضی از دلا یل به صداقت او۔

پس دراینمورد همگان،آنهاکه مسلمان خوانده میشوندبایدتعقّل کنند و ما نیز به آنهابایدتفهیم کنیم که دچارمبحث های علماء مصطلح نشوندکه هم اکنون مسیح موعود بعرصه ظهور نرسیده است یا او فلان جاخواهد آمد۔در واقع انگیزۂ گرویدن بدین عقیده عدم ادراك حدیثی است۔این روایت را حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بدین ترتیب عنوان کرده اند:

"اگرچنانچه گفته شود که این حدیث درکلماتی شفاف و صریح حاکیست که مسیح ابن مریم ازآسمان نازل خواهد شد ودستهاش برشانه های دو فرشته نهاده خواهدداشت ازین بیانی روشن وواضح انکارچطورتوانکرد؟"

یعنی این مردم میگویند که این بیان روشن وواضح است ۔ پس انکاراز این چطور ممکن است ۔ ایشانؑ درپاسخ میفرمایند:

" دراینمورد پاسخ اینست نازل شدن ازآسمان دال بر این نیست که

وجود خاکی بحقیقت ازآسمان نازل شود، بلکه در احادیث صحیح کلمه آسمان هم نیست و ضمناً کلمه نزول متداول است۔ یکی که از جای حرکت کرده جای دیگرسکنی گزیند بِدو نیز گویند که او فلان جا نازل شده است۔ بعنوانیکه گفته میشود که فلان لشکریا اردوازآسمان نازل شد۔آیا از این ادراك میشود که آن لشکریا اُردوازآسمان نازل شده است؟بعلاوه خدایتعالی در قرآن شریف آشکارا فرموده که آنحضرتﷺنیز ازآسمان نازل شده اند۔ بلکه یك جا فرموده است که آهن نیز ما ازآسمان نازل کرده ایم۔ پس بطور شفاف آشکاراست که نازل شدن ازآسمان به آن رنگ و روی نیست که مردم گمان کنند“۔

(ازاله اوهام ۔روحانی خزائن۔ جلد۳ ۔صفحه ۱۳۲-۱۳۳)

حضرت مسیح موعودعلیه السلام فرمودند،احادیث پربا شرح این مطلب است ۔مردم خود با سواد نیستند وعلماء غلط رهنمونی میکنند۔ ایشانؑ در ادامه فرمودند،”برای این بود که یهودیان نیز اشتباه کرده و حضرت عیسٰی را پذیرا نشده بودند۔‘‘البته اینهمه سخنان و تفاصیل طولدارد و درخطبه نتوان بیانکرد۔اکنون بدانسانکه اوضاع تغییر حال یافته است احمدییان نیزاین مطالب را درحوالی خود به روشنی باید بیان کنند تا به آن حدومیزان که ارواح سعید میتوانند حفظ بباشند ایشان حفظ شوند۔اشرافی که توانندایمن باشند، ایمن باشند۔ احمدییان در محیط خود به پیروکاران هرکدام دین آشکارا ورکنند که آن چهرهٔ موعود که ظهورش طبق تعلیمات هریك دین قرارداشت اوبظهورآمده است ۔

حضرت مسیح موعود علیه السلام میفرمایند:

"اکنون من حدیث ابو داؤدنقل کرده درصحیح خوداو را با ناظران بمیان آورده توجه ایشان را به مصداق آن جلب مینمایم ۔ پس بایدواضح بود پیشگوئی درج در صحیح ابوداؤد که شخصی بنام حارث یعنی از حرّاث ماوراءالنّهر یعنی از جانب سمرقند بیرون خواهد آمد که آل رسول را تقویت کند،آنکه را یاری ویاوری کردن بر هریك مؤمن به فرض قراردارد، بطور الهام برمن ظاهرکرده شدکه این پیشگوئی وپیشگوئی مسیح موعود که امام مسلمانان و از میان مسلمانان خواهد بود در واقع این هردو پیشگوئی متحد الموضوع ومصداق این هردواین بنده است ۔آن پیشگویی که بنام مسیح است آنرا علامات ویژه درواقع بر دو ضرب است ۔یکی این که چون آن مسیح به ظهورآید اوضاع داخلی مسلمانان راکه آنگاه بدرجه غایت بهم خورده باشد بواسطه تعلیمات صواب خود به اصلاح خواهد آورد ۔"

دراینمورد ذکر درخطبات ابتدایی نیز رفته است ۔ آنهاخود اذعان به این امر دارند که اوضاع مسلمانان دگرگون شده ونیازبه مصلح ای دارد۔

مراد ازتوزیع گنجها بدست مسیح موعود

درادامه افزودند:

"او از طریق تعلیم راست خوداصلاح خواهد آورد و افلاس روحانی و ناداری باطنی بکلی دورکرده جواهرات علوم وحقایق ومعارف را دربرابر

آنها خواهد نهاد“۔ یعنی او این گنجها و این علوم معنوی را بر ایشان شرح خواهد داد‘‘ ۔ باز افزودند،”تا آن انتها که از ستاندن آنها بستوه آیند واحدی حق جو مفلس روحانی و نادار نخواهد ماند۔ بلکه تشنه کامان و گرسنه دلان راستی به هر میزانی که باشند بدیشان غذای طیب صداقت و شربت شیرین معرفت با فراوانی خورانده خواهد شد“۔یعنی به واسطۂ مسیح موعود این غذا پاکیزۂ راستی بدیشان دست داده،تعلیم صواب اسلام به ایشان رسیده و این شربت معرفت بدیشان نوشانده خواهد شد۔ البته اگر اینمردم تشنه کامان بودند آنگاه واکنش نامساعدی بلکه گسترندۂ تبه کاری که از اینها ظاهر شده است بجایش عکس العمل مثبت و سازنده ای را اظهار کرده و در محضر خدا فروتن میشدند۔

فرمودند،”و دامن هایشان با مرواریدهای علوم حقه پُرکرده شود“۔ علم راست اسلام که گنج بی بهایست، مترادف مروارید است، دامن هایشان را با آن پُر کند۔”وآنچه که مغزولب قرآن شریف است شیشه های پُر با عطر آن بدیشان داده خواهد شد“۔یعنی این رایحه معطر قرآن به مشام ایشان خواهد رسید۔

تشریح کسر صلیب و قتل خوك

سپس فرمودند:

”دومی علامت بویژه اینست چون آن مسیح موعود ظهورکند صلیب بشکندو خوکان را هلاك کند و دجّال یك چشم را بکشد وکافری که ریح

دَمش بِدورسداوبیدرنگ بمیرد۔پس اصل این علامت که بطور معنوی
کی از آن قرار داشته شداینست که مسیح در دنیا بظهورآمده شأن و
شوکت دین صلیبی را زیر پا له کند و آن طائفه مردم که دارای بیحیائی
خوکان وبیشرمی خوکان(یعنی بیشرمی خوك که آن نیز جانوری است) و
نجاست خوٰاری اند،برآنها سلاح براهین قاطع بکارگرفته کار همۂ را تمام
کند۔وآنمردم که مجرد با یك چشم دنیائی اند ولی دیدۂ دینی اصلاً ندارند،
بلکه ورم بدنمای درقرنیه اش آماهیده است (یعنی درچشم دنبل دمیده
است) آنها راباتیغ قاطع ادلّه روشن ملزم کرده وجودمنکرانۂ آنهاراخاتمه
دهد"۔(پس این ادله روشن است که باآنها باید برید تااینکه ادعاهای دروغین
و بُودی آنها از بین برود۔)"و نه فقط اینگونه یك چشمها بلکه هریك کافر که
به دین محمدی بدیده استحقار نظر میکند او در اثر دم جلالی مسیح بطور
روحانی کشته شود۔"(مسیح موعودعلیه السلام بظهورآمده او را با اقامه
دلائل روشن از بین خواهد برد۔)" الغرض اینهمه عبارات بعنوان استعاره
است که بر این بنده به روشنی مکشوف داشته شد۔فعلاً یکی این را بفهمد
یا نفهمدولی عاقبت چندی بعد و انتظارکشیده و ازآرزوهای بی اساس
خود درحال یاس کلی روزی همه مردم اینسورجوع خواهندکرد۔"

(ازاله اوهام ۔روحانی خزائن۔جلد۳ ۔صفحه ۱۴۱-۱۴۳۔حاشیه)

پس تنهاحضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام به عیسویان
هشدار دادند ۔سرعتی که عیسویت با آن رو به گسترش داشت ایشان
بودندکه آنرااازجلوگرفتند۔میلیونهامسلمان درسرزمین هند به عیسویت

میگرویدند۔حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام بودند که نه تنها این یلغار را مسدود نمودند بلکه حسن شهرت و مکارم اسلام را مجدداً برقرار نمودند۔سپس جماعت احمدیه درکرۂ افریقا یورش عیسویت را جلوگیری کرد۔عکس زیبای اسلام را نمایش داده و میلیونها عیسویان را به حلقۂ احمدی مسلمانان درآوردند۔ پس این بود کارنامه های مسیحایی که حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام از عهده آن برآمدند و جماعت احمدیه هنوز بفضل خدای تعالی بواسطۂ تعلیمات وادلّه وَر داده ایشانؑ با تسخیر دلها مسافت های طی کرده و انشاءالله کرده خواهد داشت و بطوریکه حضرت مسیح موعود علیه السلام فرموده بودند، روزی اینها با یأس وبیچارگی رجوع خواهند کرد۔

پس اینست تشریح آن امرکه باچه ترکیب کار دجل و فریب اینها را خاتمه توانداد۔قتل خوکان،شکستن صلیب و رویاروی به دجال را مطلب اینست که حضرت مسیح موعودعلیه السلام بیانکردند۔الحال نیزآنچه گفتم تنها جماعت احمدیه است که هرجا با عیسویت مقابله میکند۔

اخیراً، برنامۂ تلویژنی بود از سیمای جیو(GEO)یاآ۔ر۔وآیی(ARY) یاازبرنامه تلویژنی دیگر امثال آنهاکه ازآسیامنتشر میشود که در طی آن آقای علامه اسراراحمد سخن میگفت که چون علمای مسلمانان نادان وعلم دین اصلاًمفقود بود، نه علم قرآن بود و نه علم بائبل و میرزا غلام احمد قادیانی چهرۂ علمی بودند، علم بائبل داشتند وعلم سایرادیان هم۔

لذاآنگاه ایشان مقابله مسیحیان کرده ومهر بر لب آنها نهاد۔کلمات سخن ایشان بهمین ترتیب مفهوم میشد۔ البته تااین حد ایشان اذعان کرد که تنها حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام بودند(بطوریکه خود حضور مبارکؑ نیز فرمودند)که بابراهین قاطع،با دلایلی متقن، آنها را رد کردند۔ ایشان بدین امر اذعان کرد که تنها حضرت میرزا غلام احمدقادیانی بودند که حملات عیسویت رااز جلوگرفته ومسلمانان رااز گرویدن به عیسویت نجات دادند۔باز ایشان بعنوان توضیحاتی گوناگون حرفهای بیمورد نیز زد۔ سخنی چندبرحضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام نیز گفت که ایشان مسیح نتوان شد۔البته این امرتابحال مورد اعتراف است که اگریکی درمقابل عیسویت قیام کرد وآموزه های آنها را با ادلۂ روشن ردّ کرداو فقط یکی قهرمان بنام حضرت میرزا غلام احمد قادیانی هست۔

پس علیرغم اینکه این مردم پذیراشوندیا خیراما بطوریکه حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام فرمودندروزی ناچارپذیرا شوند که این ادله مسیحایی از حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است که دجال را خاتمه داد و فقط ایشان مسیح موعود هستند۔

ظهور مسیح از خود امت مسلمه قرارداشت

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند که مسلمانان بعلت اخذ معنی اشتباهی و صوری تا بحال مسیح را انتظار میکشند که مسیح ابن مریم دست بر شانۂ فرشتگان نهاده ازآسمان نازل خواهد شد۔

حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام برای توضیح فزونتر بدین امرکه این معنی ناصواب است ایشانؑ مطلب را ازروی خود این حدیث روشن کرده میفرمایند:

”ازآنجمله دلایلی دال بر این امر که مسیح ظهورکنندۂ درموردآنکه به این امت وعدۂ داده شدکه او یکی از میان خود این امت خواهد بود، حدیثی است از بخاری و مسلم که درآن **اِمَامُکُمۡ مِنۡکُمۡ** و **اَمَّاکُمۡ مِنۡکُمۡ** مزبور است، یعنی اوامام شماو از میان خودشماخواهد بود۔چون این حدیث مرتبط با مسیح آینده است و به تعریف او کلمه **حَکَم و عَدَل** در این حدیث بعنوان صفت موجود است که پیش ازین جمله است ، بنا بر این کلمه **امام** نیز درحق اوست و در اینمورد شکی نیست که در اینجا کلمه **مِنۡکُمۡ** خطاب به صحابه است ومُخاطَب هم ایشان بودند،اماپیدااست که احدی از میان ایشان مدعی بمقام مسیح موعودنشد۔ بنابراین ازکلمه **منکم** مرادآنکسی است که درعلم خدایتعالی قایم مقام صحابه قراردارد (یعنی نزد خدا او قائم مقام صحابه است،برجای ایشان است)واوست که درآیت **وَاٰخَرِیۡنَ مِنۡھُمۡ لَمَّا یَلۡحَقُوۡا بِھِمۡ**(۱)قائم مقام صحابه گفته شد۔چون از این آیت آشکاراست که او از معنویت رسول کریمؐ پرورش یافته و از روی این معنی مشمول صحابه است وبشرح این آیت حدیثی

---

(۱)سورة الجمعة ۔آیت ٤

است **لَوْكَانَ الاِیْمَانُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَیَّا لَنَالَه، رَجُلٌ مِّنْ فَارِسِ** وچون به آنکس فارسی آن صفت که مخصوص مسیح موعود و مهدی موعود است منسوب کرده شده است یعنی گیتی که از ایمان و توحید تهی شده با ظلم ممتلی گردیده است مجددًا آنرا با عدالت پُر کند، همین چهره مهدی و مسیح موعود است وآن منم۔"

(تحفه گولرویه۔ روحانی خزائن۔ جلد۱۷ ۔صفحه۱۱٤-۱۱۵)

مسیح و مهدی دونام ازآن یکی وجود است

مسیح موعود جنگ های دینی را موقوف نماید

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بر مزید شرح فرمودند:

"**حدیث لَا مَهْدِیَّ اِلَّا عِیْسٰی** که در کتاب ابن ماجه که با همین نام اشتهار دارد و درکتاب مستدرک حاکم از انس بن مالك مروی است و اینرا محمدبن خالد الْجَنَدی از ابّان بن صالح وابّان بن صالح ازحضرت حسن بصری وحسن بصری از انس بن مالك و انس بن مالك ازجناب رسول الله ﷺ روایت نمود و این حدیث را معنی اینست که کسی مهدی نخواهد آمد مگرآنکه بر طبع وخوی و طرز تعلیمِ عیسٰی بظهور رسد یعنی آن یکی هم مسیح موعودخواهدبودوهم مهدی که برطبع وخوی وطرز تعلیم حضرت عیسٰی علیه السلام بظهورآید ۔یعنی رویاروی بابدی نکند و نه جنگ و هدایت را بواسطه اسوه های پاك و نشانه های آسمانی تعمیم دهد۔ دیگر

در تایید همین حدیث آن حدیث است که امام بخاری در صحیح نقل کرده که کلمات آن بدینترتیب است، **یَضَعُ الْحَرْبَ** یعنی آن مهدی که نام دومی او مسیح موعود است نبردهای دینی را بکلی متوقف نماید و از او هدایت شود که جنگ نکنید بلکه پیام دین را با انوار راستی و اعجازات اخلاقی وبا نشانه های قرب الهی بگسترید۔ پس من یکراست میگویم، آنکس که در این عصر برای دین نبردکند یا یکی جنگاور را پشتیبانی کند یا آشکارا یا درخِفا اینگونه مشورت دهد و به دل چنین آرزو دارد، او نافرمان خدا و رسول است ۔"(یعنی اگر چنانچه مسلمان بخاطر دین نبرد کند)"از مفاد این وصایا، حدود و فرائض تجاوزکرده است"۔

(حقیقة المهدی۔روحانی خزائن۔ جلد ۱۴۔صفحه ۴۳۱-۴۳۲)

اکنون ببینید اوضاع کنونی مسلمانان این موضع را مورد تایید قرار میدهد۔اگرچنانچه این جنگها طبق فرمان خدا صورت میگرفت آنگاه خدایتعالی میفرماید: **وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ**۔(سورة الرُّوم۔ آیت ۴۸) و مومنان را یاری دادن برما بفرض است۔ پس چون تاییدات خدایتعالی درمیان نماند باید فکر کرد۔ اگرچنانچه شوق جنگ اینقدر زیاد است دیگر بنام اسلام که نباید انجام داد۔

در این عصر هزیمت مسلمانان بدست دیگر ملل نیز شهادت فعلی خدایتعالی بر این امر است که مسیح موعود بظهور رسیده وفرمان به جنگهای دینی طبق **یَضَعُ الْحَرْبَ** موقوف شد۔البته اگر میخواهید جهاد

کنید، آنرا با دلائل انجامدهیدوبابراهین۔بطوریکه گفتم از روی شهادت فعلی خدایتعالی جنگهای انجام داده بنام اسلام منجربه زیان مسلمانان شده و هرچشمی آخربین شاهد بر این امر است۔ وعدۂ خدای بر این منوال است که من مؤمن را یاری مینمایم۔ البته اگراو مؤمن است۔ پس تنها دو صورت است ۔یااینکه مسلمانان مؤمن نیستند ویا جنگها راگزینه وقت ناصواب و دوران پایان یافته است۔ اما حواستان باشد که در اینها هردوصورت بودی دارد۔ چه بعلت عدول از حرف آنحضرت ﷺ مؤمن نتوان قرارگرفت و پس از دعوی مسیح و مهدی از حرف او سرباز زده سزاواریاری خدایتعالی نتوان شد۔ پس مدعی مسیح و مهدی دراین زمان یقیناً راستگویست ۔

سوگند حضرت مسیح موعود علیه السلام که ایشان از جانب خدا است

سپس به اثبات راستی خود ایشان ادعای بزرگ کرده اند، ادعای که هیچ کدام دروغگوی نمیتواند اعلام کند:

"من بنام خدا که جانم بدست قدرت اوست،سوگند یادکرده میگویم که اومرافرستاده است و اوست که نامم نَبی نهاد و او مرا مسمی به اسم مسیح موعود خوانده است واو به تصدیق من نشانه های بزرگ آشکار کرده که بالغ برسه صدهزار است که شماری ازآنها بعنوان نمونۂ در این کتاب نیز نوشته شده است ۔اگر افعال معجزانۂ او و نشانه های روشن که

بالغ بر هزارها است برصدق من گواهی نمیداد،من مکالمه اورا بر هیچ کس آشکار نمی نمودم و نه به یقین می توانستم بگویم که این کلام اوست۔ امااوبتایید اقوال خود افعالی آنگونه نشانداد که به نمایاندن چهره اش کار آئینه ای شفاف و روشن را انجام دادند۔"

(تتمه حقیقة الوحی ۔روحانی خزائن۔ جلد۲۲ ۔صفحه ۵۰۳)

یکی که بنام خدا داعیه دار است اگر چنانچه داعیه او صواب نباشد پس خدایتعالی بااوچطورسلوك دارد،خودتان التفات کنید،خدایتعالی در مورد پیغمبر ناراستگویی میفرماید: **وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ الۡاَقَاوِيۡلِ لَاَخَذۡنَا مِنۡهُ بِالۡيَمِيۡنِ** (سورة الحاقة۔ آیات ۴۵-۴۶) و اگر او سخنانی بعض به دروغ بما منسوب مینمود یقینًا ما میگرفتیمش بدست راستش،وسپس فرمود **ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ الۡوَتِيۡنَ** (سورة الحاقه۔ آیت۴۷) سپس یقینًاما رگِ جانش را میبُریدیم۔

اکنون یکی حالی کند که بدنبال این دعویٰ که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مدعی آن شدندکه من نَبی ام و مرا همهٔ تاییدات حاصل است،آیاخدایتعالی رگ جان حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام برید یا طبق آن وعدهٔ که **وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ الۡمُؤۡمِنِيۡنَ** (سورة الروم۔آیت۴۸)و ما یاری بمؤمنان برخود بفرض نموده ایم، یاری کرد و پیوسته به یاری جماعت میپردازد۔ صدایی که از روستا کوچکی بلند شده بود با شأن تمام وکامل دراکناف عالم گسترش یافته است۔ امروزجماعت در

۱۸۱ کشور تشکیل شده است۔ امروز مومنان حضرت مسیح موعود علیه در اروپا، امریکه، در جنگلهای دورا دور و صحاری سوزناك افریقا و در جزایر هم بودی دارند۔ پس آیا اینهمه پشتیبانیهای الهی بتصویب صداقت ایشان مکتفی نیست؟ اگر چنانچه این چهره ناراستگوی بود، چرا خدایتعالی طبق قانون خود او را بازداشت نکرد؟ چرا او را بانگیزه نسبت کردن الهامات بخود، نیست و نابود نکرد؟ پس جای تعقُّل است! تعقل کنید و از عقل کار گیرید۔ من به مسلمانان میگویم چرا دنیا و آخرت را برباد میدهید؟ فرجام یکی دروغگو بطوری میباشد که اخیرًا در پاکستان یکنفر داعیه دار مهدی شد و پس از مبادلۂ شلیك چند گلوله او را بازداشت کردند و اکنون او زندانی است۔ پس به این فرجام بیدرنگ شاهد آن شده اند۔ امثال این در پیش نیز زیاد بوده است۔

شهادت آسمانی درحق حضرت مسیح موعود علیه السلام

بهر تقدیر، درادامه یکی شهادت آسمانی نیز به اثبات راستی ایشانؑ وجود دارد که ذکر از آن درپیش نیز کرده بودم یعنی گرفتگی ماه و خورشید۔ این نشانۂ است که هیچگونه کوشش انسانی را نتوان در آن دخیل شد۔ آنحضرت ﷺ بعنوان پیشگوئی چندین مُعیَّن که هزار و چهار صد سال پیش بماگفته بودند پیشگوئی به آن شفافی ولو درعصر حاضر که دانش بسیار رو به ارتقاء است تا چه برسد به زمانی دور، نسبت به زمانی نزدیکتر هم امکان پذیر نیست که ماه رمضان خواهد بود و درفلان تاریخ آن گرفتگی

خورشید و در فلان تاریخ آن گرفتگی ماه صورت خواهد گرفت۔ در حدیث است: **اِنَّ لِمَهْدِیِّنَا اٰیَتَیْنِ لَمْ تکُوْنَا مُنْذُ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضِ ۔ تَنکَسِفُ الْقَمَرُ لِاَوَّلِ لَیْلَةٍ مِّنْ رَمَضَانَ وَ تنکَسِفُ الشَّمْسُ فِی النِّصْفِ مِنْہُ۔**

(سنن دارقطنی ۔کتاب العیدین۔ باب صفة صلوٰة الخسوف)

یعنی صداقت مهدی مارا دو علامت است و ایندو علامت از آفرینش جهان گرفته هیچگاه در حق احدی بظهور نرسیده است۔ در ماه رمضان درشب اوّل شبهای خسوف گرفتگی ماه و در روز میانه روز های کسوف گرفتگی خورشید صورت خواهد گرفت۔

پس این پدیدهٔ خسوف وکسوف در سال ۱۸۹٤صورت گرفت و از میان تاریخهای ۱۳، ۱٤، ۱۵در تاریخ ۱۳ ماه رمضان خسف در ماه گرفت و ازمیان تاریخهای ۲۷، ۲۸، ۲۹ در تاریخ ۲۸ ماه رمضان کَسف در خورشید گرفت۔ این به اثبات صداقت ایشانؑ دلیلی بسیار روشن است –

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام فرمودند، آنهنگام کسی بجز من مدعی نبود۔برخی ملاها دچار بحث کلمه قمر میشوند۔ قمر نزد بعضیها شکل ماه است پس از دوشب ونزد بعضیهاپس از سه شب ۔ اکنون یکی بنمایاندکه هیچ داعیه داری بجز حضرت مسیح موعودعلیه السلام پیش از ظهور این علامت تأییدی بود؟اگر دعوی است آن فقط ازجانب یکی است که آن چهرهٔ حضرت میرزاغلام احمد قادیانی میباشد۔ حضرت

مسیح موعود علیه السلام بوضوح فرموده اندکه بیشمار علامات پیوسته حقیقت میشود۔اگرچنانچه من نیستم یکی دیگر را بظهور آمده نشاندهید۔چه بهرتقدیر این برمقتضای زمان است۔اما این گروۂ مردم نمیتوانندا حدی رانشاندهند۔لذاتنهاحضرت مسیح موعود علیه الصلوۃ والسلام مدعی راستین است۔چه تاییدات زمینی وآسمانی درحق ایشان قراردارند۔معیار نبوت بپا کردۂ خدایتعالی ایشان را تایید می نماید۔عدۂ از مردم درمامضی نیز اذعان کردندکه ایشان باچهرۂ پاك ومطهر بودند۔ هم مامضی ایشان پاك بود وهم جوانی ایشان مطهربود۔هم ایشان علمی بود و هم احدی اسلام را خدمت فزونتر از ایشان انجام نداد۔ اینرا اغیار نیز اذعان کردند۔اگر با رویت هر چیز بازهم گرفتگی عقل احاطه کرده پس اینگونه هارا محافظ فقط خدایتعالی است۔ چه یارایی گرویدن به کسی تنهابفضل خدا بدست میآید۔

حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰۃ والسلام میفرمایند:

"اکنون حالی کنید اگرچنانچه این بنده برحق نیست دیگرچه کس آمدکه او برسرسده چهاردهم مانا به این بنده مدعی مجدد شد۔ آیا یکی هم با دعاوی الهامی درمقابل مخالفان خودقیام کردبطوریکه این عاجزپا فشاری نمود۔ **تَفَکَّرُوْا وَتَنَدَّمُوْا وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَاتَغْلُوْا**۔ (یعنی تعقّل کنید، ندامت خورید و ازخدا بترسید، چرا دربیحیائیها فروتر میروید۔) اگر چنانچه این بنده دردعوی مسیح موعود بودن خود براشتباه است پس شما کوششی

چند انجام دهید تا آن مسیح موعود که در گمان شما است همین روزها از آسمان نازل آید چه من که در این عصرحضور دارم۔ اما برای او که شما مترصدید واو موجود نیست وشکست بر دعوی من تنها درآنصورت متصور میافتد که اکنون او از آسمان فرودآیدتا توان مرا مجرم قرار داد'' (ایشان این اعلامیه آنزمان بهمگان داده بودند)۔''اگر شما بر راه راست هستید همۀ باهم دعاکنیدتامسیح پسرمریم زودترازآسمان نازل آمده دیده شود۔اگر چنانچه شما بر حق اید این دعا مستجاب خواهد شد چون دعای اهل حق درمقابل مُبطلها همواره اجابت کرده میشود۔اما شما به یقین بدانید که هرگز این دعا مستجاب نشود زیرا شما بر خطا هستید۔ مسیح بظهوررسید اما شما او را نشناختید۔اکنون این انتظارموهوم شما اتمام کرده نمیآید۔این زمان سپری شود اماهیچکس از آنهامسیح را نازل آمده تماشا نکند۔

(ازاله اوهام جزواوّل۔ روحانی خزائن۔ جلد۳۔صفحه ۱۷۹)

سپس ایشان فرمودند:

''برای اینست من میگویم که این طائفه مردم دشمن دین و راستی اند۔اگر هم اکنون هیچیك گروه از اینها بادرستی قلوب نزد من بیآیند من هنوزهم حاضر به انجام این کار ام که به شبهات پوچ اینها پاسخ گویم تا به آنها نشاندهم که خدا درحق من چقدر پیشگوئیهارا مانا به ارتش کثیری بعنوان اشهاد مهیا داشته است تا حقانیت آنها چون رخشیدن روز آشکار شده است۔''

وعدهٔ خدایتعالی است که او محبت مسیح موعودؑ را درقلوب جاداده و فرقه ایشانرا برهمهٔ فرق برترسازد۔

حالا بطوریکه حضرت مسیح موعودعلیه الصلوۃ والسلام فرمودند اگر یکی میل دارد رجوع کند آن پیشنہادرجوع به شرط درستی قلوب پس از صدسال امروز نیز برقرار است وآنهائی که رجوع میکنند حق را نیز در مییابند۔

باز فرمودند:

"این ملاهای نادان اگردیدگان خود را دیده و دانسته می بندند پس ببندند، چه زیان به راستی ازآنها؟اما آنزمان میرسد بلکه فرارسیده است که بسا فرعون طبع ها با دقت فکر براین پیشگوئیها ازغرق نجات خواهندیافت۔ خدامیفرماید، **من حمله بر حمله خواهم آورد تا آن نهایت که راستی ترا در قلوب خواهم نشاند۔** پس ای ملاها!اگر شما یارایی ستیزه با خدا را دارید پس بستیزید۔قبل از من یهودیان به انسانی فروتن پسر مریم کدام اقدامی ننمودند وچگونه بگمان خود اورا بدارکشیدند۔ اما خداونداوراازمرگ دارآویزی نجات داد ویا زمانی بود که اویک فریبکارو دروغگو دانسته میشدویا روزگاری رسیده که قدرعظمت او درقلوب چندین آشیانه کرده که اکنون چهل کرور(چهارصدمیلیون)مردم او را بعنوان خدامیشناسند۔هرچند اینها کفرکردندکه انسانی ناتوان را خدا برگزیدند اما

این پاسخی است به یهودیان (ازجانب خدا) که آنکس راکه میخواستند بعنوان دروغگوی زیرپاله کنند همان یسوع پسرمریم به چندین عظمت رسید که اکنون چهل کرور مردم اورا سجده میکنند وگردنهای پادشاهان در برابر نامش خم میشوند۔ پس من اگرچه این دعاکرده ام که مانند یسوع پسر مریم واسطۂ بافزایش شرک قرارداده نشوم ومن یقین دارم که خدایتعالی همین طورسامان خواهدداد۔ولی خدایتعالی مرابتکرارخبرداد که اومرا عظمت خواهدداد ومحبتم درقلوب خواهد نشاند وسلسله من را برعرصۂ گیتی پهنادار خواهد نمود وفرقه من را برهمۂ فرق پیروزی خواهد داد واهل فرقه من درعلم و معرفت چندان کمال کسب خواهند کرد که با انوار راستی خود ودلائل خود وازروی نشانه ها، مهری برلب همگان نهند ۔(و بفضل خدایتعالی این حقیقت درهریك سرزمین جهان پدیدار وپیوسته رو به افزایش است) "وهرملت ازین چشمه آب خواهد نوشید واین سلسله با بسیارنیروبزرگ وبالا شده گل کند تاآنگاه که برعرصۂ گیتی میحط خواهد شد۔ بسیارموانع ایجادشوند،آزمایشهای رو دهنداما خدا همۂ راازمیان بردارد و وعدۂخود راوفاکند۔ و خدا مرا خطاب کرده فرمود، **من ترا برکت بربرکت خواهم داد تاآن انتها که پادشاهان از لباست برکت خواهند جست۔**

پس ای شنوندگان! این سخنان را به خاطرسپاریدواین پیش آگهیهای را در صندوقهای خود نگهدارید که این کلام خدای است که روزی

حقیقت خواهد شد ـ من درنفس خودهیچ خوبی نمیبینم ـ من کاری انجام نداده ام که بایدآنرابجامیاوردم ومن خود رافقط مُزدور نالایقی میگیرم ـ این مجرد فضل خدا است که شامل حالم شد ـ هزاران هزار سپاس آن خدای قادر و کریم را که او این مشت خاك را برغم همهٔ بی هنریها پذیرفت ـ"

(تجلیات الٰهیه ـ روحانی خزائن ـ جلد.۲ ـ صفحه ۴۰۸ ـ ۴۱۰)

پس این امربعنوان داعیۀ حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است یا پیشگوئی ما اینرا روزاروزحقیقت شده میبینیم ـ اما این برای هر یك دین و ملت دیگر نیز مورد تعقُّل است ـ جماعت مسیح موعودؑ طبق مواعد مقررکردۀ خدایتعالی مرتب روبترقی است و بطوریکه گفتم هرروز ما شاهد ترقیات هستیم ـ پس مسلمانان (بعلاوه احمدیان) نیز فکر کنند ـ آن مسیح موعود که قرار بود بیآید اوبظهورآمده است و به اثبات صداقت او در قرآن و حدیث مدارك بفراوانی است که ازآنجمله یك و دو را مطرح کرده ام ـ زبان حال زمان بانگ میزند ـ اکنون مترصد کی نشته اید ـ ای مردم اندك باندیشید ـ مسیح که قرار بود برای مسیحیان بازآید او نیز به ظهور رسیده و آنکه قرار بود بیآید به گرد کردن اهل دیگر ادیان بریکدست، اونیز به ظهورآمده است ـ اکنون آموزش احترامات به احساسات دیگران بدست آن مسیح و مهدی قراردارد ـ حال تعلیم عزت و احترام پیغمبران همه ادیان کار مسیح موعود است ـ اکنون گسترش مهر و وداد در جهان تنها بواسطه مسیح موعود قرار دارد ـ اکنون

نجات انسانیت از رنج و بلایا منوط به مسیح موعود است۔اکنون رهبری راههای منتهی بقربت الهی وآموزش اسلوب فروتنی در محضر خدایتعالی به بندگان کار مسیح و مهدی است۔پس اگردنیا دوستدارد تابه اینهمه اهداف نائل شود باید عمل کننده باشند بر تعلیمات آن عاشق صادق آنحضرتﷺ و آن چهرۂکه برطبق پیشگوئیهای همۂ پیغمبران بظهور آمد وگرنہما سایه های تجلی قهری را قریب الوقوع می بینیم که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام درموردآن با دریافت خبر از خدایتعالی برای ما درمیان نهادند۔ پس من بشما نیز که احمدییان هستید میگویم که هر احمدی به تصحیح خود بجوید وبا درستگی خود دنیا را نیز بدین اِنذار آگاه سازد۔ خدایتعالی بر این دنیاداران ترحم کرده و به درك حقیقت یارایی عطا فرماید۔

خطبه جمعه

فرموده ٢٤ فوریه ٢٠٠٦ـ مسجد بیت الفتوح۔ لندن ۔بریتانیا

☼☼بیان نسبت به جریحدار کردن احساسات مسلمانان، پیش گرفتن روشهای ظالمانه و معیار اخلاقی دو رویۂ بنام آزادی مطبوعات وآزادی بیان ازجانب برخی از روزنامه های اروپائی۔

☼☼جسارت های تجاوزکارانه جهان غرب را سبب خود اوضاع داخلی مسلمانان نیز است و عالم اسلام ناشی از اشتباهات خود دچار حالتی نهایت بیمناک است۔

☼☼محبت آنحضرتﷺ اقتضاءداردکه ماامت مسلمه را درادعیه خود بسیارجادهیم۔امروزتکلیف هراحمدی است که اوامام زمانراشناخت که براثر محبت آنحضرتﷺ درودفراوان بفرستد۔

☼☼درود صمیمانه در فضا آنقدر زیاد بگسترانید تا هریك ذره فضا را بشکوفاندوهمۂ ادعیه مابواسطه آن درود دربارگاه الهی باریافته اجابت شوند۔

☼☼(مراجعه به قرآن مجید،احادیث نبویه و ارشادات حضرت اقدس مسیح موعود علیه السلام باذکر اهمیت و برکات درود شریف تشویق به خواندن درود بفروانی وادعیه درحق امت مسلمه)۔

أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ـ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ـ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ـ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ـ مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ ـ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ـ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ـ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ ـ

اِنَّ اللّٰهَ وَ مَلَآئِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ ـ يَآ اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا ـ ـ(سورة الاحزاب آیت۵۷)ـ

موضوعی که ازپیش درجریان است، یعنی وقایعی که درخلال چند هفته های اخیررویداد، پیگیری به جریحدارکردن احساسات مسلمانان و روش ظالمانۂ که بعضی از روزنامه ها وکشورهای اروپائی بنام آزادی مطبوعات وآزادی بیان درپیش گرفته اند، دراین مورد اجمالاً سخنانی چند خواهم گفت ـ هوای واکنش که علیه برخی ازروزنامه ها وکشورهای اروپائی درکشورهای اسلامی جریان دارد میخواهم اینموردرا درمیان نهم ـ این جریان واکنش هم فردی است وهم جمعی ـ عمل پروتست برسطح دول نیز درجریانست ـ بلکه سازمان کشورهای اسلامی او ـ آئی ـ سی ـ نیز گفته اندکه برکشورهای اروپائی فشاروارد میآوریم تا عذرخواهی کنند وهم آئینی تصویب نمایند تا بنام آزادی مطبوعات وآزادی بیان دست به

گریبان انبیاء نرسد۔ چه اگر چنانچه دست از اینکار برندارند، صلح وصفا درجهان تأمینی ندارد۔این طرز واکنش از جانب این کشورها یا سازمان بسیارخوب است۔خدایتعالی به کشورهای اسلامی چندان به استحکام رساند وتوفیق بخشد تا با درد دل بتوانند به تصویب تصمیمات درخور برقراری صلح وصفادرجهان نقش خودرا ایفا کنند۔

معیاردورویۂ کشورهاوروزنامه های اروپائی۔

ایام گذشته روزنامۂ ایرانی اعلام کرد که ما به انتقام این حرکت در روزنامه خود بمسابقۂ کاریکاتورسازی برسرموضوع سلوك بایهودیان در جنگ جهانی دوم سامان خواهیم داد۔هرچند این واکنش اسلامی نیست اما کشورهای غربی که آزادی را شِعار میکنند ونشر هرگونه پرت وپلا را در روزنامه های خود نام آزادی مطبوعاتی میدهند نباید از این بدشان آید درصورتیکه بدشان آمد۔ یااینکه بدشان نمیآمد ویا پاسخ میدادندکه بعلت آن اشتباه که دردنیاغوغابپاشد اکنون بایدما اینگونه افکاررا نسبت به هیچ یك دین یا بانی وپیغمبرآن ویا درباره قومی خاتمه داده فضای مهروواد را پدید آوریم۔ اما بجای اینگونه پاسخ، مدیر روزنامه ای که در آن بعلت نشر این کاریکاتورها اینهمه آشوبناکی برپا شده است بپاسخ آن اعلامیۂ روزنامۂ ایرانی گفته است که مسابقه ای چاپ کاریکاتورهای که درآنجا اعلام شده است یعنی هنگام جنگ جهانی دوم هرچه کاریکاتور مربوط به یهودیان چاپ میشد آن به نشانۂ ستمکاری یا عدم ستمکاری

بر قومی کشیده میشد و مساله هتاکی یا توهین به هیچ پیغمبری درمیان نبود۔ البته آقای مدیر مینویسدکه ما دراین مسابقه هرگز شرکت نخواهیم داشت و بخاطر دلداری قاریان خود میگوید که قاریان ما اطمینان خاطر داشته باشند که موازین اخلاق ما تا بحال برقرار اند ۔ نیستیم ما که کاری کاتورهای حضرت عیسٰی یا هالوکاست(جریان همه سوزی)را شائع نمائیم ۔لذا این امر اصلاً خارج از موضوع است که مادر مسابقۂ بدذوق روزنامۂ یا رسانه های گروهی ایران شرکت کرده باشیم۔اینست معیارشان که برای خود سوا وببازی گرفتن احساسات مسلمانان جدا قرار دارند۔ البته باراین کاربر دوش خودشانست ۔پس انجام دهند۔

زبونی مسلمانان نهایت بیمناك است۔

اکنون ببینیدشرایط معیارراابنطورقرارداده اند۔اخیراً یکی نویسنده دراینجاواقعه ای هفده ساله قبلی را نوشت۔او اتریش رفته وآنجا علیه او مرافعه کرده شد۔سه سال محکوم به زندان شد۔بهرحال دستورکارآنها بدینسانست۔خود از کسی تحمل نمیکنند۔البته به عکس بایستی مانیز رسیدگی کنیم که حالات ماچگونه ایست۔این جسارتهاپدیدشده درآنها یعنی جهان غرب ناشی از وضع حال خودما که نیست؟ اوضاعی که در برابر چشمان ما قراردارد ازآن بطور شفاف دیده میشودکه جهان غرب آگاه است که کشورهای مسلمان دست نگرآنهایند۔ عاقبت پیش آنها باز میروند۔بهم میستیزند وکمك ازاینها میگیرند۔ این جریان تحریم که اروپا

درموردکالا های برخی از کشورها اعلام کرده اند علیرغم پروتست اینها میدانند چندی بعد اوضاع آرامش یافته و همان کالا های که از بازارهای آن کشورهای موردتحریم ناپیدا شدند به آن بازارها بازمیآیند ـ اکنون جالب اینست، مسلمانان که در این کشورها زیست میکنند آنها نیز این چیزها میخورند یا استفاده میکنند ـ مثلاً در دانمارك (دانمارك بیشتر از همه هدف پروتست است) قرب دویست هزارمسلمان اند و اکثریت رامسلمانان پاکستانی تشکیل میدهند که ایشان نیز این چیزها را به کار میآرند ـ البته اینهمه واکنشها موقتی اندو بزودی پایان خواهند یافت ـ

حالا ببینید حالات خودما ـ واقعه ای که بتازگی در عراق صورت گرفت و در اثر حمله انفجار بم گنبد امام بارگاه منهدم شد و در عوض مساجد سنی ها نیز مورد حمله قرارگرفته و نابود میشوند،یکی هم کوشش نکردتاببیند،فکر کند تا رسیدگی شود مبادا افتادن ما بهمدیگر به انگیزه شرّ دشمن باشد ـ زیرا این خریداری تجهیزات نیز از همین کشورها بعمل میآید ـ اما اینهانمیتوانند بدین جهت فکر کنند ـ ازسوی یك از عقل فرو میافتند و از روی خشم و عصبیت فرقه خود پریشیده عقل میشوند تا چه کار کنند، از سوی دیگر بدبختانه منافقان نیزهمدست دشمن میگردند از آنچه دشمن سوءاستفاده کرده و نمیگذارد تا اینها به عقل آیند ـ البته این صورتحال که بتازگی برعراق مستولی شده آن کشور را بسوی جنگ داخلی میکشاند ـ امروزهاتقریباً درگرفته است و رهبران آنجا سخت دچار مشکل

اند که اوضاع بی مهار خواهد شد۔ اینصورتحال افتادن مسلمانان بهمدیگر هم حاکم برافغانستان است وهم برپاکستان۔هرفرقۂ درصدد ایجاد محیطی خشونت آمیزبرای دیگریست۔ بنام مذهب همدیگر رامیکشند۔ درحالی که خدایتعالی میفرماید: **وَ مَنۡ یَّقۡتُلۡ مُؤۡمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهٗ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِیۡهَا وَ غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیۡهِ وَلَعَنَهٗ وَاَعَدَّلَهٗ عَذَابًا عَظِیۡمًا** (سورة النساء۔آیت٩٤)آنکه بکشد مومنی را دانسته پس کیفرش جهنم است وبمدت دراز درآن خواهد ماند وخدا از او ناخوشنود شود و او را از جناب خود دور انداخته وبرایش عذابی بزرگ تهیه کند۔

علت اصلی پراکندگی وضعف درمسلمانان نافرمانی از آنحضرتﷺ وانکارازمسیح ومهدی است

اینك اینها میکشند همدیگر را دراثر تهییج از طرف رهبران فتنه گرو برانگیزنده واکثریت آنها را رهبران دینی تشکیل میدهند۔ اینهمه فتن، زد و خورد، قتل و غارتگری و این شعار که قتل کنید ثواب برید ، بهشت را وارث خواهید شد، را منشأ اینهایند درحالیکه خدابرای اینکارها جهنم قرار داده ولعنت میفرستد۔

در پاکستان،بنگله دیش ودیگر کشورها احمدییان نیز کشته میشوند، اینهایند که با تطمیع بهشت بکارهای جهنمی تشویق مینمایند۔بهرصورت من میگفتم که این کردار مسلمانان است که به انتفاع دشمن آنها تمام

شده وبرتوان مسلمانان میکاهد و عقل این مسلمانان بجای نمیرسد ـ البته اینکه پیدا است این عقل رفتگی و مایهٔ عذاب بدینعلت است که از فرمان آنحضرتﷺ عدول کرده و حاضر نیستند قبول کنند و نه بدینسو روی میآرند و مسیح و مهدی را تکذیب میکنند۔ تنها وسیله دعا است دربارگاه الهی وآن هراحمدی باید بجاآرد۔ بدینسومن درپیش نیزتوجه را جلب نموده بودم که خدایتعالی به اینهاعقل وادراک دهد و اینهاآلت دست منافقان و دشمنان شده اسلام را بدنام کننده و گردن زننده همدیگرنباشند۔

باری هرگاه دشمنان اسلام بطریقی دست بتلاش ذلت ورسوایی این مسلمانان میزنند،احمدی بهرحال دردمندمیگردد۔زیراآنها منسوب به پیغمبرمحبوب ماحضرت محمدمصطفیﷺ میشوند یا داعیهٔ منسوب بودن را دارند۔البته دراینمورد شکی نیست که عدهٔ کثیرازین مسلمانان بی راه ناشی ازکم علمی خود بدنبال فریب سخنان این رهبران وعلماء دست بچنین حرکات وافعال نامناسب میزنندکه با اسلام واسطهٔ ازدورا دور هم ندارد۔خدایتعالی ادعیه مارامستجاب نموده این گروه مردم را از چنگ این علماءمصطلح نجات دهد وبا ادراک حقانیت حسن تعلیمات اسلام باحرکاتی که بانگیزهٔ ناآگاهی وعدم وقوف،به نشانه جوشش محبت اسلام باعث بدنامی اسلام می شوند، دست ازین بردارند۔خدایتعالی به آنها راه راست نمایاند۔ چه بعلت این حرکاتشان دشمن را فرصت به

گفتن پرت و پلا براسلام و حملات توهین آمیزی بر ذات گرامی آنحضرت ﷺ دستیاب میشود۔

پس امروزها هراحمدی را توجه کردن به ادعیه ضروریست۔ زیرا عالم اسلام به انگیزه اشتباهات خود دچار حالت نهایت خوفناکی شده است ۔ اگرچنانچه عشق و محبت راستین در ما وجود دارد، باید که برای امت نیز به ادعیه فراوان بپردازیم ۔توجه کردن بدینسو ضرورت دارد که البته از ما قبلاً نیز رعایت کرده میآید۔

طریق اصلی دعا و حصول برکات

اما امروز من میخواهم توجه را بدینسو جلب نمایم که ادعیه را چطور بعرض رسانیم۔ این اسلوب دعا نیز به ما آنحضرتﷺ آموخته اند که بواسطۂ آن هم اصلاح احوال ماصورت میگیرد و هم میتوانیم منظر های اجابت دعا راتماشا کنیم۔

حدیثی است که حضرت عمرؓ بن خطاب میفرماید که آنحضرت ﷺ فرمودندکه دعادرمیان زمین وآسمان معلق میگرد و تا وقتیکه تو بر پیغمبر خودﷺ درود نمیفرستی هیچ یك بخش آن (برای تقدیم در بارگاه خدا) صعود نمیکند۔

(ترمذی ۔کتاب الصلوٰۃ ۔باب ما جا فی فضل الصلوٰۃ علی النبیﷺ)

این چنین حقیقت است که درمورد آن خدایتعالی خود درقرآن برایما بروشنی بیان فرموده است بصورت آیتی که اخیراً تلاوت نموده ام:

اِنَّ اللّٰہَ وَ مَلآئِکَتَہٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ۔یَآ اَیُّھَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْہِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیمًا (سورۃ لاحزاب۔آیت۵۷) براستی الله وفرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر، ای مردم که ایمان آورده اید! شمانیز بر او درود و سلام بفرستید۔

قرآن را بیشمار فرامین است که بجا آوردن آنها فرمانست و در نتیجه انجام دادن آنها مقبولان خدایتعالی خواهید شد، وارث نعمات خدایتعالی قرار خواهید گرفت،مقربان خدایتعالی خواهیدشد، از جهنم نگهداشته خواهید شد، وارد بهشت خواهید شد۔در اینجا فرمان اینست که این کردار چندان بزرگ وبالا است که خدایتعالی فرشتگان خود را نیز به انجام آن مأمور کرده است وخدایتعالی خود نیز بر پیغمبر محبوب خود ﷺ درود میفرستد۔ بنابراین، این کاریست که باانجامدادن آن شماپیروی از آنکار میکنید که کردار خدایتعالی است۔ پس چنانکه خدایتعالی دربرابر انجامدادن فرامین خود بااُجوری اینقدربزرگ مینوازدآنگاہ کاریکه خدای تعالی تکلیف به ذات خود کرده او در عوض انجامدادن آن چقدر اجر جزیل خواهد داد؟ ویقینًا درود فرستاده با دل وجان هم بحال امت بهبود آورده وهم باعث خیروصلاح ما وهم وسیله اجابت ادعیه ماقرارگیرد۔ ما را از فتن دجال حفظ خواهد داشت۔

در احادیث روایات مختلف بر مزایای درود یافت میشود۔دریك روایت آنحضرت ﷺ فرمودندکه روز قیامت از میان مردم نزدیکترین من

آنکس باشد که فرستندۂ درود بر من بیشتر از همۂ خواهد بود۔

(ترمذی ۔کتاب الصلوٰة۔ باب ما جاء فی فضل الصلوٰة علی النبیﷺ)

بازفرمودند،''آنکس که با خلوص ارادت برمن یکبار درود فرستد براو خدایتعالی ده بار درود فرستاده و او را ده درجه رفعت بخشد (و برایش ده نیکی خواهد نوشت) و ده برابر عفو نماید۔

(سنن النسائی ۔کتاب السھو۔باب الفضل فی الصلوٰة علی النبیﷺ)

حال دقت شود که شرط خلوص ارادت است۔ عده ای زیاد داعیان یا دعا طلبان مینویسند که ما بسیار دعا میکنیم و شما نیز دعا کنید، درود هم میخوانیم اما برغم مدت دراز ادعیه ما مستجاب نمیشود۔ آنحضرتﷺ به رهنمونی اینکه درود به چه طریق باید فرستاد، فرمودند: **صَادِقًا مِّن نَّفسِہٖ**۔ از خلوص ارادت بفرستید۔ هنگام درود هرکس نفس خود را بپژوهد، قلب خود را رسیدگی کند که درآن آلودگیهای دنیا به چه میزان است و توجه بفرستادن درود چقدر خالص است۔

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند:

''درود شریف بمنظور نیل به استقامت یك وسیله زبردست است ۔ بکثرت بخوانید اما نه بعنوان رسم و عادت بلکه با درنظر داشتن حسن و احسان رسول اللهﷺ وبرای ارتقای مدارج ومراتب ایشانؐ و برای پیروزی های ایشانؐ که بدنبال آن اثمار شیرین ولذت بخش بشما خواهد رسید''۔

(مجله ریویو آف ریلیجینز اردو۔ جلد۳،شماره۱،صفحه ۱۱۵)

پس دستورالعمل برای فرستادن درود شریف بدینگونۂ است ۔

سپس ایشانؑ میفرمایند:

”(ای مردم!) درود بفرستید بر آن نَبی محسن که مظهر صفات خداوند رحمان ومنان است ـ زیرا احسان را عوض احسان است ودرآن دل که احساس احسانات ایشانؑ نیست آن یا اصلاً فاقد ایمان است و یا اینکه آن در پی نابودی ایمان است۔ بارالها! درود بفرست بر آن رسول و نَبی امّی که آب نوشاند هم آخرین را بطوریکه اوّلین را سیرکرده بود وایشان را دررنگ خودمُلَوَّن نموده وایشانرابه گروه پاك مردان داخل نموده بود“۔

((ترجمه ازعربی) اعجازالمسیح ـ روحانی خزائن ـ جلد۱۸ـصفحه۵ـ۶)

اگرچنانچه اینگونه خالص شده درود بفرستیدکه رنگ جماعتی نیز پدیدآیدآنگاه درودیست که آن اثرات خودرانیزحتماًنشان میدهد۔ آنها که میگویند درود مؤثر واقع نمیشود برآنها این امر از روی این حدیث و کلام حضرت مسیح باید آشکار شده باشد که هیچگاه از فرستادن درود نباید ستوه گردید بلکه نفس خود را باید پژوهید۔ آنحضرت ﷺ فرمودند، آنکه برمن درودنفرستد اوسخت بخیل است و به انگیزه این بخل او به علاوه اینکه بارگناه برخودمیگیرد درعین حال ازفضلهای خدایتعالی نیزبی بهره میگردد۔ بطوریکه ما دانسته ایم، خدایتعالی بر فرستندهٔ درود یکباره ده بار درود میفرستد۔

(جلاءالافهام۔ صفحه۳۱۸۔ مراجعبه سنن النسائی)

این طرز معامله به حصول دستیاری خدایتعالی آنقدرجالب است که هم صحابه آنحضرتﷺ وهم صحابه حضرت مسیح موعودعلیه السلام

همه ادعیه را کنارنهاده فقط درود فرستادن را برگزیده بودند۔

بمصداق روایتی دیگر آنحضرتﷺ فرمودند،این یك کج خُلقی و مایۀ عدم اعتماداست که نزدفردی من یادکرده شوم واوبرمن درود نفرستد۔

(جلاء الافهام صفحه ۳۲۷۔مطبوعه۱۸۹۷۔امرتسر)

حضرت ابوبکرصدیق رضی الله عنه فرمود،"درود فرستادن بر آن حضرت ﷺ را فضیلت فزونتراز آزادکردن گردنها است و صحبت داشتن با ایشانؐ افضلتراز جان دادن درراه خدایتعالی یابجاآوردن جهاد است۔"

(تفسیردرّمنثور۔مراجعه تاریخ خطیب وترغیب اصفهانی۔
راجعه درود شریف۔صفحه۱۶)

حال این جهادهای مصطلح که امروزها حرب کرده میشود بعنوان هم جدل با اغیاروهم با زدن گردنهای همدیگر،کسی از این علماء بپرسد، شماکه احساسات این مسلمانان بیسواد ونادانان را برانگیخته (که بعلت جوشش دینی خیالی خودباظهار غیرت اسلام حرکاتی ناصواب انجام میدهند) واینها را غلط رهنمائی میکنید این کدام یك اسلام است؟درحالیکه تعلیم اسلام اینست که باشنیدن کلمات ناشیرین نسبت به آنحضرت ﷺ،در مقابل آن شمابه محاسن ایشانؐ تذکردهید۔برایشانؐ درود بفرستید۔ اینکار افضلترین جهادو نیکوتراز جان دادن است که توجه را بسوی ادعیه ودرود بپردازید ودرحین این عصر که عصرحضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام است برضرورت این امر بیشتر میافزایدکه بجای پیش گرفتن راه تشددبرادعیه و درود طرح کرده وهمزمان به تصحیح خویشتن بکوشید۔

نفسهای خود را بپژوهید که ما تا چه حدی باآنحضرتﷺ محبت کنندگان هستیم ۔ مباد این جوشش موقتی باشد که بعلت بهره برداری برخی گروه ها ما را نیز دربر میگیرد؟

پس بایدازجائیکه ماتوجه را به اصلاح خود میپردازیم اگر چنانچه میتوانیددرجوارخودبمسلمانان حتّماًبفهمانیدتاراه تغلط پیش نگیرند۔ بلکه راهی اختیارکنند که خدایتعالی و رسولش آنرا دوست دارند وآن راه برایماگفته شده است وآن اینست که آنحضرتﷺ فرمودند،اگرآرزومند خوشنودی من هستید،میخواهید وارد بهشت شوید، پس درود بر من بفرستید۔

در روایتی است مروی از حضرت عبدالله بن مسعودؓ که آنحضرت ﷺ فرمودند،''آنکه برمن درود نمیفرستد او را هیچ دینی نیست''۔

(جلاء الافهام ۔ مراجعه محمد بن حمدان مروزی)

سپس درموقعی ایشانؐ فرمودند:

''خدا رابکثرت یادکردن وفرستادن درود بر من وسیلۀ رد عسرت است ۔''

(جلاءالافهام ۔فصل الموطن السادس والعشرون من مواطن الصلٰوة علیهﷺ عنداِلمام الفقر اوخوف وقوعه)

اینک درحال حاضر تنگی رزق و سختیهای روزگار که برمسلمانان وارد میآید، جهان غرب برای خود مبادی اخلاق سوا وبرای کشورهای اسلامی سوا قرارداده اند، نیکوترین راه حل این مساله اینست که درود فراوان بر

آنحضرتﷺفرستاده و از آن برکات کسب فیض شود که خدایتعالی به خواندن درود اختصاص است۔

روایتی است (قسمتی چند از آن در پیش نیز گفته شد) تفصیل آن جای دیگرنیزمیآید۔مروی است از حضرت انس رضی الله عنه که آنحضرتﷺ فرمودند،"روز قیامت هنگام هر مرحلۂ هولناك آن از میان شما نزدیکتر من آنکس خواهد بود که در دنیا بر من درود زیادتر از همه فرستاده خواهد داشت۔"

(تفسیر درّمنثور۔مراجعه شعب الایمان للبیہقی وتاریخ ابن عساکر)

اکنون کیست که نمیخواهد که روزقیامت او درقربت آنحضرتﷺ جا داده شود و دامن آنحضرتﷺراچنگ زده هرجاخطرناکی راعبورکرده داشته باشد۔یقیناًهرکس از عقوبت خدایتعالی نجات میخواهد۔پس این طریق است نایل شدن به هدف نجات و قربت آنحضرت ﷺ که ایشانؐ برای مامطرح نموده اند۔پس باید اینکه درود هرآن مرکوز خاطرهرمومن شده وبااستفاده هریك فرصت درود فرستاده شود۔

روایتی است مروی از حضرت انس رضی الله عنه که آنحضرتﷺ فرمودند،"آنکس که روزی هزار باربرمن درود فرستد اورتبۂ بهشتی خود رادرهمین دنیا رویت خواهدکرد۔"

(جلاء الافهام۔مراجعه ابن الغازی وکتاب الصلوٰة علی النبی لأبی عبدالله المقدسی)

پس تغییراتی که با برکات درود شریف پدید آید آنها حیات این دنیا را نیز مبدل به بهشت خواهد نمود و همین افعال و نیکیها و تغییراتی پاک که این عالم را مبدل به بهشت گرداند همزمان برای جهان دیگر نیز وارث قرارداده خواهندداشت۔

مروی است ازحضرت عبدالله بن عمروؓبن العاص که ایشان شنیدند حضرت نَبیﷺ را که میفرمودند:

”چون اذان مؤذن بگوش شما برسد شما نیز همان کلمات راتکرارکنید که اومیگوید۔ سپس درودبرمن بفرستید۔آنکه درودبرمن فرستاد خدای تعالی براو ده برابررحمت خواهدفرستاد۔برای من از خدا وسیلۂ بخواهید که این رتبه ای از جمله مراتب بهشت است که از میان بندگان خدا به یکی خواهد رسید و امید دارم که آن من خواهم بود۔ هرکه ازخداوند برای من وسیلۂ خواست برایش شفاعت حلال گردد۔“

(صحیح مسلم ۔کتاب الصلوٰۃ۔باب استحباب القول مثل قول المؤذّن لمن سمعه ثم یصلی علی النبیﷺ)

پس دعای که بدنبال اذان است هراحمدی آنرا باید از برکرده و به خواندن آن عادت کند۔ اهمیت فرستادن درود و مزایای درود واضح گردید۔اما بعضیها این سؤال نیز مطرح میکنندکه درود چطور بفرستند۔ گروهها درود های گروهی درست کرده اند۔ اما دراینمورد حدیثی است:

حضرت کعب عُجره رضی الله عنه نقل میکند که ماعرض کردیم که یا رسول الله! برای فرستادن درود بر شما ما میدانیم اما درود برشما چطور

بفرستیم۔ فرمودند، بگویید که **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ۔ وَبَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ۔**

(صحیح ترمذی۔ ابواب الوتر۔باب ما جاء فی صفة الصلوٰة علی النبیﷺ)

پس شیوه اینست۔ البته نماز را درود با تفصیل بیشتری است۔

سپس دراینمورد حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام درنامه ای به کسی بعنوان توصیه میفرمایند:

''درنمازتهجدواورادمعمولی مشغول باشی۔تهجد رابرکات فراوانست ۔ بیکاری هیچ چیزی نیست۔ بیکاروسهل انگارهیچ وزنی ندارد۔ وقال الله تعالٰی، **وَالَّذِیْنَ جَاهَدُوْا فِیْنَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا**(سورة العنکبوت۔آیة.۷۰)۔ درود شریف همان بهتراست که از زبان مبارك آنحضرتﷺ درآمد وآن این است: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی آلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ۔ اَللّٰهُمَّ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ وَعَلٰی آلِ اِبْرَاهِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ۔**

فرمودند،''کلماتی که از لسان پرهیزکاری درمیآید حتماً درآنها بقدری برکت میباشد۔ پس باید این خیال پیش چشم داشت آنکه سردار پرهیز

کاران وسالارانبیاءاست کلماتی که ازلسان اودرآمد چقدر متبرك خواهد بود۔الغرض ازجمله اقسام درود این یکی درودشریف مبارکتر است۔

(درود را اقسام گوناگونست واز میان آنها همین یك مبارکتراست)" این یکی درود وردِاین بنده است وتحدید شمارش ضروری نیست۔ باخلوص و محبت و حضور قلب و تضرع باید خواند وتا آن غایت باید خواند که حالت رقّت، بیخودی وتأثر پدیدشود و در سینه انشراح و ذوق پیدا آید۔"

(مکتوبات احمدیہ۔جلداوّل۔صفحه۱۷-۱۸)

پس این درودیست که مادرنماز میخوانیم۔بطوریکه گفتم حداکثر ورد باید برهمین یك تمرکزیابد۔حضرت مسیح موعود علیه الصلوٰةُ والسلام فرمودند به تعداد نباید نگریست۔

درحدیث عدد هزاریاد شده است۔اینرا مطلب است هرچه فزونتر است توان خواند۔اماحضرت مسیح موعودعلیه الصلوٰةُ والسلام نیزبه بعضیهاتعداد گفتند۔ یکی را بخواندن هفت صد باریا هزاروصدبارگفتند۔ پس این فرمان فراخور شرایط و معیار فردی تغییر میکند۔ بهرتقدیرما این درود باید بخوانیم۔برای اینست که من گفته بودم که ازآنجمله ادعیه جشن صد ساله همراه با خواندن این دعای الهامی حضرت مسیح موعودؑ **سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ ۔ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ**، بعلاوه درود شریف کامل نیز خوانده شود ۔ زیرا درود شریفی که آنحضرتﷺ خود خوانده بودند ماباید آنرا مشمول ادعیه خود

قرار دهیم۔ اما بطوریکه حضرت مسیح موعودؑ فرمودند با آنقدر استغراق بخوانید که چگونگی ویژۂ فراگیرد و چنانکه اینطوری باشد وارث فضلهای خدایتعالی قرار خواهید گرفت۔

پیروزیها فقط و فقط بواسطه دعا امکان دارد

این عصر که عصر آخرین است، عصری که فتوحات اسلام وابسته به آنست و این فتوحات همۂ ما میدانیم با تیغ یا توپ و تفنگ و شلیك گلوله قرار ندارد بلکه مهمترینِ تجهیزات دعا است و ابزار دلائل و براهین است که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام مُجهز باآنند و ظفر اسلام انشاء الله منوط به برگزیدن همین طریق است۔ و برای استجابت دعا و حصول قربت الهی و برکات، خدایتعالی به ما گفته است و ما از این آیت دانسته ایم که درود بر نبی ﷺ بفرستید و از روی حدیث نیز عالم شده ایم که اینهمه امکان پذیر نیست بجز فرستادن درود بر آنحضرت ﷺ و حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نیز همین امر را در میان نهاده اند که رتبه ای که من به آن نائل شده ام برپایۂ فرستادن همین درود دست داده است و این درمورد فتوحات آینده نیز نقش ویژۂ دارد۔ راجعبه این رتبه منیع که خدایتعالی ایشانؑ رابعنوان مسیح و مهدی عنایت کرد ذکراز الهامی آورده میفرمایند: "الهامی پس ازین بدین منوال است: **صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ وُلْدِ اٰدَمَ وَ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ**۔ و درود بفرست بر محمدؐ وآل محمدؐ که سردار فرزندان آدم و خَاتم الانبیاء است ﷺ۔

این اشارهٔ یست بدین امرکه اینهمه مراتب، تفضّلات وعنایات از واسطۀ او و در ازاء محبت اوست ۔سبحان اللہ آن سرور کائنات را مراتب در حضرت احدیت چقدر اعلای و چه نوع قربتی است که مُحِبش محبوب خدا و خادم اومخدوم جهان میشود (یعنی دنیاخدمتکارش میگردد) ۔ ۔۔۔۔۔۔۔۔۔"اینجا بخاطرم آمده که شبی این بنده درود شریف با آن کثرت خواندکه دل وجان معطر گردید۔همین شب درخواب دیدم (فرشتگان) مشك های نور بشکل آب زُلال در منزل این بنده میآرند و یکی از ایشان گفت که این همان برکات است که بسوی محمّد فرستاده بودی ۔ﷺ۔

وقصهٔ دیگری شگفت انگیز نیز بخاطر آمده که یك مرتبه الهام شد که معنای آن بدین ترتیب بود که"سُکان ملاء اعلٰی در حال خصومت اند یعنی اراده الٰهی برای احیاء دین در حال جوشش است۔اما هنوز بر ملاء اعلٰی تعیین شخص محیي(احیاء کنندۀ)روشن نشده است۔ برای این با اختلاف روبرو اند۔ درهمین اثناء در خواب دیدم که مردم بتلاش یك مُحیي در حال حرکت اند و فردی روبروی این بنده آمده وبا اشاره گفت: **هَذَا رَجُلٌ يُّحِبُّ رَسُولَ اللهِ** یعنی این چهره ایست که با رسول الله محبت دارد و این سخن را مطلب بود که برای این رتبه شرط اعظم محبت رسول است که آن در این چهره متحقق است (موجوداست) ۔

”وبهمین ترتیب در الهام فوق الذکر حکم درود بر آل رسول که است پس درآن هم سِرّ همین است که در افاضه انوار الٰهی محبت اهل بیت نیز به حد نهایت عظیم دخیل است وآنکه به زمرۂ مقربان حضرت احدیت داخل میشود او از همین طیبین و طاهرین ارث یافته و در جمله علوم و معارف وارث ایشان قرارمیگیرد۔“

(براهین احمدیه ۔ مجموعه چہارجزو۔حاشیه درحاشیه ۔ شماره ۳ ۔ روحانی خزائن ۔جلد۱۔ صفحه ۵۹۷-۵۹۸)

برای باز یافت عظمت از دست رفته اسلام الزام آور است که کوشش با شرکت در جماعت مسیح موعود انجام داده شود:

پس حالا احیاء دین، بازیافت شأن و شوکت از دست رفته اسلام ، قیام به دفاع توقیر آنحضرتﷺ با پیروی ازآن جرّی الله که خدای تعالی خود او را مبعوث کرد و فراگرفتن آن براهین و دلائل که او وَر داد وعمل کردن برتعلیمات او،پرچم اسلام وآنحضرتﷺ باآب وتاب تمام و شأن و شوکت باکمال در سراسر جهان به اهتزاز درآمده و پیوسته ادامه خواهد داشت ۔

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ضمن بیان اهمیت این روزگار و برای جلب توجه مردم میفرمایند،مجمل کلام اینست که این ایام عرصۂ را بر اسلام تنگ گرفته است۔برای اینست که خدایتعالی

سلسلۂ ی را تشکیل داد که عظمت از دست رفته را باز خواهد آورد۔
بنابراین به مسلمانان فرمود که سرسختی را ترک کرده و فکر کنید که آیا
خدایتعالی با وجود چنین شرایط حکم فرما که حملات از هر سو بر ذات
گرامی آنحضرت ﷺ آورده میشود به برقراری عزت و احترام ایشانؐ به
جوشش نیآمد درحالیکه او خود درود میفرستد؟

مُقتَبَس کامل بدین ترتیب است که فرمود:

"این عصر چقدر بابرکت عصری است که خدایتعالی دراین ایام پرآشوب
محض بفضل خود باظهار عظمت آنحضرتﷺ این اراده فرخندۂ فرمود
که نصرت اسلام را از غیب سامان داده و سلسله ای تشکیل داد۔ من
میخواهم از این گروه مردم بپرسم که در دل خود اسلام را درد مندند و
عزت و احترام آن در دلشان جا دارد، بگویند آیا هیچ عصری دشوارتر از
عصر کنونی بر اسلام گذشته که در حین آن اینقدر سِبّ و شَتم وتوهین به
آنحضرت ﷺ وهتاکی قرآن مجید کرده شده باشد؟ پس افسوس میخورم
بحال مسلمانان وآزرده خاطرمیشوم وگاهی دراثر این رنج بی قرار میشوم
که در اینها حِسّ به این میزان هم باز نمانده تا این بی عزتی را محسوس
کرده باشند۔آیا خدایتعالی به عزت آنحضرت ﷺ هرگز منظور نه داشت
تاباوجود اینقدر سِبّ وشَتم اویکی سلسله آسمانی تشکیل داده ودهن های
مخالفان اسلام را بسته وعظمت و پاکیزگی ایشانؐ را میگسترید؟چنانکه
خدایتعالی خود و فرشتگانش نیز برآنحضرتﷺ درود می فرستند، در این

هنگام توهین آمیز، اظهار این صلوات چقدر ضروری است ظهورش را خدایتعالی بصورت این سلسله مبادرت نموده است۔“

(ملفوظات۔جلد۳۔صفحہ۸۔۹۔چاپ جدید)

این جمله رادقت کنید،جماعتی که خود را منسوب با حضرت مسیح موعود میگردانید چقدرعهده داری سنگین بردوش شماست۔

پس در این هنگام چون برخلاف آنحضرت ﷺ طغیان بدخویی روی آورده است یقیناً فرشتگان خدایتعالی برایشانؐ درودمیفرستند ۔ماکه خود را به سلسله عاشق صادق آنحضرت ﷺ وامام زمان وجماعت اوپیوند زده ایم، تکلیف ما نیز است که ادعیه خود را در درود شریف قالب کنیم و درود را با صفای باطن در فضا آنقدر بگسترانیم تاهرذرۂ فضاءبا رایِحَہ آن معطرگردد وادعیه ما بواسطۂ درود دربارگاه خدایتعالی باریافته مستجاب گردد۔اینست طریق اظهارمهرومحبت که ماباید با ذات آنحضرت ﷺ و آل ایشانؐ داشته باشیم۔خدایتعالی به امت مسلمه عقل دهد،فهم دهدتا فرستادۂ خداراشناخته وبجماعت آن فرزند روحانی آنحضرتﷺدرآیند که مجدداًفضاءصلح ،امن ومهر رادردنیا پدید آورده و به رتبه آنحضرت ﷺترفیع میدهد۔خدایتعالی این مردم را عقل دهدبااینکه با آنحضرت ﷺمنسوب اند ببینیدکه امروزدرماه محرم بعداز هزاروچهارصدسال در همان خاك مسلمان خون مسلمان میریزد،اما هرگز درس عبرت نگیرد و آن خون پیوسته میریزد۔ خدایتعالیٰ به اینها عقل دهد تا دست از اینکار بردارندوخداترسی رادر قلوب خود جاداده و روح تعلیمات راستین اسلام

را درخودمنعکس نمایند۔این جنبه کرداربعلت عدم شناسایی امام زمان و شانه خالی کردن از فرمان آنحضرتﷺ است۔

پس حالا تکلیف هراحمدی است، تکلیف بسیاربزرگی چون اوامام زمان را شناسائی کرد، که از روی احساس محبت باآنحضرتﷺ درود فراوان بخوانید، به ادعیه بپردازید هم برای خودتان و هم برای سایر مسلمانان تا خدایتعالی امت مسلمه را ازتباهی نگهدارد۔

محبت آنحضرتﷺ اقتضاء دارد که ما امت مسلمه را درادعیه خود بسیارجادهیم۔نیات بیگانگان درست نیست۔ناپیدا است هنوز اینکه مسلمانان را به کدام مشکلات وآزمایشها و مصایب دچار و مواجهه با آنها شدن است و چه نوع برنامه ها برخلاف آنها توطئه کرده میشود۔ خداوند ترحم کند۔

خدایتعالی مارا همیشه به پیمودن راه راست رهنمونی نماید۔ بندگان سپاسدار او باشیم و سپاس داشته باشیم که او ما را برای گرویدن به امام این زمان توفیق داده وحالا بحق گزاری آن نیزتوفیق عطا فرماید و همیشه جوینده خوشنودی خودقراردهد۔

خطبۂ جمعه

فرموده ۳مارس ۲۰۰۶ ۔ مسجدبیت الفتوح۔ لندن ۔ بریتانیا

☼☼حضرت مسیح موعودعلیه السلام را به نسخ جهاد، تغییر دادن احکام اسلامی و پایان دادن تعلیمات آنحضرتﷺ و مدت زمان ایشانؑ، مقصردانستن سراسراِتّهام وبهتان بیمناکی است۔

☼☼عشق رسول اللهﷺ درقلوب ما بفضل خداوند متعال بیلیونها برابر در مقایسه به اینهائی فزونتر است که برسر ما اتّهامات و بهتان های اینگونه میزنند۔

☼☼انتشارخبری سراسر دروغین و خلاف حقیقت در روزنامه جنگ برعلیه جماعت احمدیه نسبت به پخش کاریکاتورهای به توهین آن حضرت ﷺ در روزنامۂ دانمارکی، شرارت وشرانگیزی محض است۔

☼☼درمورد افشاننده این خبردروغین من فقط این میگویم که لَعۡنَةُ اللّٰهِ عَلَی الۡکَاذِبِیۡنَ ۔خداوندگاراین بدنهادها رانشان عبرت قراردهد۔

أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ۔

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ۔ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۔ مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ۔ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۔ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ۔ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّيْنَ ۔

انتشار خبر دروغین وبی اساس درروزنامۂ جنگ راجع به جماعت احمدیه،فقط شرارت و شرانگیزیست ۔

دیروز روزنامه جنگ لندن خبری نشر کرده که آن با عقاید جماعت احمدیه تعلق دورادوری ندارد و این خبر بویژه از روی شرّ شائع کرده شده است ۔ این نه تنها متضاد با عقاید ما بلکه رویداد یاد شده با واقعیت نیز هیچ ربطی ندارد۔ هرگز بودی ندارد۔ یحتمل این خبر بدنبال خبر اینجا در پاکستان نیز نشر شده باشد و اگر دیروز نشده امروز چاپ شده خواهد بود چون این روزنامه ها به افزایش فروش برای نشر اینگونه اخبار بتعجیل اقدام میکنند۔برای افزایش توزیع دست زدن به اخلاق سیئه و شیوع سلسله دروغگویی، عادت کرده اند۔ درباره این روزنامه در پاکستان همۂ ما میدانیم گاهگاهی درمورد ماهرزه لا یی ودروغگویی میکنند۔

بتازگی روزهای گذشته در روزنامهٔ دانمارکی و درپی آن درکشور های دیگر کاریکاتورهای لغو ونامطبوع نشرکرده شد که درنتیجهٔ آن موج نهایت غم و خشم درمسلمانان برخاسته است۔ دست به اعتصابات و راه پیمایها زده میشود۔ بهرتقدیر هرچه اظهار خشونت است درصورتی که کسی مهار کنندهٔ نباشد، این سیل رامسدود کننده ای نباشد، آنرا به سمت صواب رهبری کنندهٔ نباشد، واکنشها بهمین ترتیب ظاهر میشود۔ زیرا مسلمان با هر کرداری باشد اعم از اینکه نماز گزار است یا خیر، نیکوکار است یانه،امامحاذی مسأله ناموس رسالت بسیار غیور است و جاندادن راحاضرمیشود۔دراین شرایط این خبررا نشرکردن بویژه دیروز پنجشنبه راکه امروز جمعه دراکثرنقاط برنامه ای ازسرگرفتن تظاهرات واعتصابات واظهار واکنش ازین قبیل فروچیده شده است، این مبادرت بویژه برای این بود تا به ایجاد فضاء ناشیرینی به ضدیت احمدییان کوشش کرده شود۔ این کوشش نهایت ظالمانهٔ وبه فتنه جویی است تا با بهره برداری ازین چهرهٔ حال، مسلمانان بیسواد را برانگیخته احمدییان هدف تجاوزگری قرارداده شوند۔بهرحال اینهاتلاش کنندتافرصتی را به تهیج ابله وبیسوادهای ازمسلمانان برخلاف احمدییان از دست ندهند۔

عدهٔ زیادی از شما آن خبر خوانده خواهید بود۔اماچون همهٔ نمی خوانند من آنرا برمیخوانم ۔این خبر مراجعه به کوپن هاگن انتشار یافته است۔ خبرگزارشان آقای دکتر جاوید کنول میگوید، "یکی مقام مسؤل از

اداره اطلاعات دانمارك بشرط عدم اظهار اسم و سمت خود ضمن گفتگوی بر موضوع مسأله چاپ کاریکاتورها به روزنامۀ جنگ گفت که در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۵ جلسه سالیانه قادیانیها در دانمارك برگزار شده بود که مقامات مرکزی قادیانیها درآن شرکت داشتند۔آنهنگام هیات قادیانیها بایك وزیر دانمارکی ملاقات کردند و درخلال مذاکرات بر موضوع جهاد بدو گفتند که تنها آنها علم بردار اسلام هستند“۔ بیان تااین حدکه درست است ۔ اگرچه ما بویژه بدیشان نگفته بودیم البته داعیۂ ما همین است که تنها جماعت احمدیه علمبردارتعلیمات حقیقی اسلام است ۔

در ادامه میافزاید:” پیغمبرشان میرزا غلام احمد قادیانی (علیه السلام) جهاد را منسوخ اعلام کرده است ۔“

سپس میافزاید: ”میرزا غلام احمد قادیانی احکام اسلامی را (نعوذبالله) عوض کرده است۔“(البته این سراسر اتهام و بهتان است۔ حالا جلوتر ببینید دست شرارت اورا):”برای اینکه تعلیمات و زمان محمدﷺ پایان یافته است“۔

نعوذبالله۔ روزنامه مینویسد، با باورگردانیدن قادیانیها که پیروکاران محمدﷺ فقط تاعربستان سعودی محدود اند، روزنامه دانمارکی ۳۰سپتامبر را ۱۲کاریکاتور نسبت به محمدﷺ نشرکرد که هدف اصلی آنها حمله بر فلسفۂ جهاد بود۔ آن مقام مسؤل دانمارکی گفت که تا سرآغاز ژانویه ما به این امر یقین داشتیم که داعیۂ قادیانیها صواب بود۔ زیرا تا ژانویه احدی از

کشورهای اسلامی بجزعربستان سعودی اعتراضنامۀ رسمی تسلیم نکرده بود۔سکوت او۔آئی ۔سی بریقین ما میافزود۔آن مقام مسؤل درآن دیدار نوار ویدیوی نیز بشنوانید درچه گفتگوی به زبان های دانمارکی، اردو و انگلیسی ضبط بود۔

(روزنامه جنگ لندن۔ ۲مارس ۲۰۰۶۔صفحه ۱و۳)

گویی مذاکرات باآن مقام مسؤل درسه زبان بعمل آمده بود۔

البته دروغ پادارنیست۔آنقدر بی اساس خبراست که هیچ حد و حصری ندارد۔ آقای دکترجاویدکنول شاید نماینده خصوصی روزنامه جنگ است۔ نخست خیال این بود که اودردانمارك است ۔اما اکنون معلوم گردیده که اوساکن ایتالیا است وازآنجا نمایندگی روزنامه جنگ و جیو را بعهده دارد و رسماً بطوریکه تابحال من حالی شده ام او به شائع کردن خبری راجعبه دانمارك درروزنامه،مجازنیست۔

نخستین امر این اتهام است که در ماه سپتامبرجلسه جماعت منعقد شد۔ آنجا ماه سپتامبرسال گذشته جلسه جماعت هرگز منعقد نشده بود۔بلکه باعث حضور من جلسه همه کشورهای اسکاندیناوی یکجا در سوئد برگزار شده بود و بواسطۀ ایم۔تی۔آ همگان رویت کرده بودند که ما چه سخنها گفته وچه نگفته بودیم۔

دردانمارك به پیشوازمن دریك هتل مراسم پذیرائی برگذارشد که نمایندگانی چند از روزنامه ها،مطبوعات،سایر دانشمندان و مقامات دولتی نیزشرکت داشتند۔ یکی وزیرخانم نیزآمده بود ودرآنجا ذکرازتعلیم

پر نور و امن دوست اسلام مراجعبه قرآن، احادیث و حضرت مسیح موعود علیه الصلوۃ والسلام آورده شدوهرچه درآنجادرمیان نهاده شد روشن و بارز بود۔ هیچ مورد مرموز نبود و روزنامه های آنجا نیز نشر کردند۔بلکه رویدادی چند برنامه تلویژنی آنجا هم پخش کرد ۔ و مذاکرات جداگانه ای صورت نگرفته و سخنرانی من نیز همان یکی مربوط به مراسم پذیرائی بود وبنظرم ایم ۔تی ۔آ نیزآنراپخش کرده و اگرنه،حالا پخش کنند۔

یحتمل که درخلال سخنرانی مانا به ذکر از نویسنده ، ذکرازسایر مردم نیزآمده باشد بدین عنوان که عده ای از مردمندکه باعث بدنامی اسلام میشوند وگرنه اکثریت مسلمانان اینطرح جهاد و تروریسم را دوست نه دارند۔بهرحال بهتان بزرگی برمابسته شده است که شاید یکی دروغگوترین کس هم پیش ازگفتن تأمل کند زیرا امروزها که هرسخن ضبط کرده میشود وبنقل قول از این آقا نوارویدیو در زبان اردو، لاتین و دانمارکی نیز حاضر است۔ اگرچنانچه راستگوی است آن نوارها ارائه دهد ۔ ما را نیز حالی کند۔آنگاه معلوم خواهد افتادکه حرف زننده کی وچیستند۔

من نشر کنندۂ این خبر را فقط اینقدر میگوئم که این سراسر دروغ است ولعنة الله علی الکاذبین۔

البته اوّل من به منشتر کنندۂ این خبر میگویم که این سراسر دروغ است و**لَعنَۃُ اللهِ عَلَی الْکَاذِبِیۡن** ۔ اگرراستگوئی همین کلمات را تکرارکن۔ اما هرگز نمیتوانند تکرارکنند چنانچه خداترسی به ذره ای داشته باشند۔

معمولاً اینها خداترسی کم دارند۔حتّیٰ اگر تکرار نکنند باگفتن دروغی اینقدر شدید زیر دعای حضرت مسیح موعودعلیه الصلوٰةُ والسلام وارد شده اند۔ بهرحال اینگونه حرکاتی مذموم برعلیه جماعت احمدیه درمامضی نیزانجامداده میشدندوپیوسته درجریانند۔ وهرگاه بزَعم خود خنجر زدن برپشت ما تلاش کنندخدایتعالی اینهارا روبروبانامرادیهاکرده وباجماعت احمدیه اظهارشفقت خودمینمایدتابرفضل اوفزونترمیافزاید۔

مساعی و واکنش جماعت احمدیه در مقابل فتنه کاریکاتورها۔

سر روزیکه فتنه کاریکاتورها سر بر آورد اوّل جماعت احمدیه این مسأله مطرح کرده وکوشش کرد تا آن روزنامه را از اینکار باز دارد۔ در این موردذکرمن قبلاًنیزکرده ام۔درماه دسامبر،ژانویه باز ما به آن روزنامه ها نوشته واحساسات خود راببارزابراز نمودیم ۔من آنروزها در قادیان بودم چون مبلّغ ما به روزنامه ها آنجائی نوشته بود۔مصاحبه مبلّغ مانیز در روزنامه ها انتشار یافته بود۔ آن روزنامه درپی نوشتن اینکه دراینمورد واکنش جماعت احمدیه چگونهٔ است و این جماعت بجای زد وخورد و خرابکاری دوستدارند روح اسوة حسنه آنحضرتﷺرا منعکس درحیات خود نشان دهند، میافزاید،این طرز کردار دال بر این نیست که آقای امام (مصاحبه با امام آنجابود) بعلت کاریکاتورهارنجور نشده است بلکه قلبش ازین کاریکاتورها بشدت جریح دار است ۔بلکه این آزرده خاطری بود تا

ایشان را بیدرنگ به نوشتن مقاله ای برموضوع این کاریکاتورها آماده نمود۔پس ایشان مقالۂ نوشت ودر روزنامه های دانمارکی انتشاریافت۔

پس این مایۂ عشق حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام با آنحضرتﷺ است که آن در قلوب جماعت نیزآتش آن عشق را چندان مشتعل نمود که دراروپا احمدییان که ازمسیحیت وارداحمدیت یعنی حقیقی اسلام شده اند،ایشان نیزبااین عشق ومحبت سرشاراند۔

چنانکه متن مصاحبه یکی احمدی مسلمان ماآقای عبدالسلام میدسن در روزنامه ونستربلادت درتاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۰۶نشرشد۔چون مصاحبه بسیارطول داردپس بخشی چند ازآنرا برای شما برمیخوانم۔

ترجمۂ آن عبارت ازاینست که آقای میدسن افزود که نخست وزیر دانمارك بایدباسفیران کشورهای اسلامی به مذاکرات بنشیند۔ زیرا مردم با دیدن این کاریکاتورها بخشم میآیند۔اگر نخست وزیر با سفیران کشور های مسلمان بگفتگوی نشته بود بدو معلوم میافتاد که این مسأله چقدربا اهمیت بود و چه نتایج را میتوان درپی داشته باشد۔ پس واکنشی که رو نهاده این بعینه همانست که من بدنبال اشاعت این کاری کاتورها تصور میکردم۔ چه نبی کریم ﷺ برای هر مسلمان در هر پهلو و شعبه حیات او الگویست۔ وقتی حملۂ توهین آمیز بر ذات مُنیف با این رتبه آورده شود این امربرای هریك مسلمان رنج آورواو اندوهناك میشود۔

آقای عبدالسلام میدسن میگوید که روزنامه یولندپوستن را با منتشر کردن این کاریکاتورها چه بحاصل آمد۔در ادامه میافزاید که به آقای میدسن نیز از نشر کاریکاتورهای نبی کریمﷺ رنج رسیده است۔باز افزود، آقای میدسن گفت که درباره سیمای آنحضرتﷺ تفصیل بفروانی یافت میشود که چهرۂ مبارك ایشانؐ چگونۂ بود۔بازنوشت، این اقدامی زشت و بچگانه ایست۔

سپس ایشان نوشت که قانون توهین در دانمارك موجود است۔ بخیالم در پیش این نیاز نداشت۔ اماکنون بنظرم به انسداد این آشوب اجرای این قانون ضروریست۔بازمیگوید، باتوجه به توهین آنحضرت ﷺ، این معامله مربوط به خدا است او خود مجازات خواهد کرد۔ پس ببینید که یکی احمدی مسلمان اروپائی درمعتقدات خود چقدراستوارتراست۔

پس واکنش ما در مقابل این اقدام دردناك راجعبه آنحضرتﷺ اینطور قراردارد۔

عشق مسیح موعودعلیه السلام باآنحضورﷺ

عشق رسول درقلوب مابفضل خدایتعالی بیلیون ها برابر بیشتر از این گروه مردم است که بر ما اینگونه اتهام و بهتان مینهندو اینهمه در قلوب ما بسبب حسن تعلیمات آنحضرتﷺ قرار دارد که عکس برداری آنرا حضرت مسیح موعود علیه الصلوۃ والسلام انجامداده اند۔حضرت مسیح موعود علیه السلام آنرا با زیبایي وفرهی بکمال نشانداده اند۔ هیچ

احمدی جرأت بگفتن اینرا ندارد که نعوذباللہ رتبه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بالاتر از آنحضرتﷺ است۔ حال حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام در عشق آنحضرتﷺ اینطور بود که با خواندن شعر حسّان بن ثابتؓ چشمان ایشانؑ اشکبار میشد۔ آن شعر اینست:

كُنْتَ السَّوَادَ لِنَاظِرِیْ فَعَمِیَ عَلَیْكَ النَّاظِرُ

مَنْ شَاءَ بَعْدَكَ فَلْیَمُتْ فَعَلَیْكَ كُنْتُ اُحَاذِرُ

(دیوان حسّان بن ثابتؓ)

تَوکه سواد دیدۂ من بودی که پس از وفاتت نابینا شد۔ حال پس از تو هرکه خواهد بمیرد۔ ترسم تنها وفات توبود۔ حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام میفرمودند، ای کاش این شعر من گفته بودم۔ پس بدینگونه کس گفتن که نعوذباللہ که خود را بزرگتر ازآنحضرت ﷺ میدانست یا پیروانش اورارتبه بالاترازآنحضرتﷺ میدهند نهایت اتهام هولناکیست۔ ما را هر قدم مخموری ایشانؑ بعشق آنحضرتﷺ دیده میشود۔ یکجافرمودند:

اُس نور پر فدا ہوں اُس کا ہی میں ہوا ہوں

وہ ہے میں چیز کیا ہوں بس فیصلہ یہی ھے

فدای آن نور ام، تنها ازآن او شده ام، او هست من چیزی نیستم بس نهایت همین است ۔

(آریه های قادیان وما ۔ روحانی خزائن ۔ جلد.۲ ۔صفحه ٤٥٦)

آنکه همۀ مایملک خود را فدای آن نور مینماید بدوگفتن که نعوذ بالله درمقابلش رتبه آنحضرتﷺکمترشده و اینکه مرتبه میرزاغلام احمدقادیانی ارتقاء یافته است و نزد احمدییان حضرت میرزا غلام احمد قادیانی علیه السلام آخری پیغمبر است و میگویند خیلی خوب، چنانکه عقیده ما اینست که ایشان آخری پیغمبراست پس ما به روزنامه رخصت میدهیم که نعوذبالله کاریکاتورهای آنحضرت ﷺ بسازند **اِنَّالِلّٰہِ وَ اِنَّا اِلَیۡہِ رَاجِعُوۡن ولَعۡنَۃُ اللّٰہِ عَلَی الۡکَاذِبِیۡنَ** ۔ سخن نهایت بچگانه ایست که آنهابگفته ماوتنها دراین انتظارنشته بودند که ماکه شمارصدی چند را تشکیل میدهیم به آنها رخصت دهیم تا کاریکاتورها نشرکنند۔این روزنامه اردوباید هنگام چاپ خبرپیرامون خود را هم بنگرد۔

دول کشورهای اسلامی دستخوش نیرنگ ملاهای غرضران و دیگرعوامل نشوند

دولت دانمارك بیچاره که شاید به این میزان دور از عقل نباشد، البته این نویسندگان وشائع کنندگان بهرحال مسلوب العقل دیده میشوند ودر قلوب آنها جز فتنه انگیزی چیزی دیگرهرگز پیدانیست ۔ مقصود این خبرنیست مگربرانگیختن وخشمگین کردن مسلمانان۔ زیرا مسلمانان بدین نام به جوشش میآیند۔ بنابراین درکشورهای اسلامی از قبیل بنگله دیش، اندونزی و پاکستان که مخالفت احمدییان درآنها مرکوز است

دامن به آشوب بیشتری زده شود۔ ویحتمل که بدیں بهانۂ دراین کشورها برخی غرضرانان دست زدن به تهیج مردم برعلیه دول آنها شروع کرده باشند۔چه معمولاً مشاهدات ما حاکی از اینست که آشوب سربرآورده برعلیه احمدییان عاقبت به زیان دول تمام میشود۔پس دول این کشورها نیز بایدعقل کرده و دستخوش نیرنگ ملاهای غرضران یا دیگرعوامل قرارنگیرند۔ با توجه به رتبه آنحضرت ﷺ که نزد ما است ، شعرهای که حضرت مسیح موعودعلیه الصلوة والسلام خوانده بودند ازآن دیده و مقایسه کرده شدوآن رتبه درقلب هراحمدی چقدراست اونیك میداند۔ این مسأله رادر خطبات گذشته درمیان نهاده بودم۔دراینمورد خطبات ایرادکرده ام۔ ما اظهارناراحتی کرده وپیوسته مینمائیم۔ درسراسرجهان بیانیه های ما بعنوان اعتراض نشرشده اند۔ مصاحبه مطبوعاتی مانیز شائع شده است۔ واینهمه اقدامات ما به رخ کسی نکشیده ایم یا بخاطر کسی یا ازروی ترس مسلمانان ننموده ایم۔ بلکه این جزوایمان ما است وباگسیختن تعلق خود باآنحضرتﷺ حیثیت ما هیچ باقی نیست۔ در اینمورد چند مقتبسات حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را برخوانده این موضوع راروشنترمینمایم۔

مجمل تعلیمات حضرت مسیح موعود علیه السلام

ایشانؑ میفرمایند:

"لُبّ لُباب دین ما اینست که **لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ**۔ اعتقاد ما که در حیات این دنیا داریم، متسمك به آنکه بفضل وتوفیق باری تعالی از این عالم گزران کوچ خواهیم کرد اینست که حضرت سیّدنا و مولانا محمد مصطفی ﷺ خاتم النبیین و خیرالمرسلین هستند که بدست ایشانؐ اکمال دین شده وآن نعمت به مرتبه اتمام رسیده که بواسطه آن انسان راه راست را پیش گرفته میتواند نزد خدایتعالی برسد۔"

(ازاله اوهام ۔ روحانی خزائن۔ جلد۳ ۔صفحه ۱۶۹۔۱۷۰)

پس اینست جزو ایمان ما و اینرا به ما حضرت مسیح موعود علیه الصلوة و السلام تعلیم داده اند۔آنکس که ایمانش اینست او چطور می تواند بگوید که بلاواسطه ایشانؐ او میتواند خدایتعالی را برسد یا پیغمبری بدست آورد؟

باز ایشانؑ میفرماید:"صراط مستقیم فقط دین اسلام است واکنون زیرآسمان تنهایك نَبی است ویك کتاب یعنی حضرت محمد مصطفی ﷺ که اعلا و افضلترین همه انبیاء واتم واکمل ازهمه رسولان وخاتم الانبیاءو خیرالناس هستند که از پیروی ایشانؐ خدایتعالی یافت میشود وپرده های ظلمات دورمیشود وعلامات نجات راستین درهمین جهان نمایان می شود و قرآن شریف که مشتمل بر هدایات وتأثیرات راستین وباکمال

است که بواسطۂ آن علوم حقانی ومعارف بدست میآید و دل ازآلودگی های بشری پاك میشودوانسان ازحجابات جهل، غفلت و شبهات نجات یافته به مرتبۂ حق الیقین میرسد۔“

(براهین احمدیه مجموعه چهار جزو۔ حاشیه درحاشیه ۳۔ روحانی خزائن ۔ جلد۱۔ صفحه۵۵۷-۵۵۸)

یعنی اکنون هرچه قرار است بدست آید بوسیلۂ آنحضرتﷺ دست خواهد داد۔ ونبوت در ذات ایشانؑ به کمال رسیده و ظلمات تنها بواسطه تعلیمات ایشانؑ دور شود ونورحاصل میآید۔ و قربت خدایتعالی نیز ازآن دستیاب است، نجات حقیقی هم بواسطه آن قرار است و دل چرکینها تنها باآن تعلیمات پاك میشود که آنحضرت ﷺ آوردند۔

باز ایشانؑ فرمود،”نبی ماﷺ به اظهار راستی مجدداعظم بودکه راستی گم گشته را مجددًا به دنیا بازآورد۔ هیچ یك پیغمبر در این فخر و امتیاز همتای نبی ماﷺ نیست که ایشانؑ همۂ گیتی را فراگرفتۂ تاریکی یافت وبعد آن تاریکی با ظهور ایشانؑ مبدّل به نور شد۔ درقومیکه ایشانؑ به ظهورآمد تا آنگاه که همۂ آن ملت جُبّه شرك را از خود برافکنده و لباس توحید نپوشید، به دیار باقی نشتافت۔ و نه تنها اینقدر بلکه آن مردان به مراتب اعلای ایمان رسیده وآن کارهای صدق و وفا و یقین از ایشان بعرصۂ ظهور رسید که نظیرش درهیچ جای جهان یافت نمیشود۔ این پیروزی و اینقدر پیروزی بجزآنحضرت ﷺ نصیب هیچکدام پیغمبر نشده است۔ همین دلیل بزرگی بر نبوت آنحضرت ﷺ مکتفی است که ایشانؑ درزمانی

مبعوث و تشریف فرماشد که دهر به درجۂ نهایت ظلمات فرورفته بود و طبعاًیکی مصلح عظیم الشأن رااقتضاء میکرد۔ سپس ایشانؐ آنگاه برحمت ایزدی پیوست که صدهزارها انسان باترك شرك و بت پرستی توحید و راه راست را برگزیده بودند و حقیقیت شدن این اصلاح کامل مخصوص ایشانؐ بود که ایشانؐ قومی وحشی وضع و بهائم طبع را آداب انسانی آموخت یا بعبارت دیگر بهائم را انسان درآورد و از انسانها باسواد انسان درآوردواز انسان باسواد انسان باخدا ساخت وچگونگی روحانیت را دراو دمید وتعلق ایشان را با خدای حق پدید کرد و چون گوسفندها ذبح کرده شدند و چون مورچه ها زیرپا له کرده شدند اما ایمان را از دست ندادند۔ بلکه دروقت هرسختی قدم جلوترنهادند۔ پس بیگمان نبی ما ﷺ بلحاظ برقراری روحانیت آدم ثانی بود بلکه آدم حقیقی خود ایشانؐ بودکه بواسطه وبرکت ایشانؐ جمله فضائل انسانی بکمال رسید و نیروهای نیکو تمامانه به کارخود مشغول شد و هیچ یك فرع فطرت انسانی بی بارو برکت نماند و ختم نبوت برایشانؐ نه تنها بروجه تأخرزمان تحقق یافت بلکه جمله کمالات نبوت بر ایشانؐ به اتمام رسید و چون ایشانؐ صفات الهیه را مظهر اتم بود بنا بر این شریعت ایشانؐ صفات جمالی و جلالی هر دو را شامل بود۔ ودونام ایشانؐ محمد واحمدﷺ به همین منظوراند۔ ودرنبوت عامه ایشانؐ هیچ بخش با شائبه بخل نیست بلکه آن ازبِدایَت برای همۂ دنیا است۔"

(خطابه سیالکوت ۔ روحانی خزائن۔ جلد۲۰ ۔صفحه ۲۰۶-۲۰۷)

آموزش به جماعت احمدیه اینست که فیضان آنحضرتﷺ امروز نیز برقرار است ۔

سپس ایشانؑ میفرمایند:

”آنحضرتﷺ خاتم الانبیاء هستند ۔ یعنی پس از نَبی ما ﷺ هیچ شریعت جدیدی یا کتاب تازه ای نخواهد آمد ۔ اَحکام جدیدی نخواهد آمد ۔“ (حالا اینها میگویند که شریعت جدیدی آورده و میرزا غلام احمد را بالاتر میدانند) ”فقط همین کتاب و اَحکام برجا خواهند ماند ۔ کلمات نَبی یا رسول که در کتب من نسبت به من یافت میشود هرگز با این مقصود نیست که شریعت و اَحکام تازۀ آموخته خواهد شد ۔ بلکه منظور اینست که خدایتعالی هرگاه به اقتضای دربایست حقّه یکی را مأمور مینماید پس از اینرو که او را از مغیّبات و مکنونات قدر خبر میدهد براو کلمه نبی گفته میشود“ (باهرکس که خدایتعالی بکثرت گفتگو کند، تکلم گوید، نسبت بدو کلمۀ نبی گفته میشود ۔) ”و آن مأمور خطاب نَبی داده میشود ۔ بدین معنای نیست که شریعتی جدید معرفی میکند یا او نعوذ بالله شریعت آنحضرت ﷺ رامنسوخ قرار میدهد“ (این تهمت است که بر ما می نهند) ”بلکه هرچه ببدستش میآید مجرد از پیروی راستین و کامل آنحضرتﷺ بدو دست میدهد و بی آن حصولش هرگز امکان پذیر نیست ۔“

(الحکم ۔ ۱۰ ژانویه ۱۹۰٤ ۔ صفحه ۲)

پس چنانکه مدعی حرفی یکراست میزند که من هرچیز از او میگریم و جدا از او چیزی به حاصل نمیآید و پیروانش نیز براین عقیده استوار اند که او غلام صادق آنحضرتﷺ است آنگاه این دروغگوئیها و افتراکاری نیست مگر اینکه درمیان مسلمانان اضطراب پدید آورده شود و افراد از این قبیل اینکار پیوسته کرده میآیند۔ بعلاوه فتنه انگیزیها، آتش حسادت این گروه شیطانی (شیطان که همیشه همرِکاب است)را مدام میسوزاند و دلشان تاب نمیآرد تا پیشرفت جماعت راببینند۔ترقی جماعت چشمان آنهارا بدرد میآرد۔ حرکاتی پست هرچه میخواهندانجام دهند، اگرچه از پیش کرده میآیند و درآتیه نیز کرده خواهند داشت، افرادی با این نهاد همیشه وجود خواهند داشت، شیطان همیشه موجود است، اما با این حرکات پستی نتوان جلوی پیشرفت جماعت راگرفت۔ انشاء اللہ۔

رتبه عظیم الشأن آنحضرتﷺ درنگاه حضرت مسیح موعود۔

درباره مقام آنحضرتﷺ حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرماید:

" نور به آن درجۂ اعلای که به انسان داده شد یعنی انسان کامل را، آن در ملائك نبود، در نجوم نبود، در ماه نبود، درخورشیدهم نبود،آن درزمین، دردریاها ورودها نیزنبود،آن درلعل ویاقوت، زمرد والماس ودرمروارید هم نبود۔ الغرض درهیچ چیز زمینی وآسمانی نبود مگر در انسان بود یعنی

در انسان کامل آنکه را اتم و اکمل،اعلای و ارفع فرد سیّدومولا ی ما سیّد الانبیاء، سیّدالاحیاء محمد مصطفی ﷺ هستند۔ پس آن نور به آن انسان داده شده و برحسب مراتب به همرنگانش هم ۔یعنی به آن چهره ها نیز که تاحدی همان رنگ را دارند'' (به پیروان بمیزان ایمانشان داده شد)۔ ''و منظور از امانت انسان کامل راآن جمله قویٰ وعقل وعلم ودل وجان و حواس و خوف و محبت و عزت و وجاهت و جمیع نعمات روحانی و جسمانی است که خدایتعالی به انسان کامل عطامینماید''(جمله قوای انسان عقل،علم،وسایرحواس را عالیترین توان ومعیاربه انسان کامل رسید)'' و سپس انسان کامل برطبق آیت: **اِنَّ اللّٰہَ یَاۡمُرُکُمۡ اَنۡ تُؤَدُّوا الۡاَمٰنٰتِ اِلٰۤی اَھۡلِھَا**(۱)'' (یعنی این انسان کامل طبق این آیت که خدایتعالیٰ به شما فرمان مینماید که امانات را به اهل آنها بازدهید) ''آنهمه امانات را درجناب الهی پس میدهد یعنی دراو فانی شده در راه او وقف مینماید۔ --۔ این شأن اعلیٰ، اکمل واتم درسیّد ومولا ی ما، هادی ما نَبی امّی، صادق و مصدوق محمد مصطفی ﷺ یافت میشد۔''

(آئینه کمالات اسلام۔ روحانی خزائن۔ جلد۵ ۔صفحه ۱۶۰-۱۶۲)

پس اینهائی که خود را دلبستگان آنحضرت ﷺ میدانند وبرما اتهام می زنندکه نعوذ بالله ما حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را بالاتر

---

(۱)سورة النسائ ۔ آیت۵۹

ازایشانؐ میدانیم،اینهائیکه اهداف خودشان تنهاانتفاع واستمتاع شخصی است وبعلاوه آن هیچ، حالی کنند وکلماتی تاچه رسد به منزله آن شأن تا برابرصدهزارم آنراگفته ازهیچ کدامین ملّایان خودنشان دهندکه حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام درشأن آنحضرتﷺ فرمودند۔این کلمات گفته ازآن عاشق صادق است درتوصیف ذات با برکات آن حضرتﷺ که شمااو رادروغ پردازمیگویید۔آنکه هر حرکت و سکون او دراتباع آقای ومطاع خودحضرت محمدمصطفیﷺ قرارداشت۔این تعمق، این فهم، این ادراک درذات گرامی آنحضرتﷺ که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام نشان داده اند شما نیز از هیچ یک بخش ادبیات خود ارائه دهید۔

سپس حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند و برای جماعت همیشه تعلیم همین است وآنرا پیروی مینماید و ما با مراعات چهارچوب قوانین متحمل آن میشویم، که:

”مجمل دین ما همین است۔ اماآن طائفه مردم که بناحق ناترس ازخدا پیغمبربزرگ ماحضرت محمدمصطفیﷺرابا کلماتی ناسزا یاد میکنند و بر آنجناب اتهامات ناپاکی زده واز بدگوئی باز نمیآیند ما باآنها چطورصلح کنیم۔ من یکراست میگویم ما بامارهای زمین شور، گرگان بیابانها میتوانیم صلح کنیم اما با اینهائیکه برپیغمبرمحبوب ما که مارا ازجان خود ومادر وپدرخود نیزمحبوبتراست، حملاتی ناپاک میآرند، نمیتوانیم صلح کنیم۔

خدا مارا بر اسلام بمیراند۔ ما نمیخواهیم کاری انجام دهیم که ایمان ما از دست برود۔''

(پیغام صلح ۔ روحانی خزائن ۔ جلد۲۳ ۔صفحه ٤٥٩)

پس اینست تعلیم ما۔ این تعلیم آموختۂ ی حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام است و اینست آتش عشق آنحضرتﷺ شعله ور در قلوب ما و فهم و ادراك آن که حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام بما دادند۔پس بااینهمه باز گفتن که نعوذبالله به چاپ کاریکاتورها احمدییان دانمارکی دولت و روزنامه های آنجا را تشجیح نمودندو سپس آنهانشرکردند،پس بجزافکندن لعنت خدایتعالی برآنها،حرفی نداریم بزنیم۔

حقیقت جهاد با شمشیر

اکنون مسأله دوم اینست که جهاد منسوخ کرده شد۔اگرچه نویسنده اینرا در ردیف اوّل قرارداد اما امری مهمتراین بود که ماآنحضرتﷺ را نعوذ بالله پیغمبرباور نمیکنیم و اینکه تعلیمات ایشانؐ اکنون منسوخ شده است ۔ اینك ردیف دوم ابطال جهاد است ۔دراینموردرهبران مسلمانان خوداخیراًبعلت آنچه برسر اینهارفته بودوقدرتهای که اینها طفیلی ومُرتزِق آنهایند چون اینهارا تحت فشار قراردادند اینها بفرمانشان بیانیه ای صادر کرده اند مبتنی برآن تعریف که امروزها برای جهادکرده میشود عبارت از اینکه حرکاتی که دسته های اسلامی امروزهادست به آنها میزنند،این جهاد نیست وسراسر متضاد با تعلیمات اسلام است ۔ بیانیه های اینها در روز

نامه انتشار یافته است۔ جماعت احمدیه را از روز اوّل موضع و نظریه اینست که به اقتضاء شرایط درحال حاضرجهاد را تعطیل است و این مطلب به عینه درخور تعلیمات اسلامی است ۔

دراین باره حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند:

''نبردهای نَبی ماﷺ و بزرگ صحابه ایشانؓ یابری این بود تاخود را از تاختهای کفار حفاظت کرده شود یااینکه امن برقرارگردد وآنها که دین را با تیغ مانع میشوندآنهاراباتیغ عقب رانده شود۔اما حال کی از مخالفان تیغ را برای دین علم کند وکی از مسلمان شدن باز دارد و کی ازنماز خواندن و بانگ نماز درمساجدمنع کند۔''

(تریاق القلوب۔روحانی خزائن ۔جلد۱۵۔صفحه ۱۵۹-۱۶۰)

یعنی ازاذان گفتن کی بازمیدارد-در پاکستان فقط احمدیان را باز میدارند۔ اما با این وجود ماساکت ایم ۔ ماکه هیچگونه غوغا بپانکرده ایم۔ نمازبدون اذان هم میگزاریم ۔

سپس ایشانؑ میفرماید:

''درصحیح بخاری''(کتاب الانبیاءباب نزول عیسی بن مریم)''درشأن مسیح موعود حدیثی آشکار موجود است که **یَضَعُ الْحَرْب** یعنی مسیح موعود جنگ نکند۔ پس چقدر شگفت آور است که از سوی یك شمااز دهان خود میگویید که صحیح بخاری پس از قرآن اَصَحُّ الکتب است و

سوی دیگر در مقابل صحیح بخاری معتقد به احادیث میشوید که صریحاً منافی حدیث صحیح بخاری میافتند۔“

(تریاق القلوب ۔ روحانی خزائن ۔ جلد۱۵ ۔صفحه۱۵۹)

پس جماعت احمدیه را عقیده اینست و مطابق قرآن و حدیث است ۔ما بانگ و دُهُل میزنیم وآشکارا اعلام میکنیم، میگویم و پیوسته خواهیم گفت که اینهائیکه جهادجهاد میسرایند درپوشش آن بجزتروریسم هیچ کاری انجام داده نمیشود،این جهاد نیست و سراسر مخالف با تعلیمات اسلام است ۔

همین دیروز حمله انتهاری که درکراچی صورت گرفت، عده ای از این قبیل اندکه اسلام را بدنام میکنند۔ بعلاوه دراین نوع حملات اینها جان هموطنان بیگناه خود را نیز قربانی میگیرند۔ با انجام دادن اینگونه حرکات اشتباهی اینها خود منکر تعلیمات اسلام وآنحضرتﷺ میشوند حال احمدیها جهاد را با ابلاغ پیغام آنحضرتﷺدراکناف عالم بجامی آرند۔البته احمدییان درکوششهای تروریستی شما بنام جهاد که باعث بدنامی اسلام است نه در مامضی شرکت داشتند و نه درآتیه خواهند داشت ۔ بهرحال این نیست بجز کوششهای مذموم به بدنامی جماعت احمدیه که همیشه انجام داده همیشود ۔

درباره این خبر دروغین و توطئه چینی سهمناك برعلیه جماعت مبادرت به بازجوئی کامل نموده میشود تا مقاصد اصلی آشکارآیند۔

پس من به این روزنامه میگویم که بخاطر داشته باشند، این سر زمینی نیست که حق حاکمیت قانون نداشته باشد، مانند پاکستان که اجرای قانون منوط به تمایل یاعدم تمایل ملّاهااست واینکه داد گسترده نشود۔ احساس دادگری کمابیش در این ملل بهر حال موجود است۔ماجمله جزئیات را جمع آوری میکنیم، گزارشات درخواسته ایم۔ با انتشار این خبر مراجعبه مقام مسؤل دانمارك که با اطمینان دادن احمدییان که نعوذُبالله تعلیمات آنحضرتﷺ منسوخ شده است، ما این کاریکاتورها نشرکرده بودیم، گویی بر دولت دانمارك نیز این اتهام به اثبات میرسدکه دولت آنجا نیز در اینکار ملوث بوده است ۔ درصورتیکه نخست وزیر آن کشور خروش میزند و خیلی بار اعلام کرده است که دست به اینکار روزنامۂ زده است ۔ ما این را ناپسند داریم ۔اما بعلت آزادی مطبوعات کاری ازدست مابرنمیآید۔آزادی مطبوعات چیست وچه نیست مسأله جداگانه ایست ۔البته آنها از این انکار میکنند وبعکس این روزنامه آنها را ملوث میگرداند که دولت در این کارشریك است۔ پس دولت دانمارك نیزحق مرافعت برعلیه این خبر را دارد۔ درحال حاضرچنانکه درعالم

اسلام آتش برعلیه دانمارك مشتعل است، با نشر این خبر دروغین مراجع به آنها دامن به افزایش آن میزند ـ درپی تماس ما با مقام مسؤل اداره امنیت دانمارك او آشکارا رد کرده و میگوید که اینطور هرگز واقع نشده است و نه اینگونه خبر نزد مااست۔ البته او گفت که ما دراینمورد به بازجوئی بیشتر خواهیم پرداخت و این امر واضعتر خواهد شد۔ نخست روزنامه این خبر نشر کرد که نوار ویدیو نزد ما است ـ اما وقتی ما خود تماس پیداکردیم اکنون میگویند که نوار ویدیونیست بلکه نوارصوتی است البته بطوریکه گفتم دروغ را پای نیست اینهاحرف خود را تغییر داده خواهند داشت و روز نامه نگاری پاکستانی یا آنها که تحت تأثیر اینها قرار دارند، به همین وضع روبرواند ـ

البته من میگویم که اینکار اینسان پایان داده نمیشود۔ این اتهام سهمناکی که برما بسته شده وتوطئه ای که دراین حال برعلیه احمدییان چیده شد ما اینرا تا آن حد که رسمًا در امکان میآید انشاءالله به انجام خواهیم رساند تا به مسلمانان و حد اقل بویژه به آن مسلمانان که با شرف نفس اند، نسبت به معیار ارزشهای اخلاقی این دانشمندان معلوم گردد۔ بطوریکه من در پیش نیز گفتم ما همیشه مورد این اتهامات سهمناکی قرار داده میشویم اما همیشه این تعلیم حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام را باشکیبایی پیش نظرداریم ـ ایشان میفرمایند:

”من نیک میدانم هرچه ما و جماعت ما هستیم، تاییدات و نصرت خدایتعالی درآنصورت حال ما را شامل خواهد شد که ما بر راه مستقیم برویم و آنحضرتﷺ را به کمال و راست پیروی نمائیم، تعلیم پاک قرآن شریف را دستور العمل خود قرار دهیم وآن امور را با عمل و حال خود اثبات کنیم و نه تنها با قال۔ اگرما این طریق را پیش گیریم آنگاه یقیناً بدانید که همه دنیا همدست شده وبخواهد ما را هلاک کند، مانمیتوانیم مورد هلاک قرار گیریم چه خداوند همرِکاب ما خواهد بود“۔ (انشاءالله)۔

(الحکم۔ ۲۴ سپتامبر۱۹۰٤۔صفحه ٤)

خدایتعالی همیشه درخور این توصیه توفیق عمل کردن را ببخشد۔ خدایتعالی مدام باماهمراه باشدواین بدگوهران رانشان عبرت قراردهد۔

خطبۂ جمعہ

فرمودۂ ۱۰ مارس ۲۰۰۶ـ مسجد بیت الفتوح ـ لندن ـ بریتانیا

☼☼امروزها دسته های جهادی بلاشرایط و اختیارات مشروع با شعار و کردارجنگجویانه خود، اهل دیگر ادیان را فرصت فراهم آورده اند تاآنها با نهایت لجاجت و وقاحت بر ذات پاک آنحضرت ﷺ حملاتی بیهوده آوردند۔

☼☼آنحضرت ﷺ مجسم ترحم بودند و در سینه ایشانؐ قلبی می تپید که فزونتر ازآن یکی هیچ قلبی دیگر نمیتواند آن معیارعالی و تقاضاهای ترحم را بربیاورد که ایشانؐ انجام دادند۔

☼☼آزادی وجدان، آزادی دین و روا داری دینی را نهایت زیباودلنشین ذکر مراجعه سیرت مطهرآنحضرت ﷺ۔

أَشْهَدُ أَنْ لَّآ إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ لَهٗ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُولُهٗ۔ أَمَّا بَعْدُ فَأَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ۔

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ۔

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ۔ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ۔ مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ۔ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ۔ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ۔ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ۔

کردار بعضی از گروهای مسلمانان متضاد با اسلام، غیر مسلمانان را به حمله آوردن بر اسلام ممد و معاون قرار میگیرد۔

ایرادی که از سوی غیرمسلمانان بر ذات گرامی آنحضرت ﷺ گرفته میشود که ایشانؐ نعوذبالله دینی معرفی کردند که در آن نیست مگر سختی، قتل و غارتگری و بس و اینکه در اسلام رواداری دینی، گذشت و آزادی را تصور نیست و اثرات همین تعلیم تا امروز جزو فطرت مسلمانان قرار گرفته است۔ دراینمورد من قبلاً نیز خیلی بار گفته ام که بدبختانه بعضی طبقات و گروه ها خود از میان مسلمانان به پیدایش و پایداری این تصور ممد و معاون میباشند و اینکه بدبختانه همین معتقدات و کردار آنها در

عالم غیراسلامی بویژه درجهان غرب درباره آقای محبوب ما آنحضرت ﷺ فرصتی به اظهار نظرهای لغو، بیهوده و کثیف، فراهم آورده اند با اینکه ما میدانیم کردار بعضی طبقات وگروه ها منافی تعلیمات اسلامی و ضوابط اخلاقی است ـ تعلیمات اسلامی آنقدر قشنگ است که از حسن وزیبایی آن یکی پاك از هرگونه تعصب تحت تاثیر قرار نگرفته نتواند ماند ـ

تعلیم زیبندهٔ اسلام به حسن سلوك با غیرمسلمانان

در متعدد نقاط قرآن کریم ذکر از تعلیم زیبندهٔ اسلام عبارت از حسن سلوك باغیر مسلمانان، مراعات از حقوقشان، باآنها عدالت کردن، خود داری از اجبار به دینشان، در مورد دین راه سختی اختیار نکردن وغیره تا بسیار احکام بعلاوه اقوام خود نسبت به غیر مسلمانان، یافت میشود ـ البته در بعضی شرایط به قِتّال نیز رخصت است ـ امادرصورتیکه دشمن پیشیگیرد، نقض پیمان کند، دست بخون انصاف زند، درظلم انتهاکند یا ظلم کند ـ البته بازهم یکی گروه یاجماعت ازکشوری حق اینکار را ندارد بلکه این تصمیم گیری بعهده دولت است تا چه اقدام کند، چطور این ظلم راپایان دهد ـ نه اینکه هریك دسته جهادی برخاسته و اینکار را کردن گیرد ـ

اسوۂ عظیم الشأن آنحضور ﷺ در مقابل تجاوزگریهای کفّار مکّه و دشمنان اسلام

درعصرآنحضرت ﷺ نیزشرایط مخصوصی برای جنگ ایجاد کرده شده بودکه مسلمانان ناچار بحمله های متقابل پرداخته بودند۔ اما به طوریکه گفتم دسته های جهادی کنونی بدون شرایط واختیارات مشروع با شعار وکردارجنگجویانه خود فرصتی به اهل ادیان دیگری فراهم آورده اند وآنهاراجرأت دادتاآنهابانهایت لجاجت ووَقاحت برذات پاک آن حضرت ﷺ بابیهودگی تاخت آوردندوقبلاًنیزمیآوردند۔درحالیکه آن سراپا ترحم و محسن انسانیت وعظیم محافظ حقوق بشر را اینحال بود که در شرایط جنگ نیزفرصتی ازدست نمیدادندتابه دشمن سهولت وآسایش فراهم افتد۔ هریک کردارحیات ایشانؐ، هرآن ولمحۂ حیات ایشانؐ شاهد براینست که ایشانؐ مجسم ترحم بود ودرسینه ایشانؐ قلبی میتپیدکه قلبی فزونترازآن قادربرایفای آن معیاراعلا وتقاضاهای ترحم نمیتوان باشد که ایشانؐ درحال امن وجنگ،درون خانه وبیرون، درمعمولات روزانه و درپیمان بااهل ادیان دیگر،ایفاکردند۔ایشانؐ برای برقراری معیارآزادی وجدان، مذهب و رواداری مثل های اعلاء نصب فرمود۔ باز چون ایشانؐ بعنوان فاتح عظیمی به مکه داخل شد آنگاه بعلاوه سلوک عفو و ترحم درحق قومی مفتوح، آنها را حق آزادی مذهب هم کامل داد واین حکم قرآن رامثل اعلای بیانمودکه **لَآ اِكْرَاهَ فِي الدِّيْنِ**۔ (سورة البقرة۔ آیت۲۵۷)

که دین مربوط به دل شماست۔آرزوی من اینست که شما دین حق را پذیرا شوید ودنیاوعاقبت خودرابیآرایید،آمرزش خود را سامان دهید، اما هیچ اجباری درمیان نیست۔ حیات ایشانؐ با امثلۂ بیشمار و تابناك همردیف هم ممتلی بود۔ یك چند از میان آنها را ذکر مینمایم۔

کیست که نمیداند حیات سیزده ساله ایشانؐ پس از مدعی نبوت شدن درمکه چقدرسخت و محنت زا بود وایشانؐ وصحابه رضوان الله علیهم چقدر رنج و بلایا بردند۔ ظهر را روی ریگ داغ و سوزناك دراز کشانیده شدند۔سنگهای داغ برسینه های ایشان نهاده شد۔شلّاق خوردند زنان از میان شقه کرده شدند، قتل کرده شدند، شهید کرده شدند۔ ایشانؐ مورد مظالمی گوناگون قرارداده شدند۔ گاهی درحال سجده شکمبه ای بر پشت بدن ایشانؐ نهادندکه ایشانؐ از زیرسنگینی بارآن نمیتوانست بلند بشود۔ هنگام سفرطائف بچه هاسنگ پرتابی میکردند و زُمُخت گفته و کُلُفت میپراندند۔ اعیانشان آنها را پشتی میکردند، آنها را برمیانگیختند۔ ایشانؐ آنقدرمجروح شدندکه سرتاپاخون آلودگردید۔ خون درحال جریان ازبالا به کفش رسید۔

رویداد شعب ابی طالب۔ایشانؐ،خانواده ایشانؐ وپیروان ایشانؐ سالها محصورکرده شدند۔چیزی بخوردن نبود۔شیئی به نوشیدن نبود۔ کودکان گرسنه وتشنه باسکسکه گریه میکردند۔دراین شرایط یکی صحابی رادرتاریکی زیرپا چیزی نرم سان احساس شد وآنرا برداشت و خوردنی گمانکرده به

دهان انداخت۔ گرسنگی اینقدر به اضطرار رسیده بود۔ پس اوضاع زندگی بدین شرایط روبرو بود۔ منتها چون دراین شرایط اضطراراً مهاجرت کرده مدینه رسیدند، درآنجا نیز دشمن از ادامه تعاقب دست برنداشتند و دست به حمله زدند۔ تلاش کردند تا یهودیان سُکّان مدینه را برعلیه ایشان برانگیزند۔ درشرایطی که من اجمالاً یاد کرده ام اگرصورت جنگ پیش آیدومظلوم را نیز فرصت جواب متقابل دست دهد، فرصت به انتقام گرفتن بدست آورد، آنگاه او میکوشد تاانتقام مظالم با معامله بمثل گرفته شود۔ میگویند که درجنگ هرکار جایز است۔ اما پیغمبرمان ﷺ در این شرایط نیز رأفت و رحمت را معیارها اعلای برقرارفرمود۔ مکه را هجرت کرده زمانی چندگذشته بود ۔زخمهای مصائب هنوز تازه بود۔ ایشانؐ احساس به رنجهای پیروان خود در مقایسه به رنجهای خود زیاد میکرد۔اما بااین وجود ایشانؐ تعلیمات اسلامی و اصول وضوابط را نشکست۔آن موازین اخلاقی که جزو حیات ایشانؐ قرار داشت و جزو تعلیم بود، ایشانؐ آنهارا نشکست۔امروزها ببینید بعض کشورهای غربی با آنها که جنگ میکنند چه کار است که انجام نمیدهند۔ اما درمقایسه به این به اسوة ایشانؐ نگاه کنید که ذکر از آن در اوراق تاریخ بعنوان روایتی بدین ترتیب یافت میشود:

هنگام جنگ بدر درآنجا که لشکر اسلامی اردو زدند جا زیاد مرغوبی نبود۔ نظر به این حُبابؓ بن منذر از ایشانﷺ مسئلت کرد که جای را که

شما برای اردو زدن برگزیده ای آیا این گزینه به مصداق یکی الهام الهی است؟ آیاخدایتعالی بشما گفت یاشما خود این را پسندیدی؟آیا درنظر شمااینجا برای عملیات نظامی خوب است؟آنحضرتﷺ فرمود، این نظرم فقط ازروی حکمت عملیه جنگی بود که اینجا خوب است، جای مُرتَفَع است۔ آنگاه ایشان عرض کرد، اینجا درخور نیست۔ شما افراد را کوچ داده وچشمه آب رابتصرف درآورید۔ آنجا استخری بنا کرده و سپس بجنگ خواهیم پرداخت۔ درآنصورت ماآب خورده و دشمن آب خوردن را نخواهد داشت۔ پس ایشانؐ فرمود،درست است، بیآی نظر شما را می پذیریم۔ نظر به این صحابه راه افتادند و آنجا را اردو زدند۔ چندی بعد چند افراد اهل قریش به نوشیدن آب بر استخر آمدند و صحابہؓ کوشش کردند تاجلوآنها را بگیرند۔ ایشانؐ فرمود،خیر،بگذارید اینهاآب بگیرند۔

(السیرة النبویة لابن هشام ۔جلد۲ ۔صفحه۲۸۴ ۔غزوة بدرالکبری
مشورة الحباب علی الرسولﷺ)

اسلام نه بزور شمشیر بلکه با حسن اخلاق و تعلیم آزادی وجدان ودین دراسلام گسترش یافت۔

پس اینست اخلاق آنحضرتﷺرا معیار اعلای که بااین وجود که دشمن زمانی چند پیش آب و خوراك مسلمانان تاآنجا که برای بچه ها بسته بود، اما ایشانؐ صرف نظر کرده تا ارتشیان دشمن را که برای گرفتن آب ازجای آب واستخر که برآن ایشانؐ تصرف داشتند، دراختیار ایشانؐ

بود، آمده بودند از آب گرفتن باز نداشتند چه این حرکت فروافتاده از معیار ضوابط اخلاقی بود۔ بزرگترین ایرادها بر اسلام این گرفته میشود که آن بزور تیغ گسترانیده شد۔ اینهائی که به گرفتن آب آمده بودند به آنها زور شدن هم ممکن بود که اگر آب میخواهید شرایط ما را پذیرا شوید۔ کافران میان بسیارجنگها این روش پیش گرند۔اما نخیر،ایشانؐ اینطور نفرمودند۔ اینجا میتوان گفت که هنوز مسلمانان را یارائی کامل نبود، ناتوانی بود۔ یحتمل که ایشان به خودداری از جنگ بعنوان شمارۂ احسان کوشش کرده باشند۔ حالانکه این حرف ناصواب است۔ هر بچۂ ی مسلمانان میدانست که کافران مکه تشنه کام خون مسلمانانندو همینکه مسلمان را بینند ازچشمانشان خون میبارد۔ بنابراین به هیچ کس این خوش باوری نبود و برای آنحضرت ﷺ که این خوش باوری خارج از موضوع بود۔ ایشانؐ اینهمه را ، این سلوك مشفقانه را محض ازسر مَقام سراپا رحمت بودن ایشانؐ و پاسداری اَقدار انسانی انجام داده بودند۔ چه آموزش به شناسائی این ارزشها بواسطه ایشان مقدر شده بود۔

باز دقت شوَد بدین واقعه دشمن اسلام که حکم قتلش صدور یافته بود۔ ولی ایشانؐ اورا نه تنها بخشیدند بلکه رخصت به متمسك ماندن به کیش خودنیزعطافرمودند۔ چنانکه این رویداد بدنترتیب یادکرده میشود: عکرمه پسر ابوجهل تاعمر مثل پدر خود با رسول اللہﷺ جنگها انجام داد۔ هنگام فتح مکه نیزعلیرغم اعلام عفووامان رسول کریمﷺ اوبر دستۂ حمله

برده وباعث خونریزی درمحیط حرم شد۔نظربه جرائم جنگی خودمحکوم بقتل شده بود۔اما آنهنگام کسی تاب به ایستادگی در برابر مسلمانان نیآورده بود۔ لذا او پس از فتح مکه ببردن جان خود بسوی یمن گریخت۔ همسرش از رسول الله ﷺ به عفو او استدعا نمود و ایشانؐ بکمال شفقت او راعفو فرمودند۔ و سپس چون همسرش رفت تا خود شوهرش راباهمراه بیآرد، عکرمه را به عفو خود باور نمیآمد که من آنقدر زیاد ظلم کرده دارم،آنقدر مسلمانان راکشته بودم،تاآخر به جنگ پرداخته بودم،مرا چطورتوان عفونمود۔ بهرحال او بطریقی به شوهر خود اطمینان داده او را بازآورد۔پس چون عکرمه بازآمد،نزد آنحضرت ﷺ حضور یافته و دراین مورد تایید خواست،آنگاه رسول اللهﷺ بمناسبت آمد او با حسن اخلاق حیرت انگیزبااوسلوك فرمودند۔ نخست ایشانؐ به پیشواز سردار دشمن برخاستندکه این بعنوان سردارقوم دشمناحترام است۔بنابراین ایشانؐ برخاستند وبه پرسش عکرمه فرمودند که واقعاً من ترا عفوکرده ام۔

(مؤطاامام مالك۔کتاب النکاح۔نکاح المشرك اذااسلمت زوجتُه قبله‘)

عکرمه بازپرسید،آیا با این وجود که متمسك به کیش خود باشم؟یعنی من مسلمان نشده ام،آیا در این حالت شرك شما مرا معاف کرده ای، شمامرابخشیده ای؟ ایشانؐ فرمودند،بلی۔پس سینۂ عکرمه به اسلام باز شد وبی اختیارگفت،ای محمد (ﷺ) شماواقعاًبیحدحلیم وکریم وصله رحمی بخشندۂی۔عکرمه بادیدن معجزۂ حسن اخلاق واحسان مسلمان شد۔

(السیرة الحلبیه۔جلدسوم۔صفحه ۱۰۹۔مطبوعه بیروت۔باب ذکر مغازیة ﷺ۔فتح مکة شرفهاالله تعالیٰ)

پس اسلام بر این سبیل حسن اخلاق و آزادی وجدان و اظهار عقیده گسترش یافت۔ این گلوله حسن اخلاق و آزادی دین شخصی چون عکرمه رادریک دقیقه جریحه دار برجا گذاشت۔ آنحضرتﷺ به هر کس تا اسیران و بندگان رخصت دادند که هرچه کیش بخواهند آنرا اختیار کنند۔ اما تبلیغ اسلام برای اینست که خدایتعالی حکم کرده تاتعلیم اسلام معرفی کرده شود، چه مردم حالی نیستند۔ این خواهش برای اینست که شمارا قربت الهی عطا خواهد شد و ما فقط بخاطر همدردی شما میگوئیم۔

چنانکه واقعۂ ی است اسیری را که بدینسان یادشده است۔ سعیدبن ابی سعید بیان میکندکه ایشان شنیدکه حضرت ابوهریرہؓ میگفت که رسول اللهﷺ بسوی نجد به عملیات نظامی دستور دادند۔آنگاه فردی از بنو حنیفه را بعنوان اسیرآوردند۔ نامش ثُمامه بن اَثال بود۔ صحابہؓ او را باستون مسجدنبوی بستند۔رسول کریمﷺ نزد او تشریف برده و فرمودند که ای ثمامه تو چه عذر داری یاچه خیال داری که باشما چه سلوک روا داشته خواهد شد؟ او گفت، من حسن ظن دارم۔ اگر شمامرا قتل کنی آنگاه یکی ریزندۂ خون را قتل خواهی کرد و اگر انعام کنی آنگاه درحق یکی انعام خواهی کرد که انعام را قدرشناس است واگرشما اموال میخواهی پس به هرمیزان که میخواهی بستانی۔ ایشانﷺ او راهمان جا ترک کردند۔روز سوم طلوع کرد۔ بازایشان نزداورفته وازثمامه پرسیدند، ارادۂ توچیست؟ اوعرض کرد، هرچه گفتنی بود گفته ام۔ ایشانﷺ فرمودند او را برهانید۔پس

ثمامه رهاکرده شد۔ سپس او درباغ نخلی نزدمسجد رفته وتغسُّل آورد و بداخل مسجدکلمۂ شهادت یادکردوگفت،ای محمدﷺبخدا برای من در دنیاازمیان نامرغوبترین چهره ها چهرۂ شما بود واکنون حال اینست که برای من از میان محبوبترین چهره ها چهرۂ شما است۔ بخدا برای من در دنیا از میان ناپسندترین ادیان دین شما بود واینك اینطوراست که برای من از میان محبوبترین ادیان دین آوردۂ ی شما است۔ بخدا من از میان ناپسندترین شهرها شهر شما را داشتم واکنون همین شهر از محبوبترین شهرهای من است۔مرا اسب سواران شما گرفتند درحالیکه در صدد ادای عمره بودم۔شماﷺ دراینمورد چه حکم میفرمای؟ رسول اللهﷺ را پرسید، چون ارادۂ من برای ادای مراسم عمره بود اکنون چه فرمان می نماید۔ آنگاه رسول الله ﷺ اورا برای گرویدن به اسلام نوید داده وتبریك گفتند وفرمودند که عمره بجاآری خدایتعالی قبول خواهد فرمود۔ چون او مکه رسید یکی گفت،آیاتو صابی شدی؟ او جواب داد، نخیر، بلکه من برمحمد رسول الله ﷺ ایمان آورده ام وسوگندبخداآینده از یمامه تا یك دانه گندم نزدتان نخواهدآمد تاآنگاه که نبیﷺ اجازه مرحمت فرمایند۔

(بخاری کتاب المغازی۔ باب وفد بنی حنیفه وحدیث ثُمامةَ بْنِ اثال)

روایت دیگری است که پس ازگرویدن به اسلام اوبرای عمره رفت۔ کفارمکه پس از مطلع شدن برگرویدن اوبه اسلام به کشتن اوکوشیدند۔ بر این اوگفت که هیچ دانه ای نخواهد رسید واین تاآنوقت نخواهد رسید

که اجازه از نبی کریم ﷺ صادر نشود۔ سپس او برگشت و به قوم خود گفت و تهیه کردن غله بسته شد۔ بسیار حالت بد فراگرفت۔ ابوسفیان در خدمت آنحضرت ﷺ با درخواست حضور یافت که بر قوم خود که از گرسنگی می میرند ،ترحم کنید۔ آنگاه ایشان ﷺ نفرمودند که غله هنگامی خواهد رسید که شما مسلمان شوید۔ بلکه بلافاصله به ثُمامه پیغامی فرستاده شد که تحریم را خاتمه دهد۔ این ظلم است۔ خورد سالان، بزرگسالان، مریضان و سالخورده ها نیاز به غذا دارند۔ آن برای آنها باید تهیه کرده شود۔

(السيرة النبوية لابن ہشام۔ أسرثُمامة ابن أثال الحنفی واسلامه۔ خروجه الی مكة وقصته مع قريش)

سوی دیگر امر ی مورد التفات اینست که به اسیر ثمامه نگفتند که اکنون تو در قبضه تصرف ما قرار داری، مسلمان شوی۔ سه روز حسن سلوك بدو انجام داده شد۔ سپس او به روشنگری معیار اعلای سلوك رهانیده شد۔ سپس ببینید ثمامه نیز بصیرت داشت۔ همینکه رهانیده شد خویشتن را برای زنجیر شدن در غلامی ایشان ﷺ تسلیم نمود بدین انگیزه که بهبود دین ودنیا من تنها دراین مایه بندگی قراردارد۔

باز مملوك یهودی را وانداشتند که تو مملوك در قبضه تصرف مائی پس هرچه من گویم بجاآوری، تاآن انتها که چون دیدند که بعلت بیماری حالش وخیم شده آنگاه فکر برای فرجام نیکوی او دامنگیر شد۔ فکر این بود مبادا او جهان را وداع گوید درحالیکه مصدق آخری شریعت خدای نباشد بلکه در حالی برود که او تصدیق کننده ای قرارگیرد و آمرزش خدایتعالی

سامان شود۔ آنگاه به عیادتش رفته و بسیار بطریق محبت آمیز گفتند که اسلام را بپذیر۔

چنانکه مروی است از حضرت انسؓ که رسول کریمﷺ را مملوکی جوانسال یهودی بود که بیمار افتاد۔ رسول کریم ﷺ بعیادت او رفته و به بالینش تشریف فرماشدند و فرمودندکه اسلام را بپذیر۔ درروایت دیگری است که او بسوی بزرگان خود نگاه کرد ۔بهرحال او با دریافت اجازه یا بمیل خود اسلام را پذیرا شد۔

(صحیح بخاری۔ کتاب الجنائز۔باب: اذااسلم الصبّی فمات ---حدیث شماره ۱۳۵۶)

پس این امرپذیرفتن اسلام اویقیناً آن سلوك محبت آمیز وآزادی بود که درآن پسر به انگیزه غلامی آنحضرت ﷺ تأثیرکرده بود که یقینًا این دین راستین وقبول کردن آن موجب نجات است۔ چه این درامکان نمیآید که این چهرۂ سراپا شفقت و رحمت به زیان من فکر کرده باشد۔یقینًا ایشانؐ برحق است و همیشه دیگر را بسوی خوبی میخواند۔ بجهت کار نیکوتری میخواند۔ برای همین ورمیدهد۔ پس این نوع آزادی بود که ایشانؐ برقرارفرمودند۔دردنیا هرگز اینرا مثل نتوان یافت۔

ایشانﷺ پیش از داعیه نبوت نیز دوستدارآزادی وجدان وآزادی دین وحیات بودند وغلامی را دوست نداشتند۔ لذا چون پس ازعروسی حضرت خدیجه رضی الله عنها اموال و ممالیك خود به ایشانؐ سپرد، ایشانؐ به حضرت خدیجہؓ فرمودند اگراینهمه چیزها به من تحویل میدهی درآنصورت اینها دراختیارمن خواهد بود وهرگونه بخواهم اینها را به کار

میبرم۔ ایشانؓ عرض کرد برای همین میسپارم۔ ایشانؐ فرمودند که من ممالیك را نیز آزاد خواهم نمود۔ ایشانؓ عرض کرد شما هرچه دوست داری انجام دهی من تسلیم شمانموده ام ۔اکنون من هیچ اختیاری ندارم، این مال شما است۔ پس ایشانؐ بلافاصله غلامان حضرت خدیجه رضی الله عنهاراخوانده و فرمودند که شما همهٔ از امروز آزادید و بیشترین بخش مال را نیز درمیان نادارن وابخشیدند۔

درمیان آنجمله ممالیك که ایشانؐ آزادکردند مملوکی بود که زید نام داشت ودرمقابل دیگران فرزو ذهین تر بود۔ او این امر را پی برد که اکنون آزادی که بحاصل آمد، مهرغلامی که خورده بودم آن نیز دور شد، اما به انتفاع منست دایم درغلامی ایشانﷺ باشم۔ پس گفت،درست است که شماﷺ مرا آزاد اعلام فرمودید، ولی من نمیخواهم آزاد باشم۔بلکه من دایم بعنوان مملوکی نزد شما خواهم ماند۔ پس او نزدآنحضورﷺ بماند و روابط مهروودادروبافزایش یافت۔زیدازاعضای خانوادهٔ ثروتمند بود۔ فرزند متمولان بود۔رهزنها او را بزور ربوده و معرض فروش گذاشتند و درفرایند برده فروشی تابه اینجارسید۔البته مادروپدر و اقوامش نیز در تلاش او بودند۔عاقبت آنهاسراغ گرفته که پسرشان درمکه است به مکه آمدند۔ بازچون معلوم افتادکه اونزدآنحضرتﷺ است درمحضر ایشانؐ حضور یافتند وعرض کردند ثروت هرچه میل دارید بگیرید وپسرما را برهانید چه مادرش دراثرگریه بدحال افتاده است۔ایشانؐ فرمودند، من از

پیش اورا رهاکرده ام۔او آزاد است۔اگرمیل دارد برود و من نیاز به پول هرگزندارم۔آنهاگفتندای پسربیابرویم۔پسرشان بپاسخ گفت،دیدار شما حاصل شدوبهمین میزان بس است۔بفرصت دیدارمادرنیز خواهدشد۔ اما اکنون من باشما نمیتوانم بروم۔ من که اکنون مملوك آن حضرتﷺ شده ام۔جداشدن ازیشانﷺبرای من مطرح نیست۔ حالا محبت بیش از والدین مرا باایشانﷺاست۔پدر و عموی زید زور بسیار زدند اما او انکار نمود۔ آنحضرتﷺ بادیدن این گرمی محبت فرمودند، زید آزاد که ازپیش هم بود اما از امروز او پسرمن است۔ سپس پدر و عموی زید با رویت این صورتحال باز به وطن خود شدند و ازآن پس زید برای همیشه آنجاماند۔

(مقتبس از دیباچه تفسیرالقرآن۔صفحه ۱۱۲)

پس از اعلام نبوت مبادی ایشانؑ به آزادی روشنتر گردید۔ اکنون بعلاوه خوی پاك ذات ایشانؑ شریعت نازل شده بر ایشان نیز حکم میکرد که حقوق ممالیك گزارده شود واگر اینطور ممکن نیست آنها را برهانید۔ چنانکه در روایتی است یکی صحابی مَملوك خود را میزد که آنحضرت ﷺآنرا دیده و اظهار رنجش فرمودند۔سپس آن صحابی آن مملوك را رهانید۔ گفت من اورا آزاد اعلام میکنم۔ آنگاه آنحضرتﷺ فرمودند، اگر اوراآزاد نمیکردی مستوجب عقوبت خدایتعالی قرارمیگرفتی۔

(صحیح مسلم۔کتاب الایمان۔باب صحبة الممالیك۔۔۔حدیث شماره ۴۳۰۸)

حالا التفات کنید که اینست آزادی۔ باز این یك مثل آزادی اظهار عقیده برای پیروان ادیان دیگر را نیز مشاهده کنید۔ این مثل آزادی مربوط به آنزمان است که حکومت ایشانؐ در مدینه استقرار یافته بود۔

روایتی است مروی از حضرت ابوهریره رضی الله عنه که دونفر به یکدیگر فحش دادن گرفتند۔ یکی مسلمان و دومی یهودی بود۔ مسلمان گفت ، سوگند خدای راکه محمدﷺ را بر جهانها برگزیده و فضیلت عطاکرد۔ براین یهودی گفت، قسم به آن ذات که او موسیٰ را بر همهٔ جهانها فضیلت داد و برگزید۔ براین مسلمان دست علم کرده وسیلی توی صورتش زد۔ یهودی در محضر آنحضرتﷺ با مرافعة حضور یافت۔ در این مورد آن حضرت ﷺ از آن مسلمان استعلام نموده و سپس فرمودند، **لَا تُخَيِّرُوْنِي عَلٰى مُوسٰى** که مرا برموسیٰ فضیلت ندهی۔

(بخاری کتاب الخصومات۔ باب ما یذکر فی الاشخاص والخصومة بین المسلم والیهود)

پس به منزله این بود معیار آزادی، آزادی عقیده و وجدان تا با این وجود که حکومت بدست خود ایشانؐ است، پس از مهاجرت به مدینه به برقراری امن و امان پیمانی بسته بودند که طبق آن بدین انگیزه که اکثریت را مسلمانان تنها یا همراه باهمپیمانان که هنوز مسلمان نشده بودند، تشکیل میدادند،حکومت در اختیار آنحضرتﷺ بود۔ اما حکومت به دست هرگز بدین معنی نبود که به احساسات دیگر رعایا مراعات نشود۔ باوجودگواهی قرآن مجید که ایشانؐ افضلترین انبیاند، بر ایشانؐ گوارا نشد که

مقایسۃ انبیاء با همدیگر موجب تکدُّر جامعه قرار گیرد۔ایشانؐ حرف آن یهودی راشنوامسلمان را سرزنش نمودند که شما میان خودانبیاءرا علت مشاجرت قراردهید۔درست است که من نزدشماافضلترین انبیاء هستم، دراینموردخدایتعالی نیزگواهی دهد،امادرحکومت ما تکدیر خاطر کسی بطوری نشودکه حرفی در مورد پیغمبر او زده شود۔من اجازۂاینکار نمیدهم۔برای حفظ احترام من شما باید دیگرانبیاء را نیزاحترام گزارید۔

پس اینگونه بود معیارعدالت وآزادی بیان که ایشانؐ به پاسداری نزدیکان و اغیار برقرارفر موده بودند۔بلکه بعض اوقات به احساسات دیگران فزونتر رعایت میشد۔

نمونۂ کردار بی مثل آنحضرتﷺ برای برقراری اقدار انسانی و رواداری مذهبی۔

ایشانؐ را به برقراری اقدارانسانی و رواداری مذهبی مثل دیگری است۔ مرویست از عبدالرحمان بن ابی لیله که سهل بن حنیف و قیس بن سعد درمکان قادسیه نشته بودند که جنازه ای از نزدشان گذرکرد۔ ایشان هردو بپاشدند۔ چون بدیشان گفته شد که این یکی از ذمیان است هردوگفتند که یکبار جنازه ای ازنزد نبی کریم ﷺ گذرکردکه ایشانؐ احتراماً برخاستند۔ گفته شد بخدمت ایشانؐ که این جنازۂ یهودی است۔ پس رسول کریم ﷺ فرمودند که **اَلَیسَتْ نَفْسًا**،آیا او انسان نیست؟

(صحیح بخاری ۔ کتاب الجنائز۔باب من قام لجنازۃ یهودی)

پس این احترام است برای ادیانی دیگر و انسانیت هم۔اینگونه اظهارات و نمونه های کردار است که در نتیجه آنها فضای رواداری دینی برقرار میشود۔ اینگونه اظهارات است که احساسات نرمی برای همدیگر ایجادمیکندواینگونه احساسات است که موجب ایجادفضای مهروداد و امن میشود و نه مثل کردار دنیاداران امروزه که جز نفرتها هیچ ظاهر نمیشود۔

باز روایتی است که درحین فتح خیبر بعض نسخه های تورات بدست مسلمانان آمد۔ یهودیان در خدمت آنحضرتﷺ حاضرآمدند که کتاب مقدس ما پس داده شود۔

(السیرة الحلبیة ۔باب ذکرمغازیة ﷺ۔غزوة خیبر۔ جلد۳۔صفحه۴۹)

بااین وجود که یهودیان به غلط کاریهای خودمجازات میشدند اما ایشانؑ روانداشتندکه بادشمن نیز سلوکی کرده شود تا احساسات دینی او لطمۀ خورد۔

این وقایعی چند انفرادی است که مطرح کرده ام و ضمناًمن نسبت به انعقاد قراردادی در مدینه گفته بودم۔شرایطی که آنحضرت ﷺدرآن قرار داد تثبیت فرموده بودند،چطورایشانؑ درآن محیط رسیده بایجاد فضای رواداری کوشیدندوبه برقراری امن درآن جامعه چه اهدافی درنظر داشتند تا هم در جامعه امن برقرارگردد و هم شَرَف انسانیت پدیدآید۔

ایشانؐ به مدینه رسیده قراردادی که با یهودیان منعقد فرمودند چند شرایط آن بدین ترتیب بود۔

(۱) مسلمان ویهودی با همدردی و خلوص بهم زندگانی کرده و برهم دیگر مظالم و تجاوز به کار نخواهند گرفت۔ (بااین وجود که یهودیان همیشه این مادۀ پیمان را نقض میکردند اما بعکس ایشانؐ سلوك با احسان میفرمودند۔ عاقبت چون کار به آخر رسید اقدامات شدیدی بریهودیان ناگزیر گردید۔)

(۲) شرط دوم این بود که هرملت با آزادی مذهبی برخوردار خواهد بود (علیرغم اینکه مسلمانان دراکثریت اند شما در دین خود آزاد هستید)۔

(۳) شرط سوم این بود که جان و مال همۀ شهروندان محفوظ داشته و ایشان احترام کرده خواهند شد مگر آنکه مرتکب مظالم وجرم شود(دراین مورد هم هرگز تفریق نیست تا مرتکب جرم کسی مسلمان باشد یا غیرمسلمان اومجازات خواهد شد۔ نگهداری تکلیف مشترك است، کار دولت است ۔)

(٤)اینکه مرافعۀ هرگونه مشاجره وتنازعه به رسول اللهﷺبرده خواهد شد و داوری بمصداق حکم خدائی انجام خواهدگرفت۔ (و حکم خدایي را تعریف اینست که قضاوت درخور شریعت هر ملت مربوطه انجام گیرد۔ مرافعات بهر حال به آنحضرت ﷺ برده خواهند شد چه آنهنگام گردون اقتدار دولت ایشانؐ بودند۔ از اینرو مرافعه نهادن ازآن ایشانؐ بود۔ اما مرافعه درخور شریعت مربوط نهاده خواهد شد۔ چون بعض دادنامه ها بریهودیان بمصداق شریعت آنها صدور یافته بود درمورد آنها مسیحیان و دیگر خرده گیران امروزه

ایرادمیگیرند که ظلم شده بود ۔ در حالیکه محاکمه و قضاوت به خواسته خود آنها و فراخور شریعت آنها انجام گرفته بود۔)

باز شرطی است که هیچ یک گروه بلا اجازه رسول الله (ﷺ)به جنگ بیرون نخواهد رفت۔بدلیل زندگی کردن در سرزمین دولت پی بندی به فرامین دولت الزام آور است۔

(اینک این یکی شرط بر گروه های جهادی در حال حاضر نیز قابل اجراء ورهنمون است که آنها بلا مجوز بدست از دول حاکم بر آنها مجاز به انجام هیچگونه جهاد نیستند بجز آنکه مشمول نفرات ارتش آن کشور قرار گیرند و اگر ارتش آن کشور به جنگ افتد آنگاه کار صواب است۔)

سپس شرط این بود که اگر قومی برعلیه یهودیان و مسلمانان دست به نبرد زند آنان بپشتیبانی همدیگربپا خواهند شد۔(یعنی درصورت جنگ با هیچ یك از ایندوگروه، دومی یاری خواهد داد و درصورت صلح با دشمن اگر به مسلمانان وغیرمسلمانان منفعتی بحاصل آید بهریك سهم متناسب خواهد رسید)۔

باز اینکه اگر یکی بر مدینه حمله آورد همهٔ به مقابله آن خواهند پرداخت۔

بعلاوه یکی شرط عبارت از اینست که هیچگونه کمك یا پناه از سوی یهودیان به قریش مکه و هواداران آنها داده نخواهد شد۔(چه این مخالفین مکه بودندکه مسلمانان را از آنجا بغربت فرستاده و مسلمانان در اینجا پناهنده

شدند۔ بنا بر این شهروندان این حکومت با آن قوم دشمن هیچ پیمانی نمیتوانند ببندند و نه هیچ گونه کمک خواهند گرفت)۔

هرملت متحمل هزینه های خود خواهد شد۔ ازروی این پیمان هیچ یك ستمکار، گناهکاریا مفسد محفوظ نخواهد بود ازاینکه به مجازات نرسد یا اینکه از او انتقام گرفته نشود۔ (بطوریکه در پیش نیز گذشته است هرکه ستمکار،گناهکار باشدو اشتباه کندبهرتقدیراوبازداشت ومجازات شود و این بلاتفریق اعم از این که کسی مسلمان است یا یهودی یا دیگر، به عمل خواهدآمد)۔

(مقتبس از سیرت خاتم النبیین۔ نویسنده حضرت میرزا بشیراحمد صفحه۲۷۹۔)

سپس به برقراری رواداری مذهبی ایشانؐ هیأت نجرانی را برای عبادت در مسجد نبوی اجازه داد ندوآنها عبادت خود را رو به مشرق کرده انجام دادند۔صحابهؓ خیال داشتند که اینطور نشود ولی ایشانؐ فرمودند، فرقی ندارد۔

باز امان نامه ای که ایشانﷺ به شهروندان نجران دادند ذکر ازآن نیز یافت میشود۔طبق آن ایشانؐ بعهده گرفته بودندکه از مرز های مسیحیان (که ازنجران آمده بودند) باارتش مسلمان نگهبانی خواهدشد۔و اینکه حراست کلیساها، معبدها و مسافرخانه هایشان اعم از اینکه درجاهای دورادور یا واقع در شهرها،مناطق کوهستانی یاجنگلها باشندعهده داری مسلمانان خواهدبودوآزادی عبادت آنها را محافظت نیز بر مسلمانان

بفرض است وآنحضرتﷺ فرمودندچون آنهااکنون اَتباع دولت اسلامی شده اند لذا حفاظت آنها از اینرو نیز برمن بفرض است۔

درادامه است که مسلمانان ایشان(یعنی نصاری)را بدون رضایت آنها مشمول عملیات جنگی خود نخواهند دانست۔ کشیشان و رهبران دینی آنها بر هر منصب و سمتی باشند ازآنجا معزول نخواهندشد۔ کار خود را مطابق معمول ادامه خواهند داد۔ معبدهایشان دخالت کرده نخواهد شد۔آنها هرگز مورد استفاده قرار نخواهد گرفت۔آنها به عنوان سرای به علامت منزلگاه ویا برای مقاصد دیگری بدون اجازه ایشان بکار گرفته نخواهد شد۔ دانشمندان وکشیش هایشان هرکجا باشند از ایشان جزیه وخراج گرفته نخواهد شد۔ اگرچنانچه یکی مسلمان را زن مسیحیی باشد آنزن عبادت گزاری را بطریق خود اختیارکامل خواهد داشت ۔ اگر احدی میخواهد به پرسش مسالۂ دینی پیش علمای خود برود، او مجاز است۔ ایشانؐ درموردتعمیرات کلیساها و غیره فرمودندکه اگرآنها از مسلمانان کمک مالی واخلاقی بخواهند، مسلمانان بایدکمک کنند۔ چون این امر نیکویست و این بعنوان وام و مِنت نخواهد بود۔ بلکه اقدامی به استواری این پیمان خواهد بود بدین نشانۂ که فعالیتهای اینگونه به بهبود روابط اجتماعی وبه کمک همدیگرانجام داده شود۔

(مقتبس اززادالمعاد فی هدی خیرالعباد۔ فصل فی قدوم وفدنجران)

پس ملاك عمل ایشان ﷺ بجهت برقراری آزادی و رواداری دینی براین سبیل بود۔ با این وجود بر ایشان ﷺ اتهام مظالم وگستریدن اسلام با شمشیر را بستن حرکت نهایت ظالمانۂ یست۔

حضرت مسیح موعود علیه الصلوة والسلام میفرمایند:

”پس درحالیکه اهل کتاب و مشرکان عرب نهایت بدکردار شده بودند و با ارتکاب بدی میدانستندکه ما نیکوکاری کرده ایم وازجرائم بازنمیماندند و در راه امن و امان عامۂ خلل میافکندند آنگاه خدایتعالی عِنان حکومت بدست پیغمبر خودسپرده و خواست تا مساکین را از دست آنهابرهاند۔ وچون سرزمین عربستان مطلق العنان بود وآنمردم زیردست هیچکدام پادشاهی نبودند بنابراین هریك فرقه زندگی را با نهایت بی قیدی و دلیری بسر میکرد“(هیچگونۂ قانون نبود زیرا زیردست کسی نبودند)” وچون برای آنها هیچ قانون کیفری نبود برای این آنها روزبروز در جرائم پیشروی میکردند۔ پس خدایتعالی برآنهاترحم نموده۔۔۔آنحضرت ﷺ را به آن سر زمین نه تنها بعنوان پیغمبر فرستاد بلکه پادشاه آن کشور نیز برگماشت وقرآن شریف را بصورت قانونی بکمال رساند که دارای هدایات درامور حقوق مدنی، جزایی و دارائی، بود۔ پس آنحضرت ﷺ بعنوان یك پادشاه حاکم همۂ فِرق بودند و مردم هردینی مرافعات خویش را داد خواهی از ایشان ؐ مینمودند۔

از روی قرآن اثبات میشود که یکبار یکی مسلمان و یهود را مرافعه در دادگاه آنجنابﷺ برده شد۔ پس از رسیدگی یهودی را راست قرارداده و مسلمان رامحکوم کردند'' (دراینموردذکراخیراًکرده ام) پس بعض مخالفانی نادان که قرآن شریف را با دقت فکر نمیخوانند و هریك سمت و منصب را زیر رسالت آنحضرتﷺ قلمداد میکنند حالانکه اینگونه مجازات به عنوان خلافت یعنی پادشاهت داده میشود'' (یعنی این کار دولتی است)۔

"بنی اسرائیل را پس ازحضرت موسیٰ پیغمبر جداو پادشاهان جدا بودند که امن و امان را با سیاست مداری برقرار میداشتند۔ اما درزمان آنحضرت ﷺ خدایتعالی این هردومقام به آنجناب'' (یعنی آن حضرتﷺ) "عطاکردوطریق رفتار با مردم بجز مجرمانی پیشه ور از روی این آیت آشکار میگردد: وَقُلْ لِّلَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ وَالْاُمِّيّٖنَ ءَاَسْلَمْتُمْ ۔ فَاِنْ اَسْلَمُوْا فَقَدِاهْتَدَوْا ۔ وَ اِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ (الجزو شماره۳۔ سورة آل عمران)۱۔ و ای پیغمبر بگو به اهل کتاب و جاهلان عرب،آیا شما دراسلام داخل میشوید؟ پس اگر اسلام آورند پس هدایت یافتند و اگر روی برتابند آنگاه برتو فقد اینست که فرمان الٰهی را برسانی۔ در این آیت ننوشته نشد که الاّ این با آنهاجنگ کنی۔ پس پیدا آمد که جنگ تنها با آن مجرمان عادی بود مسلمانان را میکشتند ودر امن و امان شامل خلل می

---

(۱) سورة آل عمران ۔ آیت۲۱

افکندند و در دزدی و رهزنی اشتغال داشتند و جنگ بعنوان پادشاه بود و نه از جهت رسالت'' (بعنوان گردون اقتدار حکومت جنگ میکردند و نه زیرا که پیغمبر بودند) ''بطوریکه خدایتعالی میفرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا۔ اِنَّ اللهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (الجزوشماره۲۔سورة البقرة)(۱)۔(ترجمه) شما جنگ کنید در راه خدابه آنهاکه بشما جنگ کنندیعنی بادیگران کاری نداشته باشید و تجاوز نکنید۔ خدا متجاوزان را دوست ندارد۔''

(چشمه معرفت ۔ روحانی خزائن ۔ جلد۲۳۔صفحه۲۴۲۔۲۴۳)

پس آن نَبی پاک ﷺ که بر او این شریعت نازل شد چطور ممکن است که او احکام نازل شده برخود راتجاوزکند۔ایشانﷺ هنگام تسخیر مکه بلاشرط عفوعمومی را اعلام کرده بودند که به اسلام داخل شده در امان میشوید۔ در اینمورد ذکر از یکی مثل کرده ایم ۔ این اعلام را اَشکال مختلفی بود۔البته درهیچ جای این قید نبود که حتماًاسلام آورید تا عفو کرده شوید۔اعلام عفو عمومی بصورت رفتن و داخل شدن به جاهای مختلف و درآمدن زیر پرچم یکی،رفتن بخانه کعبه و داخل شدن بخانه کسی،قابل اجراء بود۔

---

(۱)سورة البقرة ۔ آیت۱۹۱

و این مثل آنقدر اعلای بود که در جای دیگر دیده نمیشود۔کاملاً اعلام فرمود که **لَا تَثرِیبَ عَلَیکُمُ الیَوم** ۔که بروید امروز بر شما هیچ مواخذه نیست۔ هزارها درود و سلام بر ایشان ﷺ که نمونه های کردار اعلای را پدید فرموده به ما نیز بدین امر تعلیم فرمودند۔

خدایتعالی به ما توفیق بخشد تا بر این عمل کنیم۔

****